

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# هندسه دانش های حدیثی و تاریخ حدیث

لطفا انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی خود را به آدرس زیر بفرستید  
تا در ویرایش بعدی لحاظ گردد.

با تشکر

سیده معصومه تقوی

Taqavi@chmail.ir

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): بس

رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْعَالِمُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ رَكْعَةٍ يَصَلِّيْهَا الْعَابِدُ

دو رکعت نمازی که عالم به جا می آورد بهتر از هزار رکعت نماز عابد است.

من لا يحضره الفقيه / ٤ / ٣٧٧

# مفهوم شناسی

## \* تعریف حدیث در لغت:

نو ، جدید

با حادثه به معنای پیشامد هم خانواده است.  
به سخن هم حدیث می گویند، چون نو به نو ایجاد می شود.

## \* تعریف حدیث در اصطلاح:

سخن معصوم یا آنچه از قول، فعل، یا تقریر معصوم حکایت می کند.



# مفهوم شناسی

## قول معصوم:

محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن علی بن رباط، عن عبید بن زرارہ قال ابو عبدالله علیه السلام:

(بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرِكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَ عَفُّوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعِفُّ نِسَاؤُكُمْ)

امام صادق علیه السلام فرمودند: به پدران‌تان نیکی کنید تا فرزندان‌تان به شما نیکی کنند و نسبت به زنان مردم عفت داشته باشید تا نسبت به زنان شما عفت ورزند.

# مفهوم شناسی

## \* فعل معصوم:

احمد بن محمد، عن علی بن الحسن، عن احمد بن صبیح، عن عَنبَسَةَ الْعَابِدِ روى: (قُبْضَ النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) على صَوْمِ شَعْبَانَ و رَمَضَانَ و ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ أَوَّلِ خَمِيسٍ و أَوْسَطِ أَرْبَعَاءٍ و آخِرِ خَمِيسٍ و كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليهما السلام) يَصُومَانِ ذَلِكَ)

پیامبر (صلى الله عليه و آله) قبض روح شد، در حالی که به روزه گرفتن ماه شعبان و ماه رمضان و سه روز در هر ماه؛ اولین پنجشنبه، چهارشنبه وسط و آخرین پنجشنبه، مداومت داشت؛ از این رو امام باقر و امام صادق (عليهما السلام) این روزها را روزه می گرفتند.

# مفهوم شناسی

\* **تقریر معصوم:**

عملی نزد معصومین علیهم السلام صورت گیرد و محذوری هم برای ایشان در اظهار نظر وجود نداشته باشد و آنها سکوت کنند و از آن عمل نهی نکنند این سکوت به معنای جواز آن عمل تلقی می شود.

(فَعَلَّتْهُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ لَمْ يَنْهَاهَا عَنْهُ حَتَّى قَبِضَهُ اللَّهُ)

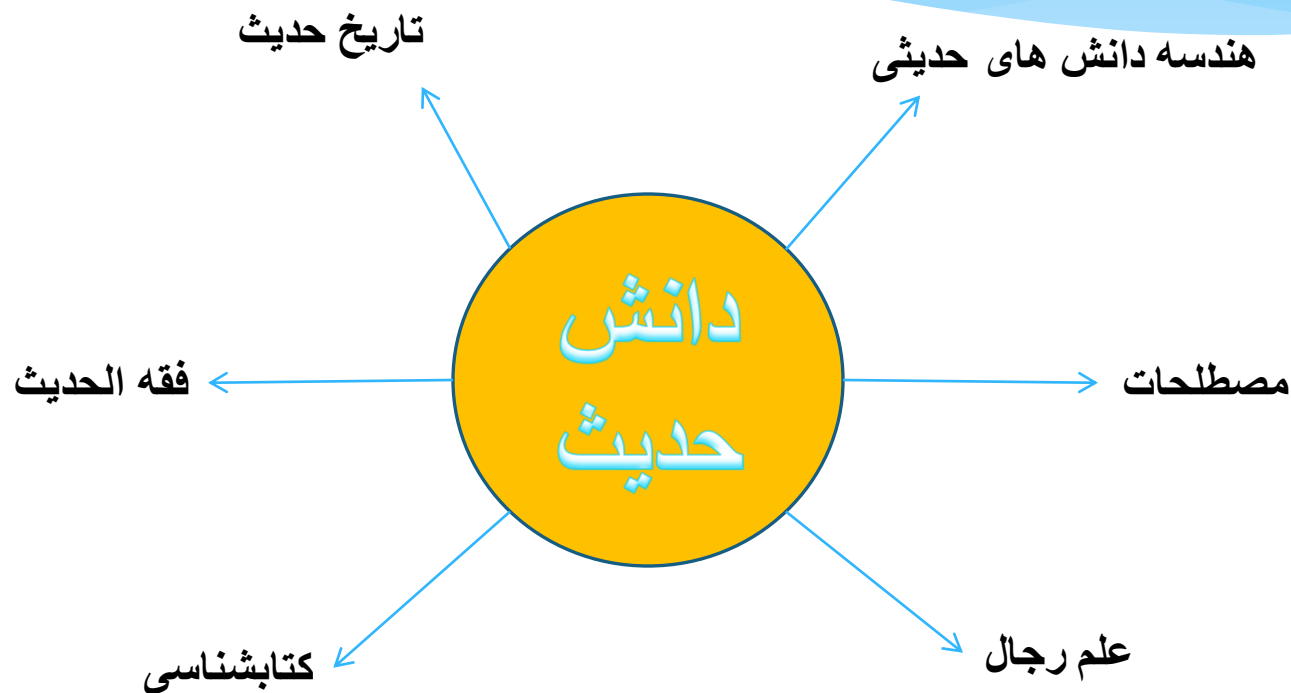
(یاران پیامبر به متعه مبادرت می کردند و ایشان از این کار نهی نمی کردند.)

# مفهوم شناسی

تعریف دانش حدیث

مجموعه دانش هایی که به راه های  
دستیابی، فهم و ارزیابی حدیث  
می پردازد.

# سرفصل های کتاب دانش حدیث



# اهمیت دانش حدیث

## حدیث ثقلین

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند:

انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی، انهما لن یفترقا  
حتی یردا علی الحوض

\* امام زمان (عج) می فرمایند:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ  
حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ

رابطه دانش حدیث با علوم دیگر

حدیث مادر علوم اسلامی است

\* حدیث و تفسیر قرآن

\* حدیث و عقاید

\* حدیث و فقه

\* حدیث و اخلاق

# فصل اول

## هندسه دانش های حقیقی



# سیر دانش حدیث

**مرحله اول:** یادگیری متن (علم روایت): شنیدن، حفظ کردن، نوشتن، گزارش کردن.

**مرحله دوم:** فهم دقیق و عمیق حدیث (علم درایت):

علیکم بادرایات لا بالروایات

حدیثٌ تَدْرِیهِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ تَرْوِیهِ (ص ۱۵۷)

علم فقه الحدیث و غریب الحدیث ضرورت پیدا کرد.

**مرحله سوم:** حدیث با چند واسطه از معصومان

نقل می شد: علم رجال ضرورت پیدا کرد

نخستین آثار در معرفی علوم حدیث

۱ - معرفة علوم الحدیث: حاکم  
نیشابوری

۲ - علوم الحدیث: ابن صلاح

## تعریف دانش حدیث

مجموعه دانش هایی که به راه های **دستیابی**، **فهم** و **ارزیابی** حدیث می پردازد.  
مجموع علوم حدیثی در پنج گروه قرار می گیرد:

- الف) رجال و شناخت حدیث
- ب) مصطلحات
- ج) فقه الحدیث
- د) منبع شناسی
- هـ) تاریخ حدیث

# الف) علم رجال

## تعریف علم رجال:

عِلْمٌ يُبْحَثُ فِيهِ عَنِ أَحْوَالِ الرِّوَاةِ مِنْ حَيْثُ اتَّصَفَهُمْ بِشَرَايِطِ قَبُولِ أَخْبَارِهِمْ وَ عَدَمِهِ

عملی که در آن ویژگی راویان بررسی می شود از لحاظ اینکه متصف به صفاتی هستند که بشود روایات آنها را پذیرفت یا نه؟

## موضوع علم رجال: راوی

**جهت بحث:** وثاقت راوی یعنی اطمینان پیدا کردن به راوی یا عدم اطمینان به او

و یا ممدوح یا مذموم و یا مهمل بودن (توضیحی در کتب رجالی آمده ولی مدح یا ذم از آن برداشت نمی شود)

# الف) علم رجال

## فرق علم رجال با علم تراجم

علم تراجم، همان دانش شرح حال نگاری یا بیوگرافی یا شخصیت شناسی است. که موضوع آن افراد مشهور جهان است.

ولی در علم رجال به راویان می پردازد چه مشهور باشند و چه نباشند.

## رابطه علم رجال با علم تراجم (پاورقی ص ۲۰)

رابطه این دو علم عموم خصوص من وجه است. راویانی که تاریخ ساز نیز بوده اند در هر دو علم بررسی می شوند.

اشخاصی که تنها راوی هستند در علم رجال بررسی می شوند.

اشخاصی که تنها تاریخ ساز هستند و راوی نیستند در علم تراجم فقط بررسی می شوند.

# الف) علم رجال

## علوم فرعی دانش رجال

- ۱ - علم طبقه شناسی: گروهی از راویان که در سن و یا ملاقات مشایخ مشترک هستند.
- ۲ - المؤلف و المختلف: در مورد نام های مشابه راویان است.
- ۳ - المتفق و المفترق: راویانی که نام خود و پدرانشان همسان است.

## ب) مصطلحات

منظور از علم مصطلح الحدیث، اصطلاحاتی است که در علم حدیث به کار می رود.

مانند اصطلاح: سند، متن، کتاب، راوی و....



# ج) فقه الحدیث

**تعریف:** مجموعه دانش ها و راهکارهایی که ما را در فهم و درک عمیق تر حدیث کمک می کند. این دانش های عبارتند از:

۱ - **غریب الحدیث:** شناخت دقیق و کامل واژه های آیات و روایات که دارای مراحل (الف) تشخیص معنای اصلی

(ب) تبیین معانی استعمالی لفظ

(ج) تبیین معنای حقیقی و مجازی واژه

(د) مشخص شدن معنای اصطلاحی واژه

(ه) تبیین ظرافت های موجود در الفاظ مترادف و متشابه.

# ج) فقه الحدیث

## (ادامه علوم زیر مجموعه فقه الحدیث)

۲ - اسباب ورود حدیث: عواملی که زمینه سازی کردند تا حدیث از معصوم صادر شود. مانند حدیث الجار ثم الدار (ص ۲۳)

۳ - اختلاف الحدیث: در بین بعضی از احادیث اختلاف ظاهری وجود دارد که به سبب تفاوت مخاطبان، تقیه، نسخ، بیان مصادیق گوناگون یا جعلی بودن حدیث به وجود می آید.

۴ - علل الحدیث: عیب و نقص موجود در متن یا سند حدیث به خاطر اشتباه راویان به وجود می آید.

۵ - نقد الحدیث: احادیث را به آموزه های قطعی و مسلم دین اسلام عرضه می کند تا احادیث جعلی مشخص شوند.



## د) منبع شناسی

**تعریف:** علمی که به بررسی کتاب های حدیثی می پردازد.

علوم می که زیر مجموعه این علم هستند عبارتند از:

۱ - **نسخه شناسی:** به بررسی نسخه ها و یا کتابهای خطی می پردازد.

۲ - **فهرست نگاری:** الفهرست کتاب هایی هستند که اسامی راویان در آن ها ذکر شده است. علم فهرست نگاری به بررسی این کتاب های می پردازد.

۳ - **تصحیح متون:** به تصحیح و چاپ متون حدیثی می پردازد.

# د) تاریخ حدیث

تعریف: آشنایی با سیر تولد، رشد و دوران های گوناگون حدیث معصومین علیهم السلام را تاریخ حدیث شیعه می گویند.

## تاریخ حدیث

- ۱ - مکاتیب الرسول: احمدی میانجی
- ۲ - مکاتیب الائمة: احمدی میانجی
- ۳ - تدوین سنة الشریفه: حسینی جلالی
- ۴ - تدوین السنة: شهرستانی
- ۵ - تدوین السنة: ضیاء العمری
- ۶ - السنة قبل التدوین: عجاج خطیب

شاخه های فرعی علم تاریخ حدیث:

۱ - تاریخ تدوین حدیث

۲ - تاریخ علوم حدیث

# علوم زیر مجموعه دانش های حدیثی

- ۱ - طبقه شناسی
- ۲ - المؤلف و المختلف
- ۳ - المتفق و المفترق

۱ - رجال

۲ - مصطلح الحدیث

- ۱ - غریب الحدیث
- ۲ - اسباب ورود حدیث
- ۳ - اختلاف الحدیث
- ۴ - علل الحدیث
- ۵ - نقد الحدیث

۳ - فقه الحدیث

- ۱ - نسخ شناسی
- ۲ - فهرست نگاری
- ۳ - تصحیح متون

۴ - منبع شناسی

- ۱ - تاریخ تدوین حدیث
- ۲ - تاریخ علوم حدیث

۵ - تاریخ حدیث

# فصل دوم

## تاریخ حدیث شیعہ

# تاریخ حدیث شیعه

تعریف تاریخ  
حدیث

آشنایی با سیر تولد، رشد و دوران های گوناگون  
حدیث معصومین علیهم السلام را تاریخ حدیث شیعه  
می گویند.

# اهمیت شناخت تاریخ حدیث

- \* شناخت تاریخ حدیث به مجموعه‌ی سخنان، رفتارها و تأییدهای ائمه معصومین علیهم السلام معنایی ویژه می بخشد.
- \* دلیل تعارض بعضی از روایات مشخص می شود.
- \* دلیل زیاد بودن احادیث بعضی از ائمه علیهم السلام نسبت به بعضی دیگر روشن می شود.
- \* دلیل کاهش یا افزایش تعداد احادیث فقهی، کلامی، اخلاقی ... در دوره‌های مختلف مشخص می شود.

# فواید شناخت تاریخ حدیث شیعه

- ۱ - اسباب اختلاف حدیث
  - ۲ - حل برخی احادیث متعارض
  - ۳ - شناخت احادیث تقیه ای
- ۱ - شناخت فرهنگ حدیثی زمانه

۲ - آشنایی با مکتوبات حدیثی در هر زمان

۳ - آشنایی با روش های آموزشی

# ویژگی‌های تاریخ حدیث شیعه

- ۱ - دسترسی به معصومین علیهم السلام
- ۲ - همسان بودن احادیث معصومین
- ۳ - شاگردان دانشمند
- ۴ - طرح احادیث تفصیلی
- ۵ - پاسخ به پرسش‌های جدید
- ۶ - ترویج فرهنگ نوشتاری

ویژگی‌های تاریخ  
حدیث شیعه



# نمایی از تاریخ حدیث شیعه

۱ - عصر حضور

۲ - عصر غیبت

# نمایی از تاریخ حدیث شیعه

## ۱ - دوره حضور

الف) عصر تولد و رشد: از زمان پیامبر تا امام سجاد علیهما السلام

ب) دوره شکوفایی: عصر صادقین علیهما السلام

ج) عصر تثبیت و تحکیم: پس از امام صادق علیه السلام

# نمایی از تاریخ حدیث شیعه

## ۲- عصر غیبت

الف) قرن سوم: دوران غیبت صغری

ب) قرن چهارم و پنجم: دوران طلایی حدیث شیعه

ج) قرن ششم تا نهم: دوره فترت

د) قرن ده و یازده: دوره شکوفایی دوباره

و) قرن دوازده تا دوره معاصر

ز) دوره معاصر

# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

## حدیث در دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

جاذبه کلام وحی همراه با مقبولیت و بلندمرتبگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را گرد ایشان جمع کرد. پیامبر اکرم (ص) در جلسات عمومی و خصوصی و با ایراد خطبه در مناسبت های گوناگون و املاي حدیث بر امیرالمؤمنان علیه السلام همگان را به نقل و گسترش این فرهنگ ترغیب نمودند.

احادیث اخلاقی، فقهی، و قواعد حقوقی را می توان سه رکن اساسی میراث حدیثی پیامبر برشمرد.

# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

حدیث در دوران امام علی علیه السلام

میراث حدیثی امام علی علیه السلام

صحیفه: مجموعه ای کوچک از روایات پیامبر بوده است که همیشه همراه ایشان بود.

کتاب: طوماری به طول هفتاد ذراع (حدود ۳۵ متر) به کلفتی ران شتر، که از ودائع امامت شمرده می شود.

مصحف امام علی علیه السلام: قرآنی همراه با تفسیر و نکات پیرامونی قرآن بوده که از ودائع امامت است.

# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

## روایات امام علی علیه السلام

- ۱ - خطبه ها
- ۲ - نامه ها
- ۳ - گزارش سیره امام علی علیه السلام
- ۴ - قضاوت ها
- ۵ - دعاها (ساعات مختلف شبانه روز، ادعیه ایام حج، پس از نمازهای یومیه، در سجده های شکر، و ۲۵ دعا در میادین جنگ)
- ۶ - اشعار

# عصر تولد و رشد تاریخ حدیث شیعه

## میراث حدیثی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

### ۱ - خطبه فدکیه

بعد از به تاراج رفتن خلافت پیامبر ایراد شده است. تبیین معارف ناب، موقعیت شناسی، بیان نمودن جایگاه واقعی ولایت، فصاحت و بلاغت خاص از ویژگی های این خطبه است.

### ۲ - مصحف حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها:

مجموعه ای از سخنان جبرئیل با حضرت فاطمه سلام الله علیها است و از ودائع امامت و حاوی اخبار حوادث و رویدادهای آینده اهل بیت و ذریه ایشان است. توسط امام علی علیه السلام به نگارش در آمده است.

# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

## حدیث در دوران امام حسن و امام حسین علیهما السلام

گسترش نفوذ و سخت گیری های معاویه موجب شد مراجعه مردم به این دو امام بزرگوار بسیار کم شود.

تبلیغات معاویه به گونه ای بود که در کتب مشهور اهل سنت حتی به تعداد انگشتان دست از این دو امام بزرگوار روایت نقل نشده است.

احتجاج و مباحثه با مخالفان اهل بیت در احادیث امام حسن علیه السلام گزارش شده در میراث حدیثی امام حسین علیه السلام دعاهایی مثل دعای عرفه و احادیث حماسی و سرشار از ابهت، عشق و اخلاص گزارش شده است.



# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

## حدیث در دوره امام سجاد علیه السلام

این دوران از سخت ترین ایام زندگانی امامان علیهم السلام است.

حادثه عاشورا، اسارت اهل بیت، فتنه عبدالله بن زبیر، واقعه حره، قتل عام مسلمانان در مدینه، حمله به مکه، تخریب خانه کعبه، فرمانروایی ابن زیاد و حجاج مصادف با دوران امامت امام سجاد علیه السلام است.

# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

علت افزون بودن احادیث امام سجاد علیه السلام نسبت به حسنین علیهما السلام:

۱ - دوران طولانی امامت: نزدیک به ۳۴ سال

۲ - بهره برداری از تأثیرات عاشورا

۳ - همزمانی با دوران تابعین: ایشان در میان تابعین نسبت به دیگران چهره ای موجه داشتند.

۴ - پیدایش نسل فرهنگی: در این زمان کم کم گروهی پا به عرصه گذاشتند که به فراگیری علم اهتمام داشتند.

# عصر تولد و رشد حدیث شیعه

\* گونه های حدیثی امام سجاد علیه السلام

۱ - دعا

۲ - مواعظ اخلاقی به همراه خطبه هایی که در کوفه و شام و مدینه ایراد کردند.

۳ - میراث مکتوب

الف) صحیفه سجادیه

ب) رساله حقوق

ج) رساله زهد

# دوره شکوفایی حدیث شیعه

## حدیث در عصر صادقین علیهما السلام

شرایط سیاسی  
شرایط اجتماعی  
شرایط فرهنگی  
تفاوت صحابه

ویژگی های عصر صادقین علیهما السلام

آموزش و انتشار حدیث  
تربیت شاگردان زبده و فقیه  
چگونگی برخورد با حدیث  
ژرف نگری در معارف علمی  
عرضه حدیث  
تأثیرگذاری بر دانشمندان عامه

کوشش های صادقین علیهما السلام

# حدیث در عصر صادقین علیهما السلام

این دوران از سال ۹۴ تا سال ۱۴۸ هجری استمرار داشت.  
سال ۱۲۶ تا ۱۴۰ بهترین زمان برای نشر حدیث و معارف بود.

## ۱ - شرایط سیاسی

- در سال ۹۵ هجری حجاج بن یوسف ثقفی والی بصره و کوفه به هلاکت رسید.
- قیام زیدیان و شهادت زید بن علی و فرزندش یحیی موجب تضعیف بنی امیه و مصون ماندن ائمه و شیعیان آنان از تعدی بود.
- سلطنت بنی امیه متزلزل و در سال ۱۳۲ هجری منقرض شد.
- عدم اقتدار حکومت بنی عباس در سال های اولیه، بهترین موقعیت را برای تربیت شاگردان دانشمند و فقیه برای امام صادق و امام باقر علیهما السلام به وجود آورد.

# حدیث در عصر صادقین علیهما السلام

## ۲ - شرایط اجتماعی

- دستور به کتابت حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز
- جایگاه ویژه اهل بیت علیهم السلام در نقل احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم برای همه شناخته شد.
- تمامی مسلمانان اعم از شیعه و سنی بهترین سند احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را طریقی می دانستند که از ائمه بزرگوار شیعه به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می رسید.

# حدیث در عصر صادقین علیهما السلام

## ۳ - شرایط فرهنگی

- فتوحات اسلامی موجب آشنایی مسلمانان با دیگر فرهنگ‌ها شد این آشنایی شباهت‌های جدیدی را به وجود آورد. از آن جا که دانشمندان اهل تسنن قادر نبودند شباهت‌ها را پاسخ دهند فرهیختگان جامعه اسلامی به اهل بیت علیهم السلام مراجعه می‌کردند.

# حدیث در عصر صادقین علیهما السلام

## ۴ - تفاوت صحابه

راویان حدیث در دوران صادقین علیهما السلام با راویان حدیث در دوره‌های پیشین تفاوت داشتند. آنها برای یادگیری دقیق و پرسش از لایه‌های ناپیدای معارف به حضور امام می‌رسیدند تا جایی که آنها به فقیهانی تبدیل شده بودند که می‌توانستند با استفاده از احادیث ائمه علیهم السلام و روش فقهی که از اهل بیت آموخته بودند پاسخگوی دیگران باشند.



# دوره شکوفایی حدیث شیعه

## \* حدیث در عصر صادقین علیهما السلام

شرایط سیاسی  
شرایط اجتماعی  
شرایط فرهنگی  
تفاوت صحابه

\* ویژگی های عصر صادقین علیهما السلام

آموزش و انتشار حدیث  
تربیت شاگردان زبده و فقیه  
چگونگی برخورد با حدیث  
ژرف نگری در معارف علمی  
عرضه حدیث  
تأثیرگذاری بر دانشمندان عامه

\* کوشش های صادقین علیهما السلام

# میراث حدیثی صادقین علیہما السلام

۱ - تفسیر قرآن

۲ - فقہ

۳ - کلام و عقاید

۴ - اصول فقہ

۵ - تاریخ و سیرہ

۶ - اخلاق و دعا

# دوره شکوفایی حدیث شیعه

## اصول اربعماه

**تعریف اصل:** نوشته ای که نویسنده آن، سخن معصوم را شخصاً و یا به واسطه راوی شنیده است و برای اولین بار مکتوب کرده است.

**زمان پیدایش اصول:** از زمان امام علی علیه السلام تا امام حسن عسگری علیه السلام این اصول نوشته می شد ولی چون بیشتر اصول مربوط به زمان صادقین علیهما السلام است. در این دوره بررسی می شود.

# دوره شکوفایی حدیث شیعه

سرنوشت اصول اربعماه:

صفحه ۵۶ پالاگراف آخر

۱ - از آنجا که اصول، اولین نوشته هایی است که سخنان شفاهی معصومان را به صورت کتبی درآورده اند اکثر آنها ترتیب موضوعی نداشته و به گونه ای درهم و نامرتب احادیث را در بر داشتند. لذا بعد از نگاشته شدن جوامع حدیثی و موضوعی مثل کتب اربعه این اصول فراموش شد. ۲ - همچنین آتش سوزی کتابخانه شیخ طوسی به دست متعصبان اهل سنت باعث سوخته شدن شماری از این اصول شد. در حال حاضر ۱۶ اصل باقی مانده است که در کتاب اصول **سته عشر** نوشته شده است.

# دوره شکوفایی حدیث شیعه

## تعریف غالی

غلو در لغت: افراط، ارتفاع، تجاوز از حد و حدود هر چیزی

غالی در اصطلاح: کسی که منزلتی ربوبی و الهی برای ائمه علیهم السلام تصور کند.

ریشه آنها به دوران امام علی علیه السلام بر می گردد اما تأثیر گذاری آنها در حوزه فرهنگی شیعه مربوط به دوره صادقین علیهما السلام است.

# دوره شکوفایی حدیث شیعه

## اقدامات غالیان

### غالیان (غلات) چه کسانی بودند؟

- ۱- با اثبات مقام ربوبی برای ائمه علیهم السلام به تحریف فرهنگ شیعی پرداختند.
- ۲- بسیاری از محرمات را حلال کردند.
- ۳- به اسم تشیع مرتکب معاصی شدند.
- ۴- اقدام به جعل حدیث کرده و به معصومین علیهم السلام منتسب می کردند و با این کار فرهنگ شیعی را مسموم می ساختند.



# دوره شکوفایی حدیث شعیه

## موضع گیری در مقابل غلات

۱ - برخورد ائمه:

ارتباط خود را با آنها قطع کردند  
رهبران شان را طرد و لعن کردند.

۲ - پالایش حدیث:

با نقد سخنان آنان احادیث جعلی آنها را از حوزه حدیث شعیه  
حذف کردند.

۳ - معیار پذیرش حدیث: عدم مخالفت با قرآن

عدم مخالفت با سنت قطعی

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعه

## حدیث در دوران پس از صادقین علیهما السلام

### وضعیت سیاسی

تسلط کامل عباسیان و خفقان و فشار شدید نسبت به امامان شیعه علیهم السلام در این دوران کاملاً آشکار است.

### وضعیت اجتماعی

تعداد شیعیان افزایش پیدا کرده بود و وضعیت مالی آنها بهبود یافته و وجوهات مالی، همچون خمس و زکات افزایش پیدا کرده بود و تشکیلات منسجم و کالت برای سازماندهی امور شیعیان به وجود آمده بود.



# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعه

## وضعیت فرهنگی

- ۱ - با توصیه امامان فرهنگ مراجعه به علما جایگزین مراجعه مستقیم به امام علیه السلام شد.
- ۲ - افزایش مکتوبات حدیثی ائمه علیهم السلام
- ۳ - پدید آمدن کتاب های مسائل، احتجاجات و مباحثات کلامی ائمه و اصحاب ایشان
- ۴ - پیدایش علوم حدیثی مانند درایه، رجال،
- ۵ - گسترش عرضه حدیث

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعه

## شیوه های نشر حدیث

در دوره های قبل ائمه اطهار از شیوه هایی همچون جلسات آموزشی، خطابه و..... برای نشر حدیث استفاده می کردند. این شیوه های در این دوره تغییر کرد.

## عوامل تغییر شیوه های نشر حدیث

- ۱ - فشارهای دستگاه خلافت
- ۲ - افزونی گستره حدیث
- ۳ - افزایش منطقه جغرافیایی شیعیان
- ۴ - التزام ائمه علیهم السلام به مشابه سازی شرایط غیبت

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعه

الف) وکالت

ب) مکاتبات

ج) مسائل

د) احتجاجات

شیوه های نشر حدیث

# دلیل زیاد بودن احادیث امام کاظم علیه السلام با وجود دوران سخت امامت و حبس‌های طولانی مدت حضرت

- ۱ - طولانی بودن مدت امامت
- ۲ - رواج فرهنگ علم آموزی
- ۳ - آرامش نسبی بین خلافت منصور و هارون (مهدی و هادی عباسی مدت ۱۱ سال خلافت کردند.)

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعہ

۱ - عقل

۲ - عقاید

۳ - فقہ

۴ - مواعظ

میراث حدیثی امام کاظم علیہ السلام

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعه

## حدیث و امام رضا علیه السلام

- ۱ - نشر میراث حدیثی شیعه
  - ۲ - همگانی شدن احادیث اعتقادی
  - ۳ - تبدیل ایران به پایگاه شیعه
- آثار حضور امام رضا علیه السلام در خراسان

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعہ

۱ - احادیث اعتقادی

۲ - احادیث فقہی

۳ - احادیث تفسیری

۱ - صحیفہ امام

رضا

۲ - فقہ الرضا

۳ - طب الرضا

۴ - مکتوبات

میراث حدیثی امام رضا علیہ السلام

# عصر تثبیت و تحکیم حدیث شیعه

## حدیث در دوران ائمه متأخر

- ۱ - اصحاب ائمه به تدوین و ترتیب موضوعی احادیث پرداختند.
- ۲ - مجالس و مدارس حدیثی رواج پیدا کرد.
- ۳ - به جهت تبیین موضوعات عقیدتی به ویژه توحید و امامت از سوی امام رضا علیه السلام انشعاب یا تفرقه‌ای در بین شیعیان پدید نیامد و همه امامت امام جواد و امام هادی علیهما السلام در سن ۷ و ۸ سالگی را پذیرفتند.
- ۴ - فرهنگ مراجعه به علما گسترش یافت و لذا از ائمه متأخر در مجموع ۱۲۰۰ حدیث به دست ما رسیده است.
- ۵ - سازمان و کالت منظم شد.



# نمایی از تاریخ حدیث شیعه

## ۲- عصر غیبت

الف) قرن سوم: دوران غیبت صغری

ب) قرن چهارم و پنجم: دوران طلایی حدیث شیعه

ج) ششم تا نهم: دوره فترت

د) قرن ده تا دوازده: دوره شکوفایی دوباره (دوران صفویه)

ه) دوره معاصر

# حدیث در عصر غیبت

## دوران غیبت

- رجوع به علمای دین جایگزین رجوع مستقیم به امام شد.
- ارتباط با امام زمان (عج) فقط از طریق نواب اربعه صورت می گرفت.
- تنها راه صدور حدیث نامه نگاری و پرسش از امام و نگارش توقیع از جانب ایشان بود.
- مدرسه حدیثی کوفه از رونق افتاد و مدرسه حدیثی قم جایگزین آن شد.
- دانشمندانی چون علی بن ابراهیم، کلینی، ابن بابویه و... در قم رشد کردند.
- شیعیان شهر کاظمین تشکیلات فرهنگی و اجتماعی ویژه ای پیدا کردند.
- حضور نواب اربعه و شیخ مفید نابغه بزرگ شیعی در بغداد به گسترش جامعه شیعی و نظم و انضباط آن کمک کرد.

# دوران طلایی حدیث شیعه قرن ۴ و ۵

## شرایط سیاسی

- ۱ - تزلزل حکومت بنی عباس
- ۲ - سامانیان در خراسان، فاطمیان در مصر، حمدانیان در موصل قدرت یافته بودند.
- ۳ - آل بویه که تمایلات شیعی داشتند در دستگاه حکومت عباسی نفوذ داشتند.
- ۴ - عزاداری روز عاشورا و گرامی داشتن عید غدیر در این زمان رسمی شد.

# دوران طلایی حدیث شیعه قرن ۴ و ۵

## شرایط فرهنگی

- ۱ - شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی، شیخ طوسی، ابو علی سینا، خوارزمی و ... در این دوره می زیستند.
- ۲ - کتابخانه شاپور بن اردشیر و شیخ طوسی هر کدام ۸۰ هزار جلد کتاب داشت.
- ۳ - شیخ مفید با قدرت علمی و طی مباحثات کلامی با تمام فرق، توانست جامعه شیعی را از شکل یک گروه مطرود به صورت یک مذهب پیروز و با فرهنگ معرفی کند.

# دوره فترت

**فترت در لغت:**

ضعف در چیزی

سکون بعد از شدت یا ضعف بعد از قوت

- با به وجود آمدن اختلافات در بین آل بویه آنها ضعیف شدند و مناطق تحت سلطه آنان به تصرف امرای سلجوقی که دشمن شیعیان بودند درآمد.
- سلجوقیان محله شیعه نشین کِرخ از جمله خانه و کتابخانه شیخ طوسی و کتابخانه عظیم شاپور بن اردشیر را آتش زدند.
- سید بن طاووس و علامه حلی زمینه لازم برای تغییر فرهنگ جامعه ایران از اهل سنت به شیعه را فراهم کردند.

# حدیث در قرن ده تا دوازده

۱ - صفویان یک دولت مقتدر شیعی تشکیل دادند.

۲ - علمایی چون محقق کرکی، شیخ بهایی، ملاصدرا، ملامحسن فیض کاشانی، شیخ حر عاملی، میرداماد، مجلسی اول، علامه مجلسی و صدها عالم دینی دیگر در این دوران زندگی می کردند.

# حدیث در قرن ده تا دوازده

- ۱ - تکثیر نسخه ها
- ۲ - جامع نگاری
- ۳ - شرح نویسی و فقه الحدیث
- ۴ - تفسیر مآثور
- ۵ - ترجمه
- ۶ - علوم حدیثی

**مهم ترین اقدامات حدیثی  
در قرن ده تا دوازده**



اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِ مُحَمَّدٍ



بسم الله الرحمن الرحيم

اصطلاحات حدیثی

لطفا انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی خود را به  
آدرس زیر بفرستید تا در ویرایش بعدی لحاظ گردد.

با تشکر

سیده معصومه تقوی

Taqavi@chmail.ir

# \*مباحث مقدماتی

تعریف علم مصطلح الحدیث:  
علمٌ یبحثُ فیہ عن **سند الحدیث** و **متنہ** و **کیفیۃ تَحْمِلِہ** و **آدابِ نَقْلِہ**

دانشی کہ در آن از **سند حدیث**، **متن آن**، **چگونگی دریافت حدیث** و **آداب نقل حدیث** بحث می شود.

آشنایی با اصطلاحات مرتبط با حدیث

شناخت حکم حدیث

\*هدف از دانش  
مصطلح الحدیث

## \*عناوين مختلف اين دانش:

علوم الحديث

دراية الحديث

مصطلح الحديث

اصول الحديث

اصطلاحات مختلف حدیثی را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) اصطلاحات مقدماتی (مفاهیم اولیه)

ب) اصطلاحات مربوط به روایات

ج) اصطلاحات مربوط به روایت

د) اصطلاحات مربوط به کتب حدیثی

ه) اصطلاحات مربوط به طرق تحمل حدیث

و) کنیه ها و علائم اختصاری رایج

# مفاهیم اولیه

۱ - حدیث

ما یحکی قولَ المَعصومِ أو فعله أو تقریره

آنچه حکایت از گفتار یا کردار یا تقریر معصوم علیه السلام کند.

۲ و ۳ و ۴ - خبر، اثر، روایت

## معانی لغوی

خبر: اطلاع و آگاهی و جمع آن اخبار است.

اثر: بر جامانده از هر چیزی

روایت: نقل کردن، گزارش دادن

معنای مصدری: نقل کردن حدیث با سند

معنای اسمی: مترادف حدیث و جمع آن روایات است.

این سه اصطلاح غالباً مترادف با حدیث هستند، گرچه گاهی اعم از حدیث است یعنی بر گفتار و کردار غیر معصوم مثل صحابی و تابعی نیز اطلاق می شود.



## ۵ - سنت:

در لغت: شیوه و روش

در اصطلاح علم فقه: امر مستحب مقابل فریضه یا امر واجب

در اصطلاح علم کلام: آن چیزی که از دین به حساب می آید، در مقابل آن بدعت است یعنی امر خارج از دین

در اصطلاح علم حدیث: به نفس (خود) قول و فعل و تقریر معصوم سنت گفته می شود. به واقع امر که در عصر معصوم اتفاق افتاده است. فقط کسانی به سنت دسترسی دارند که در حضور معصوم بودند.

و راه دستیابی به آن برای ما از طریق حدیث است که حکایت سنت می کند. به همین دلیل گاهی سنت به صورت مجازی مترادف با حدیث به کار می رود.

## فرق سنّت با حدیث:

سنّت یک قسم بیشتر نیست و آن سنت صحیح است که مصون از کذب و خطاست.

اما خبر ، حدیث و اثر که حاکی از سنت اند، ممکن است صحیح ، ضعیف یا حتی کذب باشند؛ لذا داری اقسامی از قبیل صحیح، حسن، موثق و ضعیف اند.

۶ - سند

در لغت: تکیه گاه و جمع آن اسناد است.

در اصطلاح: سند طریقی است که متن حدیث از آن طریق روایت شده و شامل نام تعدادی راوی است.

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن ابی عمیر عن سیف بن عمیرة عن أبی حمزة  
عن أبی جعفر علیه السلام: قال: عالمٌ یُنتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِینَ أَلْفِ عَابِدٍ.

۷ و ۸ و ۹: طریق، وجه و إسناد

معنای لغوی

طریق: راه و جمع آن طرق است.

وجه: راه

إسناد: نسبت دادن خبری به دیگری به صورت مستند.

معنای اصطلاحی

مترادف با سند است.

نَقَلَ الشَّيْخُ هَذَا الْحَدِيثَ بِهَذَا الطَّرِيقِ

شیخ حدیث را به این طریق ( به این وجه، با این سند) نقل کرد.

هَذَا الْحَدِيثُ لَا يُعْرَفُ إِلَّا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ

این حدیث شناخته نمی شود مگر با این وجه(با این سند، با این طریق).

إِسْنَادُ هَذَا الْحَدِيثِ صَحِيحٌ أَوْ ضَعِيفٌ

سند (طریق، وجه) این حدیث صحیح یا ضعیف است.

## ۱۰ و ۱۱ - شیخ و مروی عنه

شیخ یعنی استاد، کسی است که راوی، حدیث را از او فراگرفته و روایت می‌کند؛ از این رو (مروی عنه) نیز نامیده می‌شود.

## ۱۲ - طبقه

طبقه به گروهی اطلاق می شود که در سن و ملاقات با مشایخ حدیث یا صرفاً در ملاقات با مشایخ مشترک اند.

۱ - تعیین اتصال و انقطاع سند.

**فایده شناخت طبقه**

۲ - تشخیص راویانی که در اسم، کنیه و ... مشترکند.

محمّدُ بنُ یحیی عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن  
جمیل بن صالح عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال:



## تمرین

احمد بن محمد نامی است مشترک بین چند راوی از جمله :

۱ - احمد بن محمد العاصمی که در طبقه مشایخ کلینی است.

۲ - احمد بن محمد بن خالد که در طبقه مشایخ کلینی است.  
منظور از احمد بن محمد در این سند کافی کیست؟

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحسن بن محبوب عن جمیل بن صالح عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال:  
ان الذي يُعَلِّمُ الْعِلْمَ مِنْكُمْ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَعَلِّمِ وَ لَهُ الْفَضْلُ عَلَيْهِ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ مِنْ حَمَلِهِ وَ عَلِّمُوهُ إِخْوَانَكُمْ كَمَا عَلَّمَكُمْوهُ الْعُلَمَاءُ



## جواب

در سند، کلینی احمد بن محمد را با واسطه محمد بن یحیی آورده است. یعنی محمد بن یحیی شیخ کلینی و احمد بن محمد شیخ کلینی است.

در نتیجه منظور از احمد بن محمد در سند احمد بن محمد بن خالد است.

به عبارت دیگر:

اگر منظور احمد بن محمد العاصمی بود کلینی بدون واسطه از او روایت نقل می کرد. در حالی که با واسطه محمد بن یحیی روایت نقل کرده است. لذا احمد بن محمد بن خالد، مراد کلینی بوده است.

# بخش دوم

## اصطلاحات مربوط به روایات

۱- صحابی: (جمع: اصحاب، صحب)

من لقی النبی مؤمناً به و مات علی الاسلام.

در حال ایمان به پیامبر اکرم (ص) آن حضرت را ملاقات کرده باشد.

تعریف صحابی

مسلمان از دنیا برود.

اختلاف نظر شیعیان با اهل تسنن در مورد صحابی:

اهل تسنن تمام صحابی که متجاوز از ۱۰۰ هزار نفر هستند را عادل می دانند و روایاتشان را می پذیرند بر خلاف شیعه که معتقد است باید ویژگی های صحابی از جمله عدالتشان، بررسی و اثبات شود.

## بخش دوم اصطلاحات مربوط به روایات

۲ - تابعی

\* در لغت: تابع: پیرو و دنباله رو

مَنْ لَقِيَ صَحَابِيًّا مُسْلِمًا وَ مَاتَ عَلَى الْإِسْلَامِ

در حال اسلام صحابی را ملاقات کرده باشد.

مسلمان از دنیا برود.

تعریف تابعی

# بخش دوم

## اصطلاحات مربوط به روایات

۳ - مُخَضَّرَم

در لغت: اسم مفعول از ریشه رباعی (خضرم) به معنای جدا شده.

این گروه از همگنان و معاصران خود یعنی صحابیان جدا افتاده‌اند لذا به این نام خوانده می‌شوند.

۱ - هم دوران جاهلیت و هم اسلام را درک کرده است.

۲ - موفق به دیدار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشده است.

تعریف

نظر مشهور:

چنین افرادی جزء تابعین به شمار می‌روند نه صحابه

## بخش دوم اصطلاحات مربوط به روات

### ۴ - مولی

هو الشخص المحالف أو المعتق أو الذي أسلم على يد غيره  
به شخص هم پیمان یا آزاد شده و یا کسی که به دست دیگری اسلام  
آورده است اطلاق می گردد.

مالک بن انس أصبحی تیمی یا مولی تیمین : مالک اصالتاً از قبیله أصبح  
بوده ولی چون هم پیمان قبیله تیم بوده به او تیمی یا مولی تیمین  
نامیدند. (ولای حلف)

ابو رافع مولی رسول الله: ابو رافع بنده آزاد شده پیامبر اکرم(ص) است.  
(ولای عتق)

محمد بن اسماعیل بخاری مولی جعفین: جد بخاری مجوسی بوده و به دست  
یمان بن اخنس جعفی مسلمان شده است. (ولای اسلام)

## بخش سوم اصطلاحات مربوط به روایت

خبر به لحاظ یقین آور بودن یا نبودن به دو دسته تقسیم می‌شود:

**متواتر: یقین آور است.**

**خبر**

**واحد (آحاد):** یقین آور نیست و ظنی است. خبری که به حد تواتر نرسیده است. خواه در هر طبقه یک نفر آن را نقل کرده باشند یا بیشتر از یک نفر.

**\* مراد از یقین آوری حدیث:** برای ما اطمینان حاصل کند که سخن یا عمل ذکر شده در حدیث، واقعا سخن یا عمل معصوم علیه السلام است .

## بخش سوم اصطلاحات مربوط به روایت

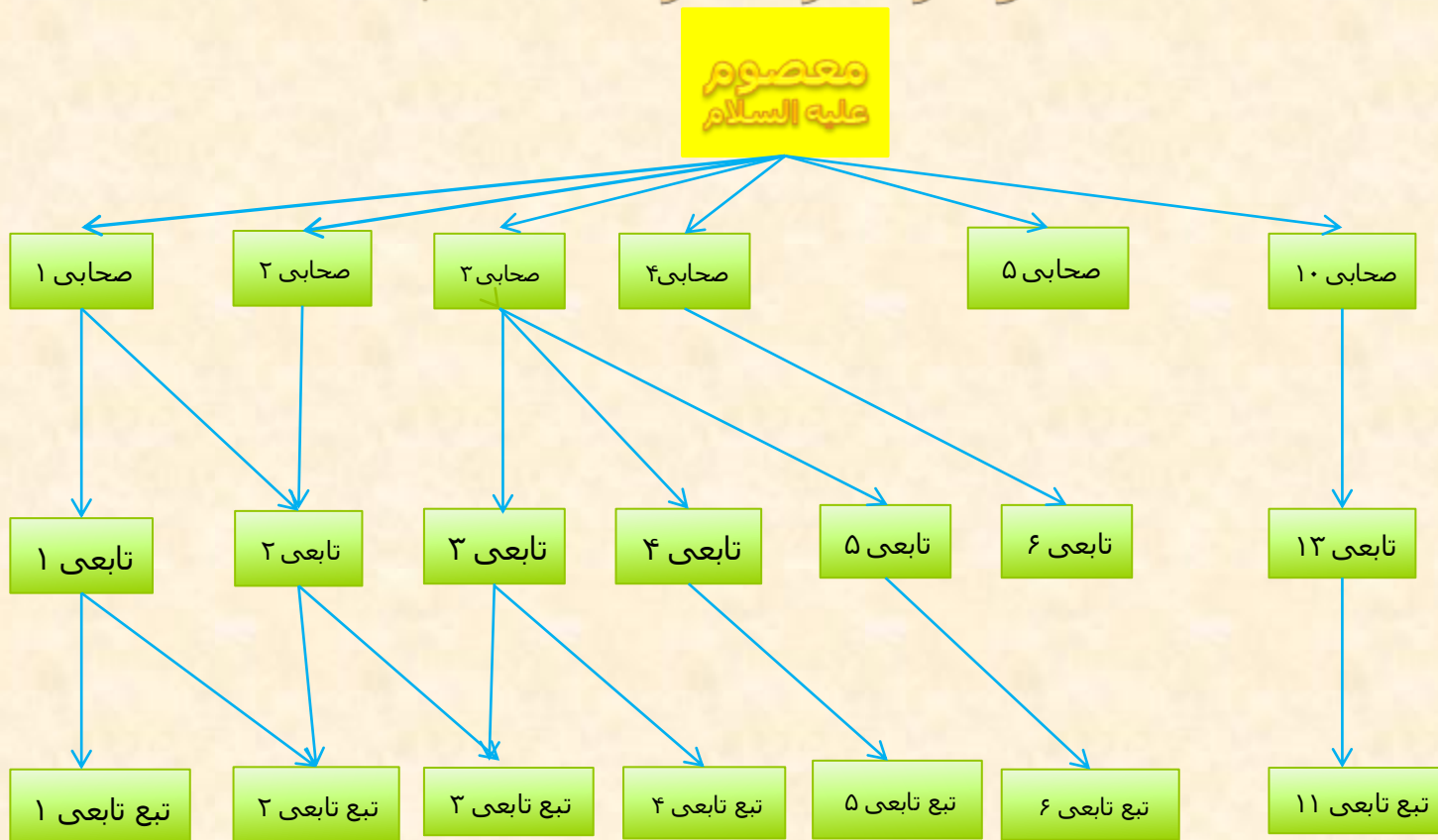
### خبر متواتر:

**در لغت:** اسم فاعل از تواتر: به معنای در پی هم آمدن

### در اصطلاح:

به خبر گروهی اطلاق می شود که **سلسله روایات آن، تا معصوم، در هر طبقه به حدی زیاد باشد که امکان توافق آنها بر کذب به طور عادی محال باشد و با خبر دادن آنها برای شخص علم حاصل شود.**

# \* نمودار کثرت در همه طبقات





متواتر لفظی

متواتر معنوی

اقسام خبر متواتر

**متواتر لفظی:** همه ناقلان، مضمون خبر را با یک لفظ نقل کرده باشند، (اتحاد در لفظ و معنا)

□ مَنْ كَذِبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ

□ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

**متواتر معنوی:** خبری که الفاظ ناقلان با یکدیگر متفاوت است اما معنای مشترکی از تمام این خبرها استفاده می شود. (اختلاف در لفظ، اشتراک در معنا)

شجاعت امیرالمؤمنین علیه السلام

## \* مباحث تکمیلی:

تعداد روایات متواتر لفظی، بسیار اندک است. اما موضوعات با متواتر معنوی بسیارند، مانند ضروریات دین و موضوعات اصلی فقه همچون تعداد رکعات نماز، مبطلات روزه، مقدار خمس و زکات و....

**حکم روایات متواتر:** تنها نوع از روایات است که از آن یقین به صدور از معصوم حاصل می شود. یعنی قطعی الصدور هستند و در کنار قرآن و عقل، دلیل قطعی تلقی می شود.

## خبر واحد

خبری که به حد تواتر نرسیده است. خواه راوی در هر طبقه یک نفر باشد یا بیشتر.

\*خبری که ویژگی های لازم برای تواتر را ندارد، به عبارت دیگر کثرت راویان در همه طبقات به حدی نیست که علم به صدور آن حاصل شود، یا احتمال تبانی بر کذب در آن وجود داشته باشد.

## فرق خبر واحد و خبر متواتر:

خبر متواتر فی نفسہ علم آور و معتبر است. اما خبر واحد به تنهایی موجب علم به مضمون خبر نمی شود، لذا باید بررسی کرد کدام یک از اقسام آن معتبر دانسته شده است.

اصطلاحات مختلف حدیثی را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) اصطلاحات مقدماتی (مفاهیم اولیه)

ب) اصطلاحات مربوط به روایات

ج) اصطلاحات مربوط به روایت

د) اصطلاحات مربوط به کتب حدیثی

ه) اصطلاحات مربوط به طرق تحمل حدیث

و) کنیه ها و علائم اختصاری رایج

## تقسیمات خبر واحد

- از نظر تعداد راویان
- به لحاظ درجه اعتبار آن
- از نظر اتصال و انقطاع سند و نیز محل افتادگی و تعداد راویان محذوف
- از نظر انتساب به آخرین گوینده
- با توجه به پذیرش روایت
- با توجه به تفاوت در نقل سند و متن روایت
- با توجه به تعداد واسطه ها تا معصوم
- با توجه به شباهت های مکرری که در سند آن وجود دارد.



## نکات قابل توجه در تقسیمات خبر واحد

۱ - تعریف و توضیح خبر متواتر به اتمام رسیده است از هم اکنون هر اصطلاحی که گفته می شود مربوط به خبر واحد است.

۲ - اهمیت هر کدام از ویژگی های حدیثی که ذکر می شوند یکسان نیستند مثلا وجود معارض یا عدم وجود معارض در پذیرش حدیث نقش بسیار تعیین کننده دارد در حالی که کوتاهی یا بلندی سند حدیث صرفا یک حسن تلقی می شود.

۳ - از آنجا که هر حدیث از زوایای مختلف بررسی می شود ممکن است دارای اصطلاحات مختلف باشد. مثلا مستفیض باشد. صحیح باشد، مسلسل باشد، عالی السند باشد، مرفوع باشد و ...

زیدیه:

نامشان را از زید بن علی بن الحسین علیه السلام گرفته اند .  
زیدیان بر خلاف دوازده امامی ها زید بن علی را به جای برادرش  
محمد باقر علیه السلام امام پنجم می دانند.  
به مذهب حنفی نزدیک هستند.  
شباهت هایی با مذهب جعفری دارند  
در کلام و الهیات به معتزله نزدیکند.  
به عصمت ائمه معتقد نیستند.  
معتقد امام باید قادر به جنگ و دفاع باشد.  
امامت کودک و مهدی غائب را نمی پذیرند



## ● فرقه فطحیه

بعد از شهادت امام صادق علیه السلام از آن رو که عبدالله افطح فرزند ارشد امام صادق علیه السلام بود و دعوی امامت کرد به او گرویدند. فطحیه به حدیثی از امام صادق ع تمسک جستند که بنابر آن، امام باید فرزند ارشد امام پیشین باشد.

افطح در لغت به کسی اطلاق میشود که دارای سر و یا پاهای پهن باشد و چون عبدالله دارای این ویژگی بود وی را افطح و پیروانش را فطحیه می نامند.

از آن جا که به دلیل سختگیری های حکومت، امام صادق صریحا به امامت امام کاظم علیه السلام اشاره نکردند عده ای از شیعیان به امامت عبدالله گرویدند . منابع معتبر خبر از نارضایتی امام صادق علیه السلام از عبدالله و مشکل عقیدتی او می دهند. امام صادق علیه السلام او را دارای مذهب مرجئه و عقیده فاسد اعلام و به او خطاب می کند : چرا مانند برادرت موسی علیه اسلام نیستی ؟ امام صادق علیه السلام او را غاصب مقام امامت خواند و خبر مرگ زود هنگام او را به امام کاظم داد و از او براءت جست.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی از شیعیان نزد عبدالله افطح پرسش‌هایی مطرح کردند و چون ناتوانی او را از پاسخ‌دهی و عقایدش را مخالف امام صادق ع یافتند از او کناره‌گرفته و به حضرت امام کاظم گرویدند. شمار بسیار اندکی از پذیرش امام کاظم ع خودداری کردند و توهم کردند عبدالله فرزندی به نام محمد داشته که به سوی خراسان رفته و همو قائم منتظر است در حالی که عبدالله فرزندی به جای نگذاشته است.

منبع برای مراجعه: تاریخ فرق اسلامی ۲ فرق شیعی و فرقه‌های منسوب به شیعه: دکتر حسین صابری

● فرقه ای از شیعه هستند که معتقدند مقام امامت پس از امام صادق ع به فرزند بزرگش اسماعیل که در زمان آن حضرت از دنیا رفت منتقل شده است. از این گروه به قرامطه و شش امامی نیز تعبیر شده است.

ظهور این فرقه نتیجه اختلاف در امامت اسماعیل با برادرش حضرت امام موسی بن جعفر بوده است اینان معتقدند که بعد از امام جعفر صادق امامت به پسر اسماعیل محمد منتقل شده که سابع نام بوده.

اسماعیلیه به دو گروه منشعب شدند:

خالصه: واقفه هم نام دارند. اسماعیل نمرده از انظار غایب شده او مهدی موعود است

مبارکه محمد بن اسماعیل جانشین پدر شده و معتقدند سلسله امامت تا حالا ادامه داشته است.

## تقسیم دوم

اقسام چهارگانه خبر از دیدگاه شیعه

خبر واحد به لحاظ درجه اعتبار آن، که حاصل اختلاف حالات راویان و اتصال سند است، به چهار نوع تقسیم می شود:

۱ - خبر صحیح

۲ - خبر حَسَن

۳ - خبر مَوْثِقٌ

۴ - خبر ضعیف

## ۱ - خبر صحیح

در لغت: سالم

در اصطلاح: (ما اتّصل سندهُ إلى المعصوم عليه السلام بنقل العدل الإمامی عن مثله في جميع الطبقات)

یعنی خبر صحیح باید شرایط زیر را داشته باشد:

- ۱ - سندش به معصوم متصل باشد.
- ۲ - تمام راویانش عادل باشند.
- ۳ - تمام راویانش امامی باشند.
- \* ۴ - این ویژگی ها در تمام طبقات راویان وجود داشته باشد.

## تذکر:

❖ امامی = شیعه دوازده امامی  
پس شامل پیروان سایر فرقه های شیعه مانند زیدیه،  
واقفیه، فطحیه، اسماعیلیه، و... نمی شود.

❖ این عبارات در کتب رجالی دلالت بر عدالت و امامی مذهب بودن  
می کند:

الف) عدلٌ امامیٌّ ضابطٌ

ب) عدلٌ من أصحابنا الإمامیة ضابطٌ

ج) عدلٌ

د) حجةٌ

ه) ثقةٌ

نکته: اگر بعد از ثقة کلمه ای بیاید که بر غیر امامی بودن دلالت کند فقط  
عدالت قولی را می رساند. مانند: عمّار بن موسی السّاباطی ثقةٌ فطّحی

## نمونه ای برای حدیث صحیح از کتاب کافی

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ  
أَذِينَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَسْمَعُ  
الْحَدِيثَ مِنْكُمْ فَأَزِيدُ وَأَنْقُصُ؟ قَالَ إِنْ كُنْتَ تَرِيدُ مَعَانِيَهُ فَلَا بَأْسَ.

من از شما حدیثی می شنوم. آیا می توانم آن را کم یا زیاد کنم؟ (امام در پاسخ)  
فرمود: اگر مقصودت بیان معانی آن باشد، اشکالی ندارد.

محمد بن مسلم: عادل امامی، از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام.

عمر بن اذینه: عادل امامی، از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام.

محمد بن ابی عمیر: عادل امامی، از اصحاب امام رضا علیه السلام.

محمد بن الحسین: عادل امامی، از اصحاب امام جواد، امام هادی و امام حسن  
عسکری علیهم السلام.

محمد بن یحیی: عادل امامی، از مشایخ کلینی

همه راویان امامی عادل، انقطاعی در سند نیست، سند به معصوم می رسد



## ۲ - حدیث حسن

در لغت: نیکو

در اصطلاح:

ما اتَّصَلَ سَنَدُهُ إِلَى الْمَعْصُومِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِإِمَامِي مَمْدُوحٍ مِنْ غَيْرِ نَصٍّ عَلَى عَدَالَتِهِ

یعنی خبری که این شرایط را دارا باشد:

۱ - سندش به معصوم متصل باشد.

۲ - همه روای آن امامی باشند.

۳ - راویانش در کتب رجال مدح شده باشند اما به عدالت آنها تصریح نشده باشد.

الفاظ (مُتَقَنُّ، ثَبَتُّ، حَافِظٌ، ضَابِطٌ، صَالِحٌ، فَاضِلٌ، خَيْرٌ) صرفاً دلالت بر مدح راوی می کند  
نه عدالت آنها.



### ۳ - حدیث موثق

در لغت: اسم مفعول باب تفعیل یعنی مورد اطمینان

در اصطلاح:

ما اتَّصَلَ سَنَدُهُ إِلَى الْمَعْصُومِ بِمَنْ نَصَّ الْإِصْحَابَ عَلَى تَوْثِيقِهِ مَعَ فِسَادِ عَقِيدَتِهِ

یعنی خبری که این شرایط را دارا باشد:

۱ - سندش به معصوم متصل باشد.

۲ و ۳ - همه یا بعضی از روای آن غیر امامی اما موثق باشند (در کتب رجال شیعه به وثاقت آنها تصریح شده باشد).

منظور از فساد عقیده این است که راوی شیعه نباشد یا دوازده امامی نباشد. مانند:

غیاث بن کلوب: ثَقَّةٌ عَامِيٌّ

علی بن فضال: ثَقَّةٌ فَطَحِيٌّ.

## ۴ - ضعیف:

حدیثی که شروط هیچ یک از اقسام سه گانه را نداشته باشد.

مثلاً: - به معصوم نرسد.

- متصل نباشد.

- راوی آن مجهول الحال، متهم به فسق و کذب و... باشد.

برخی از الفاظ جرح راوی:

ضعیفٌ، کذابٌ، وضاع الحدیث، غال، مجهولٌ، متهمٌ بالكذب

## توجه:

نوع هر سند همواره تابع آخسّ رجال خود (پایین ترین رتبه راوی) است.

همان گونه که در منطق (نتیجه تابع اخس مقدمات است)

## مثال:

- ❖ عدل امامی، عدل امامی، ثقة، عدل امامی: صحیح
- ❖ عدل امامی، عدل امامی، کذاب، عدل امامی: ضعیف
- ❖ عدل امامی، ثقة فطحی، عدل امامی، عدل امامی: موثق
- ❖ عدل امامی، صالح، عدل امامی، فاسق، عدل امامی: ضعیف
- ❖ عدل امامی، فاضل، عدل امامی، عدل امامی: حسن

## حکم اقسام چهارگانه حدیث:

سه قسم اول معتبر هستند. ولی درجه اعتبار آنها فرق می کند.  
ترتیب درجه اعتبار: ۱ - صحیح، ۲ - حسن، ۳ - موثق  
خبر ضعیف معتبر نیست.

\* اگر حدیث ضعیف ساختگی و دروغین نباشد و قرائنی بر تأیید آن وجود داشته باشد پذیرفته می شود.

\* در ادعیه، داستان و مواعظ لازم نیست در سند آن سختگیری کرد و به آنها عمل می شود.

\* احادیث ضعیف می توانند برای احادیث دیگر شاهد قرار بگیرند.  
علاوه بر آن در تصحیح و تکمیل طرق روایات کاربرد دارند.

## نکته

**صحت اصطلاحی حدیث با حجیت حدیث و عمل به آن فرق می کند:**

ممکن است حدیثی صحیح ولی به دلایلی به آن عمل نشود.

و ممکن است حدیثی ضعیف باشد و به آن عمل شود.

در واقع در حدیث، صرفاً صحت سند یعنی طریق رسیدن خبر بررسی می شود تا روشن شود این طریق به تنهایی قابل اعتماد است یا خیر؟

اما در مقام عمل باید تمام شواهد و قرائن دیگر نیز لحاظ شود.

## جدول احادیث معتبر

در همه طبقات	عدالت	امامی	رسیدن به معصوم	اتصال سند	صحیح
در همه طبقات	ممدوح بودن	امامی	رسیدن به معصوم	اتصال سند	حسن
در همه طبقات	وثاقت	غیر امامی	رسیدن به معصوم	اتصال سند	موثق

## \* نظر اهل تسنن در مورد اقسام حدیث

اهل تسنن حدیث موثق ندارند.

**صحیح:** حدیث متصلی که همه راویان آن عادل و ضابط باشند . و شاذ و معلل نباشد.

شاذ: روایتی که راوی آن عادل و ضابط است ولی در مقابل آن روایتی است که از آن برتر است.

معلل : روایتی که دارای عیب پنهانی باشد.

**حسن:** حدیثی که با سند متصل از راوی عادل و خفیف الضبط روایت شده است و در آن نیز شذوذ و علتی نیست.

**ضعیف:** صفات صحیح و حسن در آن جمع نشده باشد.



مستفیض

مشهور

غریب

## تقسیم اول

اقسام خبر واحد با توجه به تعداد راویان موجود در هر طبقه

### ۱ - مستفیض

\*در لغت: اسم فاعل باب استفعال : فراگیر و شایع.

در اصطلاح: حدیثی که روای آن در هر طبقه بیش از سه نفر باشد

ولی به حد تواتر نرسیده باشد.

عن أبی عبدالله (علیه السلام) عن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم):

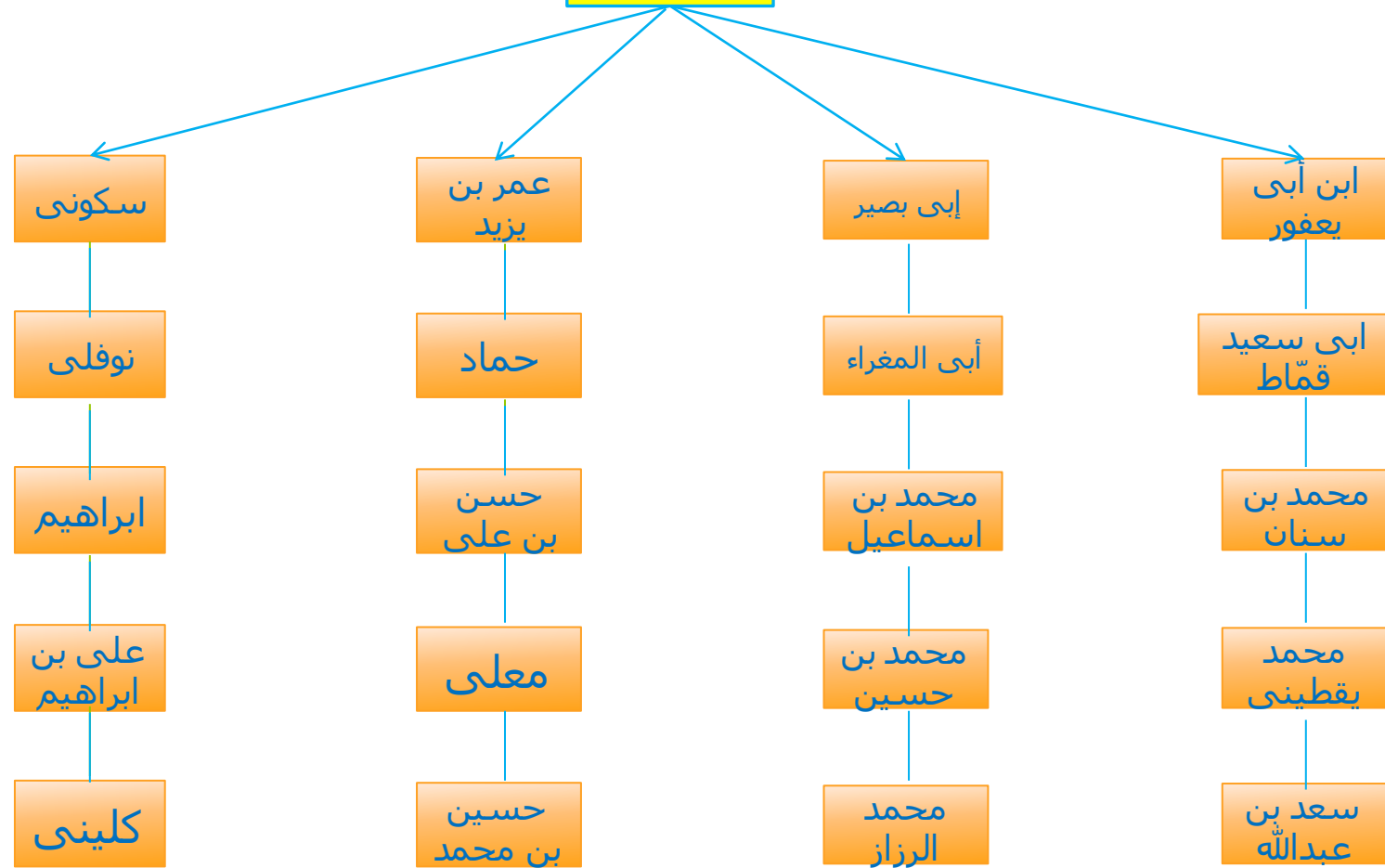
ریحانَتیَّ الحسن و الحسین علیهما السلام.

حسن و حسین دو ریحانه من هستند.



# نمودار حدیث مستفیض

امام صادق  
علیه السلام



## ۲ - حدیث مشهور

\* **در لغت:** از اسم مفعول به معنای **پراوازه** است.

### **در اصطلاح:**

خبری که نزد محدثان شایع باشد؛ یعنی راویان زیادی آن را نقل کرده باشند، هر چند که در برخی از طبقات تنها یک نفر آن را نقل کرده باشد.

مانند حدیث: **انما الاعمال بالنیّات**

نمودار حدیث  
مشهور

عمر بن الخطاب

علقمة بن وقاص  
لیثی

محمد بن ابراهیم  
تیمی

یحیی بن سعید

حدود دوئیست نفر

انما الاعمال بالنیات

خبری که نزد گروهی شهرت یافته ممکن است نزد محدثان هیچ پایه و اساسی نداشته باشد و از **معصوم نقل نشده** باشد؛ مانند:

○ هل من ناصرٍ ينصرني

○ إنَّ الحياةَ عقيدةٌ و جهاد

○ إن كان دينُ محمدٍ لم يستقم إلا بقتلى فيا سيوفُ خذيني

○ كل يومٍ عاشورا و كل أرضٍ كربلا

○ أسقوني شربةً من الماء

○ و الطُّرُقُ إلى الله بعدد انفس الخلائق.

## ۳ - حدیث غریب:

در لغت: صفت و به معنی دور و جدا افتاده است.

در اصطلاح: حدیثی که در تمام طبقات یا بعضی از آنها تنها یک نفر آن را نقل کرده است.

مانند: **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ**

این حدیث هم غریب است و هم مشهور به آن (غریب مشهور) می گویند.

## حکم اقسامی که تا کنون مطرح کردیم:

۱ - متواتر: یقینی و همواره معتبر است.

### اعم از صحیح هستند:

ممکن صحیح السند و معتبر باشند یا  
ضعیف و غیر معتبر باشند.

بین اقسام چهار گانه حدیث مشترک  
باشند: یعنی با توجه به راویان آن  
می‌توانند صحیح، حسن، موثق یا ضعیف  
باشند

۲ - مستفیض

۳ - مشهور

۴ - غریب

## تقسیم سوم

حدیث از نظر اتصال یا انقطاع و نیز محل افتادگی و تعداد راویان محذوف دارای هفت قسم است:

۱ - متصل یا موصول

۲ - مسند

۳ - منقطع

۴ - مرسل

۵ - معلق

۶ - مرفوع

۷ - مضمَر



## \* نکته

هر کدام از اقسام حدیث که از این به بعد می خوانیم دو گونه هستند:

۱ - ممکن است صحیح باشند یا حسن یا موثق و یا ضعیف.  
مانند حدیث مرسل که ضعیف است.

۲ - ممکن است از اقسام مشترک باشند.

مانند حدیث متصل

ممکن است حدیثی هم متصل باشد و هم صحیح

هم متصل باشد و هم موثق

هم متصل باشد و هم حسن

هم متصل باشد و هم ضعیف



## ۱ - حدیث متصل یا موصول

حدیثی که سند آن تا معصوم علیه السلام یا غیر معصوم علیه السلام  
مثلاً صحابی یا تابعی متصل باشد.

به این معنی که:

هیچ یک از راویان حذف نشده باشند و نام تمام راویان آمده  
باشد و با عناوین مبهم از راوی یاد نشده باشد. عناوین مبهم  
مثل:

عن رجل

عَمَّنْ سَمِعَهُ

عن بعض أصحابه

عمن ذكْرُهُ

عمن حَدَّثَهُ

حکم: از انواع مشترک بین اقسام چهارگانه حدیث است.

## ۲ - مسند

در لغت: چیزی که به گوینده اش نسبت داده شد است.  
در اصطلاح: حدیثی که سند آن تا معصوم متصل باشد.

پس باید دو شرط داشته باشد:

۱ - سندش متصل باشد.

۲ - به معصوم برسد.

رابطه بین متصل و مسند عموم خصوص مطلق است.  
متصل عام و مسند خاص است.

هر مسندی متصل است ولی هر متصلی مسند نیست؛ چون ممکن است متصل باشد ولی به معصوم نرسد.

**حکم:** از انواع مشترک بین اقسام چهارگانه حدیث است.

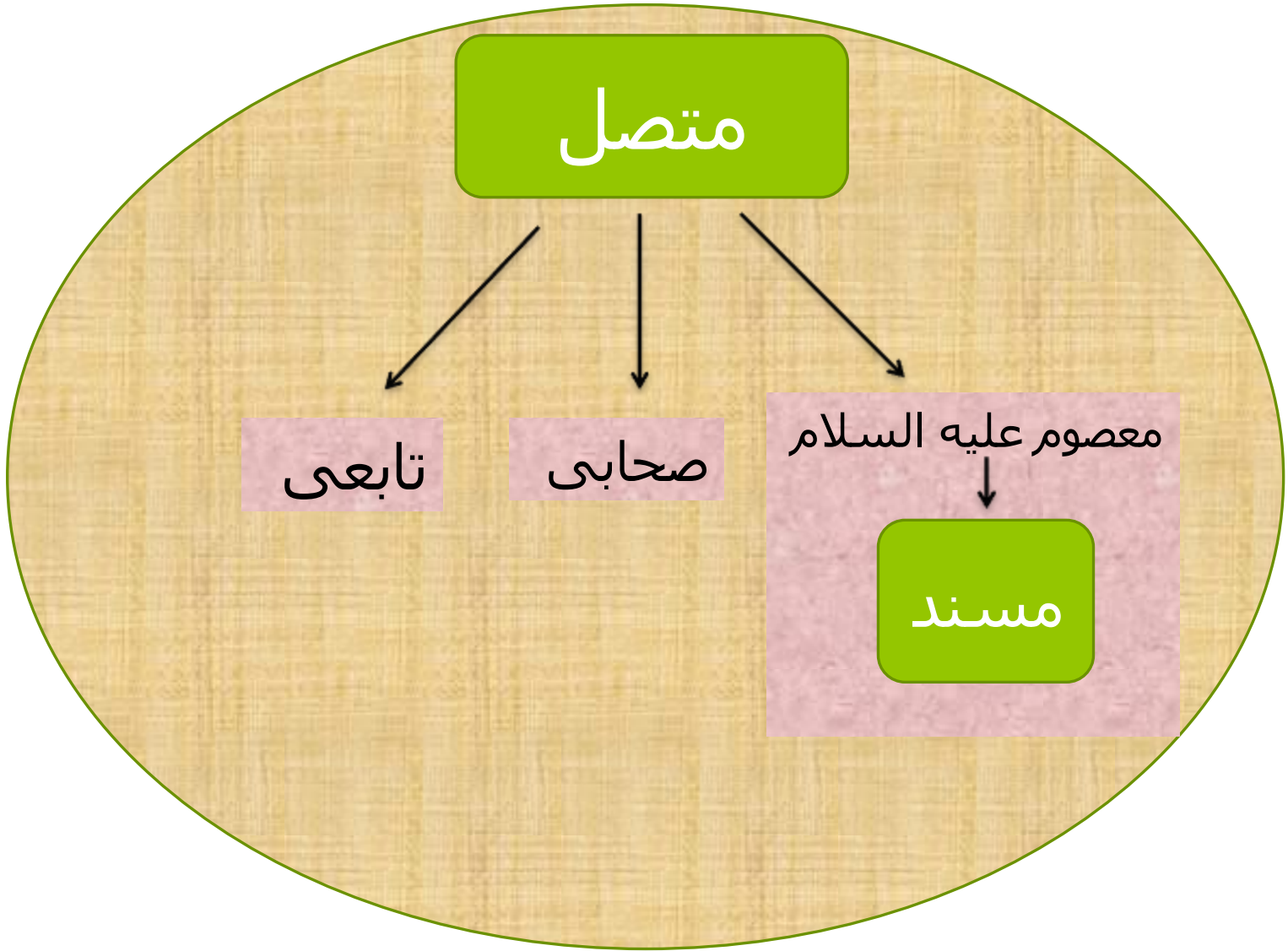
متصل

تابعی

صحابی

معصوم علیه السلام

مسند



## ۳ - حدیث منقطع (به معنای عام)

### \* انواع حدیث منقطع (به معنای عام)

- ۱ - معلق: افتادگی یک یا چند راوی از اول سند
  - ۲ - مرسل (به معنای خاص): حدیثی که همه یا بعضی از راویان آن حذف شده باشند
  - ۳ - معضل: دو نفر یا بیشتر پشت سر هم حذف شده باشند.
  - ۴ - منقطع: (به معنای خاص): حدیثی که تا معصوم متصل نباشد (فرقی نمی‌کند که افتادگی از ابتدا، انتها یا وسط سند باشد و یک راوی افتاده باشد یا بیشتر)
- حکم:** از اقسام حدیث ضعیف است مگر اینکه به قرینه از انقطاع خارج شود.

## ۴ - حدیث مرسل

در لغت: رها شده

در اصطلاح:

حدیثی که همه یا بعضی از راویان آن حذف شده باشد.

## ارسال خفی

اگر به جای آوردن نام راوی از الفاظ مبهمی استفاده شود در این صورت مرسل بودن سند به راحتی مشخص می شود ولی اگر نام راوی حذف شود و لفظی هم به جای آن نیامده باشد پی بردن به ارسال دشوار است در این صورت سند اصطلاحاً دچار ارسال خفی شده است.

**حکم:** از اقسام حدیث ضعیف است . چرا که شرط اتصال سند در آن محقق نیست.

## ۵ - معلق

در لغت: **آویزان**

در اصطلاح: **حدیثی که از ابتدای سند یک یا چند نفر افتاده باشد.**

**تذکر:**

منظور از ابتدا و انتهای سند

ابتدا و انتهای نوشتاری است نه زمانی.

**ابتدای سند:** صاحب کتاب

**انتهای سند:** گوینده حدیث

ابتدای سند

محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن النوفلی، عن السکونی، عن أبی عبدالله علیه السلام:

انتهای سند

**حکم:** از اقسام حدیث ضعیف است.



شیخ طوسی در کتاب تهذیب خود چنین نوشته اند:

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن علی بن اسماعیل،  
عن علی بن النعمان، عن القاسم بن محمد، عن جعفر بن  
سلیمان، قال: سألت أبا الحسن موسى (عليه السلام) فقلتُ:  
جُعِلَتْ فداك يَكُونُ خُفُّ الرَّجُلِ مُخَرَّقًا فَيُدْخِلُ يَدَهُ فَيَمْسَحُ ظَهْرَ  
قَدَمَيْهِ أَيْجِزِيه؟ قال: نعم.

از امام کاظم علیه السلام سؤال شد اگر نعلین شخصی پاره شد به طوری که دستش را وارد آن کرده و روی پاها را مسح کند، آیا برای مسح همین کفایت می‌کند؟ یا خیر؟ امام پاسخ می‌دهند: بله.

شیخ طوسی در سال ۴۶۰ و کلینی در سال ۳۲۹ وفات یافته است . پس بین صاحب کتاب و کلینی حذف صورت گرفته است. پس این حدیث معلق است.

## \* نکته

اگر بتوانیم سند حدیث معلق را با دلیل و قرینه بازسازی کنیم، سند از تعلیق خارج و به متصل تبدیل می‌گردد.

شیخ طوسی در تکمله‌ی کتاب خود که **مشیخه** نامیده می‌شود طریق خود را به کلینی بیان کرده و گفته طریق من به او چنین است: **أخبرني الشيخ أَيْدَهُ اللهُ عن أبي القاسم جعفر بن محمد عن محمد بن يعقوب منظور از شیخ، استاد شیخ طوسی، شیخ مفید است.**

پس سند حدیث در حقیقت اینچنین است:  
**شیخ مفید عن أبي القاسم جعفر بن محمد عن محمد بن يعقوب.....**



## ۶ - حدیث مرفوع

حدیثی است که از وسط یا آخر آن یک یا چند نفر افتاده و با الفاظی مانند (رفعه) یا (یرفعه) به این افتادگی تصریح شده است.

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن عبدالله بن محمد الحجاج، عن بعض أصحابه رفعه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم):

تَذَاكَرُوا وَتَلَاقُوا وَتَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ، إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينٌ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ جِلَاؤَهَا الْحَدِيثُ.

حکم: از اقسام حدیث ضعیف است.

## ۷ - حدیث مضمّر

در لغت: پنهان و پوشیده

در اصطلاح: حدیثی که در پایان سند به جای تصریح به نام معصوم ضمیر غایب آمده باشد؛ مانند این سند:  
عثمان بن عیسی، عن سماعه قال: سألته عن الرجل  
یکون عنده المتاع....

عوامل پیدایش اضمار:

۱ - تقیه

۲ - به منظور اختصار

توجه: اگر در آغاز سند (عنه) بیاید، مضمّر نیست. بلکه  
ضمیر است. که توضیح آن در علم رجال آمده است.

## برخی دیگر از اقسام حدیث ضعیف

### ۱ - معلل

در لغت: سرگرم شده

در اصطلاح: حدیثی که در سند یا متن آن ضعف و قدحی است که در ظاهر مشهود نیست؛ مثلا سند ارسال خفی دارد یا متنش با حکم عقل مخالف است.

مانند: علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الحسن بن محبوب، عن عمرو ابن أب المقدم، عن أبیه، عن سلمة بن کُهیل قال: سمعتُ علیا علیه السلام: یقول لشُریح: .....

سلمه هفت سال بعد از شهادت امام علی علیه السلام به دنیا آمده است.

معلل در اصطلاح فقیهان: حدیثی است که مشتمل بر علت و سبب حکم باشد.

## ۲ - مُدَلِّس

در لغت: تقلّبی

**در اصطلاح:** حدیثی است که راوی آن، عیب موجود در سند را مخفی کرده است تا حدیث را وجیه جلوه دهد (بدون آنکه صریحا دروغ گفته باشد)

## انواع تدلیس

**تدلیس در اسناد:** راوی درباره شخصی که معاصر اوست بگوید: (قال فلان)، (عن فلان) یا (حدث فلان) به نحوی که شنونده گمان کند او حدیث را مستقیما از فلانی شنیده است، حال آنکه از او نشنیده، بلکه با واسطه برایش نقل شده است.

**\*دلایلی که به خاطر آن دست به تدلیس می زنند:**

۱ - طولانی شدن سلسله سند

۲ - ضعف واسطه

۳ - راوی برخی از روایات استادی را که ادعا می کند شاگرد خاص او بوده، درنیافته است.

**\*تدلیس در شیوخ:**

راوی روایتی را از فردی نقل کند، اما از آن فرد با عنوانی یاد کند که بدان مشهور نیست، تا اینکه کسی او را شناسد؛ مانند ابوبکر بن مجاهد که چنین حدیث نقل می کند: (حدث عبدالله بن اِبی عبدالله) و مراد او ابوبکر بن اِبی داود سجستانی است.

## ۳ - حدیث موضوع یا مجعول

در لغت: نهاده شده

در اصطلاح: حدیثی که راوی آن را ساخته و به معصوم نسبت داده است.

این نوع بدترین قسم حدیث است و روایت کردن آن حرام است.

## راه های شناخت حدیث موضوع:

۱ - اقرار واضع به وضع

۲ - رکاکت معنا

۳ - مخالفت مضمون حدیث با عقل، حس، قرآن و روایات قطعی



## نمونه های از حدیث مجعول:

غیاث بن ابراهیم:

النبي (ص) قال: (لا سَبَقَ إِلا في خُفِّ أو حافرٍ أو نصلٍ أو جناحٍ)

پیامبر فرموده: (شرط بندی جایز نیست مگر در شترسواری، اسب سواری، تیراندازی و پرنده بازی).

در صحیح مسلم ج ۷، ص ۱۰۰ و صحیح بخاری به نقل از ابوهریره آمده است: عزرائیل برای قبض روح موسی رفت، موسی ناراحت شد به او سیلی زد چشمش از حدقه بیرون افتاد. عزرائیل نزد خدا رفت چشمش را به او بازگرداند و به موسی گفت دستت را بر پیکر گاو بزن به عدد موهایی که دستت آن را فرامی گیرد زنده خواهی ماند.



- انا مدينة العلم و ابوبكر اساسها، و عمر حيطانها، و عثمان سقفها و علي بابها.

- ابوهريره نقل مي کند که پیامبر در جنگ بدر (در سال دوم هجری) به همسر عثمان فرموده:  
او را بزرگ بدار که شبیه ترین یارانم به من از نظر خلق و خو است.

در حالی که ابوهریره سال هفتم هجری به مدینه آمد.

## **\* انگیزه های جعل حدیث**

- ۱ - دشمنی با اسلام و انتقام جویی از آن
- ۲ - انگیزه سیاسی
- ۳ - انگیزه های مذهبی
- ۴ - انگیزه های قومی
- ۵ - خود رامحدث جا زدن یا ایجاد کرامت برای پدران خود.

## تقسیم پنجم

حدیث از نظر انتساب به آخرین گوینده به ۴ نوع تقسیم می شود:

- ۱ - حدیث مقطوع
- ۲ - حدیث موقوف
- ۳ - حدیث مرفوع
- ۴ - حدیث قدسی

## ۱- حدیث مقطوع

در لغت: جدا شده

در اصطلاح: خبری که به تابعی یا پایین تر از وی (مثلا تابع تابعی و...) منتسب باشد.

## ۲- حدیث موقوف:

در لغت: متوقف شده

در اصطلاح: خبری که به صحابی منتسب باشد، بدون آنکه وی حدیث را به پیامبر اکرم(ص) نسبت دهد.

## ۳ - حدیث مرفوع

در لغت: بلند مرتبه

در اصطلاح: ما أُضِيفَ إِلَى الْمُعْصُومِ عَلَيْهِ  
السَّلَامِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ تَقْرِيرٍ.

تذکر:

۱ - سند حدیث مرفوع، موقوف و مقطوع ممکن  
است متصل باشد یا منقطع باشد.

۲ - مرفوع در شیعه غالباً به معنای اصطلاحی  
اول است. و در اهل تسنن به معنای اصطلاحی  
دوم به کار می رود. (ما اضیف الی النبی)

## ۴ - حدیث قدسی:

**در لغت:** اسم منسوب از ریشه (قدس) و کلمه قدس اسم و مصدر به معنای (پاک) است.  
این نوع حدیث به علت انتساب با ذات اقدس الهی چنین نامیده می شود.

**در اصطلاح:** (هو كل حدیث یُضیفُ فیهِ المعصوم علیه السلام قولا إلى الله سبحانه و تعالی و لم یرد فی القرآن الکریم).

حدیث قدسی حدیث مرفوعی است که در آن معصوم علیه السلام سخنی را به خداوند متعال نسبت داده است که آن سخن در قرآن نیست.

## برخی از تفاوت های حدیث قدسی با قرآن

۱ - قرآن معجزه است و به همین خاطر بدان تحدی شده است به خلاف حدیث قدسی

۲ - نماز با قرآن خوانده می شود، ولی با حدیث قدسی نمی توان نماز خواند.

۳ - تماس بدن با قرآن بدون طهارت حرام است، بر خلاف حدیث قدسی.

۴ - آیات قرآن باید به تواتر ثابت شود بر خلاف حدیث قدسی.

۵ - لفظ قرآن قطعاً از ناحیه خداوند است، ولی لفظ حدیث قدسی جایز است از پیامبر اکرم (ص) یا امام (ع) باشد.



## کتابشناسی احادیث قدسی

شیعه:

– الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه : شیخ حر عاملی

ترجمه فارسی: کلیات حدیث قدسی

حاوی ۶۵۶ حدیث قدسی از طریق امامیه

اهل تسنن:

– الاحادیث القدسیه : تألیف : مجلس اعلای شئون اسلامی مصر،

حاوی ۴۰۰ حدیث قدسی است.

## تقسیم ششم

حدیث به اعتبار اینکه علما به مضمون آن عمل کرده یا نکرده باشند دارای اقسامی است.

۱ - مقبول

۲ - معتبر

۳ - مردود

## ۱ - حدیث مقبول:

در لغت: پذیرفته شده

در اصطلاح: حدیث ضعیفی که علما آن را پذیرفته و طبق آن عمل کرده اند.

## ۲ - حدیث معتبر:

در لغت: مقبول و مورد پذیرش

در اصطلاح: حدیثی که به مضمون آن عمل شده یا دلیلی بر اعتبارش وجود داشته باشد.

\*به دو دلیل مورد پذیرش قرار بگیرد:

۱ - عمل همه یا اکثریت به آن

۲ - اقامه دلیل بر اعتبار آن، حال این دلیل ممکن است صحت، وثاقت، یا حسن سند باشد.

## معتبر اعم از مقبول است:

در **مقبول** صرف تلقی به قبول و عمل به مضمون آن کفایت می کند. پس خاص است.

در **معتبر** علاوه بر اینها، خصوصیات خود سند و طریق حدیث نیز مد نظر و یکی از عوامل مؤثر در اعتبار و قبول حدیث است.

بنابراین همه احادیث دارای صحت و حسن یا احادیث مقبول در زمره احادیث معتبرند.

# معتبر

مقبول

۱ - عمل همه یا اکثریت به آن ←

- صحت سند
- وثاقت راویان سند
- حسن سند

۲ - اقامه دلیل بر اعتبار آن

## تقسیم هفتم

حدیث با توجه به تغییراتی که در سند یا متن آن رخ داده یا شکل های مختلفی که نقل شده دارای اصطلاحاتی است؛ از جمله:

۱ - مُدْرَج

۲ - مقلوب

۳ و ۴ - مُصَحَّف یا مُحَرَّف

۵ - مُضْطْرَب

## ۱ - حدیث مدرج

در لغت: وارد شده

**در اصطلاح:** حدیثی است که در میان متن یا سند آن کلامی درج شده باشد. این زیاده ممکن است شرح و توضیحی باشد که راوی یا شخص دیگری برای برای روشن شدن متن یا سند بدان افزوده است. مثال:

كَانَ النَّبِيُّ يَتَحَنَّنُ فِي غَارِ حِرَاءٍ وَ هُوَ التَّعَبُّدُ ذَوَاتِ الْعَدَدِ

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شب های متعددی را در غار حراء عبادت می کرد.

(و هو التعبد): کلام زهری است که راوی بعد از او آن را جزئی از حدیث تلقی کرده است.



## ۲ - حدیث مقلوب

در لغت: وارونه ، جا به جا شده

در اصطلاح: حدیثی که عبارتی از متن یا سند آن پس و پیش شده یا به اسم دیگری تبدیل شده است.

قلب در سند: محمد بن احمد در اصل احمد بن محمد بوده.

مغیره بن سعید در اصل سعید بن مغیره بوده.

قلب در متن: رَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ يَمِينَهُ مَا تَنْفَقُ شِمَالَهُ در اصل حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا تَنْفَقُ يَمِينَهُ بوده.

**رُويَ عن النبي (صلى الله عليه و آله و سلّم) أنه قال:**

**إِضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ وَ لَا تَضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ**

**حيوان را به دليل فرار کردن بزئيد ولى به دليل لغزیدن نزنيد.**

کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۳۸.

**شيخ صدوق همین روایت را این گونه گزارش کرده است:**

**إِضْرِبُوهَا عَلَى الْعِثَارِ وَ لَا تَضْرِبُوهَا عَلَى النَّفَارِ**

صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۸۶.

## ۳ و ۴ - حدیث مصحَّف یا محرَّف

در لغت: اسم مفعول و به معنای اشتباه نوشتاری

در اصطلاح: حدیثی که کلمه یا عبارتی در سند یا متن آن به مشابهش تغییر کرده.

الف) در سند:

- حُرَیز به جریر

- مُفَرَط به مُفَرَّط

- عاصم الأحول به واصل الأحدب

- بُرید به یزید

- جَنَّة به جُنَّة

- احتجر به احتجم

- أبی سلمة بن عبدالرحمن به أبی سلمة، عن عبدالرحمن

- حسن بن علی التمیمی به حسن بن علی المیشمی

(ب) در متن :

- من صام رمضان و أتبعه شيئاً من شؤال  
که ستا به شيئاً تصحيف شده

- تصحيف (الدنيا رأسُ كلِ خطيئة) به (الدينار أسُّ كلِ خطيئة)

- اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شايعت و بايعت و  
تابعت على قتله....

- تايعت به تابعت تصحيف شده:

تابعت از متابعه و به معنی هم پیمانی است که ممکن  
است در جهت شر باشد یا در جهت خیر

تايعت از متايعه است و فقط به معنی همکاری و همیاری  
در شر می باشد.

## \*تصحیف معنوی

تصحیف در سند یا متن رخ نداده بلکه معنای آن اشتباه فهمیده می شود.

در جوامع حدیثی اهل سنت آمده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بستر بیماری اطرافیان را چنین فرمان دادند:

«أَتُونِي بِدَوَاةٍ وَ قِرطاسٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضِلُّوا بَعْدِي»  
عمر گفت: (ما شأنه أَهْجَرَ) : او را چه شده است؟ هذیان می گوید.

اهجر: باب افعال به معنی هذیان گفتن

برخی از شارحان این جوامع مراد از آن را هجران از دنیا دانسته اند. که چنین تفسیری خلاف قواعد زبان عربی است.



## ۵ - حدیث مضطرب:

در لغت: اسم فاعل به معنی آشفته

در اصطلاح: حدیثی که سند یا متن آن مختلف نقل شده باشد؛ مثلاً حدیثی از یک راوی با عبارات مختلف نقل شده است.

الف) اضطراب در متن:

\* اضطراب در متن وقتی پدید می آید که حدیثی به گونه های مختلفی نقل شود، به گونه ای که نتوان بین آنها را جمع کرد.

مانند: **انّ فی المالِ لِحَقّاً سیوی الزّکاة**

**لیس فی المالِ حقّ سیوی الزّکاة**

\* روایات مضطرب در موضوعات تاریخی به ویژه درباره پیامبران، امت های پیشین و در اسباب نزول برخی آیات بسیار یافت می شود. مانند روایات سبب نزول آیه افک: «إنّ الذین جاءوا بالإفک عصبة منکم...» که برخی نسبت به یکی از همسران پیامبر تهمت زدند. بعضی روایات این همسر مورد اتهام را عایشه و برخی ماریه قبطیه می دانند.

**(ب) اضطراب در سند:**  
**یک سند روایت در کتب زیر به این شکل آمده است:**

**من لا يحضره الفقيه:**  
«ابن محبوب، عن حماد بن زياد، عن سليمان، عن أبي عبدالله (عليه السلام)....»

**تهذيب الاحكام:**  
«ابن محبوب، عن حماد، عن زياد، عن سليمان، عن أبي عبدالله (عليه السلام)....»

**الاستبصار:**  
«ابن محبوب، عن حماد، عن زياد بن سليمان، عن أبي عبدالله (عليه السلام)....»



## تقسیم هشتم

حدیث از نظر تعداد واسطه ها تا معصوم بر دو گونه است:

۱ - حدیث عالی

۲ - حدیث نازل

در لغت: عالی: بلند مرتبه

نازل: پست

در اصطلاح: اگر متن حدیثی با دو یا چند سند متصل نقل شده باشد، حدیثی که تعداد واسطه های آن تا معصوم کمتر است عالی و حدیثی که تعداد واسطه هایش بیشتر است نازل می نامند.

## یک نمونه برای احادیث عالی و نازل

**حدیث نازل:** علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبی عمیر، عن ایوب عن أبی بصیر عن أبی عبداللّٰه (علیه السلام) قال: قال رسول اللّٰه (صلی اللّٰه علیه و آله و سلم):

ملعون ملعون مال لا یرزق

کافی، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۸

**حدیث عالی:** علی بن ابراهیم، عن هارون بن مسلم، عن سعده بن صدقة، عن أبی عبداللّٰه (علیه السلام) قال: قال رسول اللّٰه (صلی اللّٰه علیه و آله و سلم):

ملعون ملعون مال لا یرزق

کافی، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۱

**سؤال:** عوالی یا قرب الأسناد را تعریف کنید؟

عوالی یا قرب الأسناد کتاب هایی هستند که به جمع آوری روایات عالی السند می پردازند. مانند قرب الأسناد حمیری

## تقسیم نهم

حدیث به لحاظ شباهت های مکرری که در سند آن وجود دارد به دو دسته تقسیم می شوند:

۱ - مسلسل

۲ - معنعن

## ۱ - حدیث مسلسل

حدیثی که تمامی یا بیشتر افراد سلسله سند آن تا معصوم دارای یکی از ویژگی های زیر باشند:

(الف) همنام باشند.

(ب) اهل یک شهر باشند.

(ج) همگان هنگام روایت دارای خصوصیت مشابهی در گفتار یا کردار باشند.

(د) هر یک از روایات از پدر خویش نقل کند.

**تذکر:** چنانچه تسلسل تنها در بخشی از سند باشد به آن تسلسل ناقص می گویند.

افراد سند همنام هستند:

شیخ محمد بن حسن طوسی از محمد بن نعمان از محمد بن  
علی بابویه از محمد بن الحسن الولید از محمد بن الحسن  
الصفار از محمد بن الحسین از محمد بن عبد الجبار از محمد  
بن عمر بن یزید نقل می کند:

افراد سند هنگام نقل حدیث، در گفتار مشترک هستند:

قال الشيخ أبو محمد جعفر بن أحمد القمي الفقيه نزيل الرى:

- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد أملاه علينا أبو عبدالله محمد بن وهبان الذبيلي، فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد أملاه علينا أبو محمد محمد القسَمِ بن العلاء الهمداني فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبو محمد الحسن بن علي عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي، علي بن محمد، فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي، محمد بن علي عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي، علي بن موسى الرضا فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي موسى بن جعفر عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي جعفر بن محمد عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي محمد بن علي عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي علي بن الحسين عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي الحسين بن علي عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي أبي علي بن ابيطالب عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي رسول الله صلى الله عليه و آله ، فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي جبرائيل عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد حَدَّثَنِي ميكائيل عليه السلام فقال:
- أَشْهَدُ بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ اللَّهَ، لقد سمعت الجليل يقول: «شارب الخمر كعابد الوثن»



## افراد سند هنگام نقل حدیث، در کردار مشترک هستند:

حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ الْقَاضِي وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ قَالَ:

حَدَّثَنِي أَسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ زَيْنٍ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْخَثْعَمِيُّ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

قَالَ عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ فَقَالَ:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ وَهُوَ أَخَذَ بِشَعْرِهِ: «مَنْ

أَذَى شَعْرِي فَالْجَنَّةُ عَلَيْهِ حَرَامٌ»



گاهی در حدیث مسلسل همه راویان از تعبیر أخبرنا یا حدّثنی استفاده کرده اند یا همه در یک زمان خاص، مانند عید قربان آن را برای دیگری گزارش کرده اند؛ و یا در مکان خاصی، مانند کنار حجرالاسود آن را نقل کرده اند.

حدیث **سلسله الذهب** از جمله این موارد است که در آن تعبیر حدّثنی اَبی در کل سند تکرار شده است:

حدّثنا أبو القاسم عبد الله بن أحمد بن العامر الطائي بالبصرة:  
قال: حدّثني علي بن موسى الرضا قال: حدّثني أبي موسى  
بن جعفر قال: حدّثني أبي جعفر بن محمد قال: حدّثني أبي  
محمد بن علي قال: حدّثني أبي علي بن الحسين قال: حدّثني  
أبي علي بن ابي طالب (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى  
الله عليه وآله و سلم) يقول الله عز و جل: «لأله الا الله حصني  
فمن دخله أمن من عذابي.»

## ۲ - حدیث معنعن

**در لغت:** از ریشه ع ن ع ن و به معنای آن است که کسی لفظ **عن** را مکرر به کار برد.

**در اصطلاح:** روایتی که لفظ **عن** در سلسله سند آن تکرار شده باشد: یعنی به جای عبارت های:

سمعت عن فلان

حدثنا فلان

أخبرني فلان

تنها از لفظ **عن** استفاده شود.

در این نوع حدیث نحوه دریافت حدیث مشخص نیست.

## یک نمونه از حدیث معنعن

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد بن خالد، عن الحسن بن علي بن يقطين، عن محمد بن سنان، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال:

إنما يداقُّ الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما أتاهم من العقول في الدنيا.

## اصطلاحات مربوط به طرق تحمل حدیث

### ۱ - سماع

استاد، حدیث را از حفظ یا از نوشته بخواند و شاگرد بشنود.

### ۲ - قرائت یا عرض

شاگرد، حدیث را برای استاد قرائت کند و استاد آن را تأیید کند.

### ۳ - اجازه

شیخ، اجازه نقل کتاب یا روایت خاص یا کلیه کتب و روایاتی را که خود تحمل کرده به شاگرد بدهد.

### ۴ - وَجَاهه

شخص حدیث یا کتب حدیثی را که متعلق به یکی از مشایخ حدیث است بیابد و یقین کند که به خط اوست.

## بخش ششم کنیه ها و علائم اختصاری رایج

ابو جعفر  
ابو جعفر اول

امام باقر علیه السلام

ابو ابراهیم  
ابو الحسن  
ابو الحسن ماضی  
ابو الحسن اول

امام کاظم علیه السلام

ابو جعفر (گاهی)  
ابو جعفر ثانی

امام جواد علیه السلام

ابو عبدالله: امام صادق علیه السلام:  
ابو الحسن ثانی: امام رضا علیه السلام:  
ابو الحسن ثالث: امام هادی علیه السلام:  
ابو محمد: امام حسن عسکری علیه السلام:  
ابوالقاسم: امام زمان عجل الله تعالی فرجه:

## تمرین صفحه ۹۱

۱ - فرق تعریف حدیث در میان شیعه و اهل سنت:

### شیعه

قول ، فعل و تقریر معصومین علیهم السلام حدیث است.

### اهل سنت

قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) حدیث است .

برخی، صحابی و تابعی را هم به تعریف اضافه کردند.



## ۲ - تفاوت حدیث با سنت؟

### حدیث

حکایت قول، فعل و تقریر معصوم است. و چون حکایت است قابل صدق و کذب است. و ممکن صحیح، حسن، موثق یا ضعیف باشد.

### سنت

نفس قول، فعل و تقریر معصوم است. و همیشه صادق است.

## ۳ - تکمیل کنید:

حدیثی که تنها یک سند برای آن نقل شده است اصطلاحاً **غریب** یا **مفرد** نامیده می شود؛ چون در تمام طبقات **یک** نفر آن را نقل کرده است.



۴ - متواتر نیست: چون شرایط خبر متواتر را ندارد.

**واحد:** چون متواتر نیست.

مستفیض نیست: چون در طبقه سلمان فقط یک راوی وجود دارد.

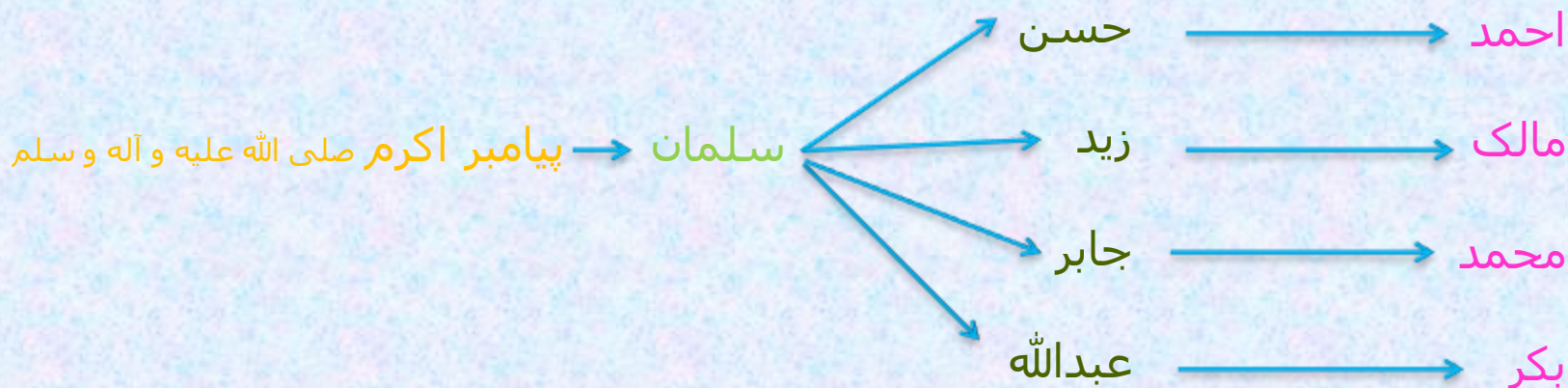
**مشهور:** چون در سؤال آمده نزد محدثان شایع است.

**غریب:** در بعضی از طبقات تنها یک نفر آن را نقل کرده است.

**مفرد:** وقتی غریب باشد مفرد هم است چون هم معنی اند.

مضمَر نیست: چون به جای نام معصوم (ع) ضمیر نیامده است.

### نمودار



رسول الله  
صلى الله عليه و آله و  
سلم

سلمان

عبدالله

بكر

جابر

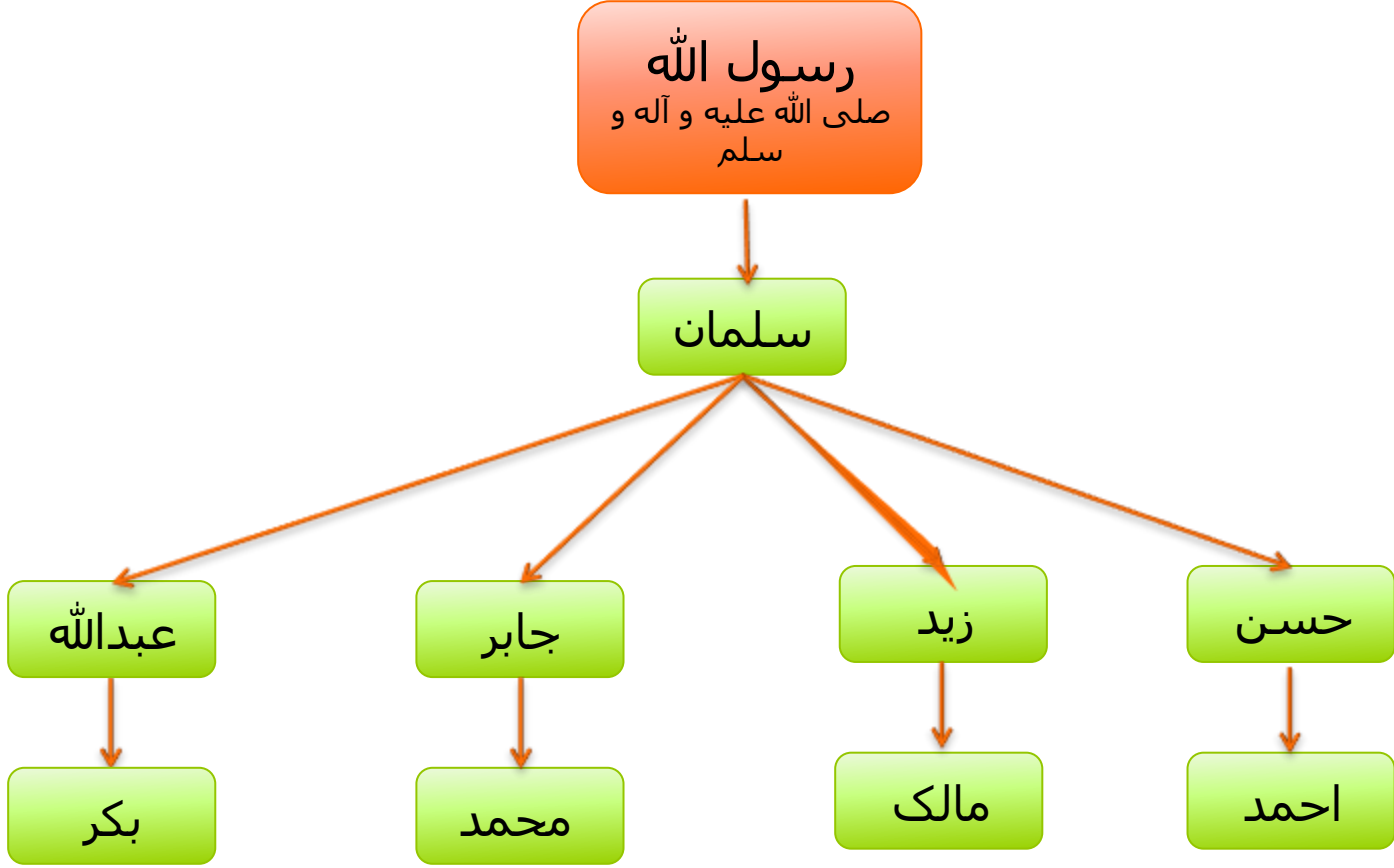
محمد

زيد

مالك

حسن

احمد



الف) هیچ حدیث غریبی مشهور نیست. غ

ب) هر حدیث مستفیضی خبر واحد است. ص

ج) هر حدیث مشهور مستفیض است. غ

د) هر حدیث متواتری مستفیض است. غ

ه) هر خبر واحدی غریب است. غ

و) هر حدیث معلق مرسل و منقطع است. ص

که افتادگی داشته باشد. حدیث معلق هم افتادگی دارد.

ز) هر حدیث مرسلی مرفوع است. غ

ح) هر حدیث متصلی مسند است. غ

ط) هر حدیث مسندی متصل است. ص

ی) هر حدیث صحیحی متصل است. ص

ک) هر حدیث ضعیفی مرسل است. غ

ل) هر حدیث غریبی خبر واحد است. ص

بعضی غریب ها مشهور هستند.

جزء اقسام خبر واحد است.

ربطی به هم ندارند.

مستفیض از اقسام خبر واحد است.

یکی از اقسام آن غریب است.

حدیث مرسل و منقطع حدیثی است

دارد.

بعضی از مرسل ها مرفوعند.

بعضی از متصل ها مسند هستند.

اگر متصل نباشد مسند نیست.

اگر متصل نباشد صحیح نیست.

بعضی ضعیف ها مرسل هستند.

جزء اقسام خبر واحد است.

(۶)

- الف) موثق: چون اخسّ رجال، غیر امامی موثق است.  
ب) ضعیف: چون اخس رجال، مجهول و از افراد ضعیف است.

(۷)

- الف) صحیح  
ب) موثق  
ج) حسن  
د) ضعیف

(۸)

- الف) مرسل، منقطع، ضعیف، مرفوع است و موقوف نیست، یا مرفوع به لحاظ آخرین گوینده، یا مرفوع ۲، معنعن.  
ب) مرفوع، مرفوع است و موقوف نیست، مرسل، منقطع، ضعیف، معنعن.  
ج) مضمّر، متصل، مرفوع است و موقوف نیست، مسند، معنعن.

د) شماره ۱ - متصل، مسند، مرفوع است و موقوف نیست،  
معنعن.

شماره ۲ - مرسل، منقطع، ضعیف: به خاطر عمن رواه  
معنعن، ضمیر.

۹) مرسل، منقطع، معلق، ضعیف، مرفوع است و موقوف نیست، معنعن.

۱ - مصحّف، چون در کلمه (سبعون) و (تسعون) نقطه های و دندانها کم و زیاد شده است.

۲ -

الف) ثنی: حدّثنی      ثنا: حدّثنا

مقطوع، مرسل، ضعیف، منقطع. چون تابعی نمی تواند مستقیماً از پیامبر اکرم ص حدیث نقل کند.

ب) منقطع، مرسل، مضمّر، معنعن، ضعیف.

ج) امام باقر و امام صادق علیهما السلام

منقطع، معلق، مرسل، مرفوع است و موقوف نیست، معنعن.

د) معلق، قدسی، منقطع، مرسل، ضعیف، مرفوع است و موقوف نیست.

ه) قدسی، مسلسل، مرفوع است و موقوف نیست.

۳ - الف) متصل - مرفوع - مسند.

ب) مسلسل

ج) مقلوب

د) مصحّف

هـ) مدرّج

۴ - کدام عبارت صحیح است؟

۱ - هر حدیثی که یکی از راویانش غیر امامی ثقة باشد موثق است. ص

۲ - هر حدیث متصلی مسند است. غ متصل اعم از مسند است.

۳ - هر حدیث صحیحی متصل است. ص

۴ - هر حدیث ضعیفی مرسل است. غ

۵ - هر حدیث مسندی متصل است. ص



- ۶ - هر حدیث غریبی خبر واحد است. ص
- ۷ - هر حدیث قدسی صحیح است. غ
- ۸ - هر حدیث عالی السنندی صحیح است. غ
- ۹ - هر حدیث مشهوری صحیح است. غ
- ۱۰ - هر حدیث ضعیف السنندی مردود است غ
- ۱۱ - هر حدیث صحیح السنندی معتبر است. ص
- ۱۲ - هر حدیث ضعیفی موضوع است. غ

اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِ مُحَمَّدٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
علم رجال

لطفا انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی خود را به آدرس زیر  
بفرستید تا در ویرایش بعدی لحاظ گردد.

با تشکر

○ سیده معصومه تقوی

[Taqavi@chmail.ir](mailto:Taqavi@chmail.ir)

# علم رجال

امام صادق علیه السلام از أميرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می کنند:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ  
فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ

هنگامی که حدیثی نقل می کنید سند آن را به کسی که برای شما نقل کرده برسانید، پس اگر حق باشد برای شما و اگر دروغ باشد پس علیه ناقل خواهد بود.

## تعريف علم رجال

إنَّه العلم بأحوال رواة خبر الواحد ذاتاً و وصفاً ،

مدحاً و قدحاً و ما في حكمها

دانش رجال همان شناخت احوال راویان خبر واحد است از نظر شخصی و از نظر وصف آنها ، اعم از مدح یا قدح و آنچه که در مقام مدح و قدح قرار می گیرند.

# دو وظیفه مهم علم رجال

شرح تعریف، شماره ۳، ص ۱۱۵

اول: تعیین هویت شخص راوی

دوم: تعیین میزان اعتبار وی از طریق اوصاف رجالی اش



# دانش رجال و دیگر علوم

## رابطه دانش رجال با علم درایه یا مصطلح الحدیث

دانش درایه فرمولی را ارائه می کند که هر یک از مجهولات این فرمول را علم رجال مشخص می کند.

علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر، عن محمد بن أذینه عن الصادق علیه السلام:

علی بن ابراهیم: ثقة

ابراهیم بن هاشم: ثقة ثقة

ابن ابی عمیر: ثقة

محمد بن أذینه: ثقة

حدیث صحیح است.

## دانش رجال و دیگر علوم

### رابطه دانش رجال با دانش تراجم

دانش تراجم، همان دانش شرح حال نگاری یا بیوگرافی یا شخصیت شناسی است.

شبهت دانش رجال با تراجم:

در هر دو شخصیت های مؤثر در عالم اسلام و تشیع معرفی شده اند.

## دانش رجال و دیگر علوم

### فرق دانش رجال و علم تراجم

از جهت موضوع:

موضوع دانش رجال تنها راویان هستند.

موضوع دانش تراجم شخصیت های مطرح در جوامع مختلف است.

# دانش رجال و دیگر علوم

## فرق دانش رجال با علم تراجم

از جهت نوع اطلاعات

در دانش رجال، اطلاعاتی ارائه می شود که در شناخت هویت راوی و میزان اعتبار و اعتماد بر اخبار راوی مؤثر است.

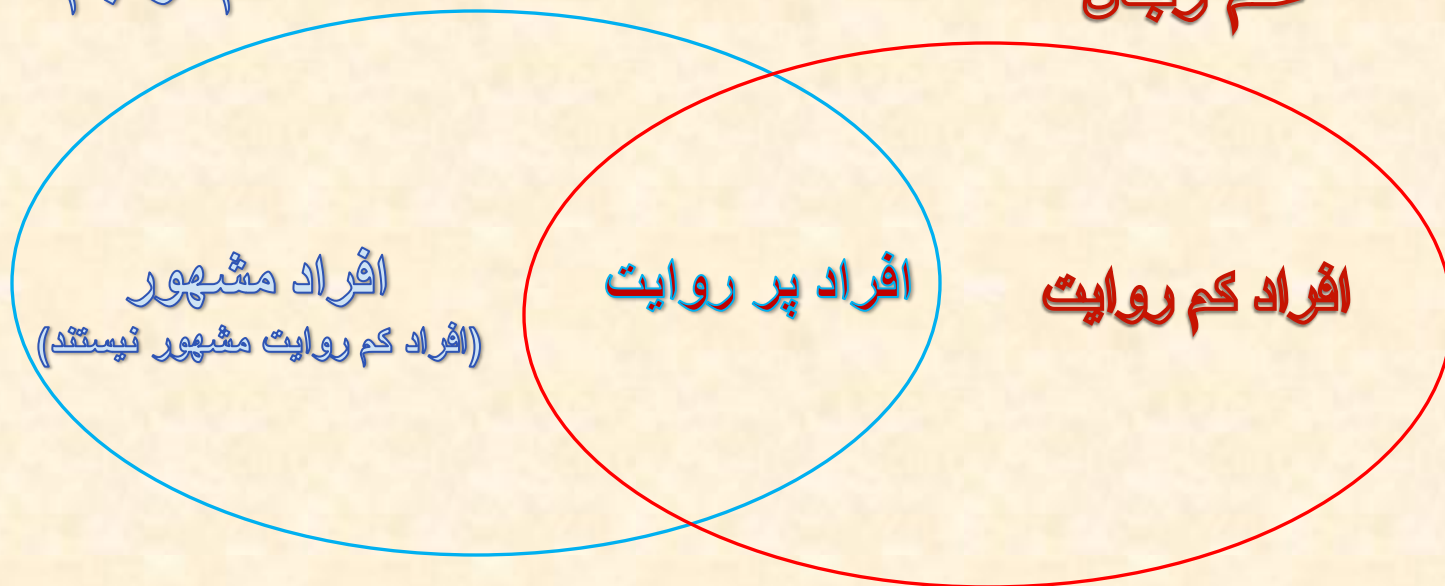
ولی در علم تراجم، اطلاعاتی مثل شرح سفرها، گفتگوها، خاطرات که تأثیری در علم رجال ندارد بیان می شود.

نسبت بین این دو دانش **عموم خصوص من وجه** است.

رابطه دانش رجال با علم تراجم عموم خصوص من وجه است.

علم تراجم

علم رجال



## فایده علم رجال

تعیین درجه اعتبار حدیث  
است که متوقف بر شناخت  
راویان است

# فایده علم رجال

خبر واحد با شرایطی حجت است و دلیل آن سیره عقلا است .  
در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد:

۱ - خبر راوی ثقه حجت است و باید ثقه بودن راوی اثبات شود. پس به بحث رجالی احتیاج است.

۲ - خبری که اطمینان به صدور آن داریم حجت است. اطمینان به صدور روایت هم از ثقه بودن راوی به دست می آید و هم از نداشتن معارض و هم عدم ناسازگاری با اصول شرعی و عقلی به دست می آید هر چند اگر راویان حدیث به لحاظ رجالی توثیق نشده باشند. پس در کنار دیگر قرائن به بحث رجالی احتیاج است.



## اشکالات وارده به علم رجال

۱ - دانش رجال دانش حرامی است چون در آن غیبت و تجسس وجود دارد؟

صفحه: غیبت و تجسس وقتی حرام است که مصلحت قوی تر در مورد انجام آن وجود نداشته باشد.

احکام دین اسلام در ضمن روایات بیان شده است و ما برای عمل به آن روایات باید نسبت به راویان آن اطمینان داشته باشیم و این مصلحت قوی تر از مفسده غیبت چند نفر یا تجسس در برخی احوال راوی است.

## اشکالات وارده به علم رجال

۲ - روایات کتب اربعه حدیثی بنا به گفته مؤلفینشان صحیح هستند و نیازی به دانش رجال نیست؟

مؤلفین این کتابها طبق دیدگاه خود نظر به صحت آن روایات دادند. و این دلیل نمی‌شود که حتماً همه روایات صحیح باشد. هر کس باید بنا بر اجتهاد خودش به صحت یا عدم صحت آنها پی ببرد.

## کاربرد دانش رجال در علوم مختلف

### کاربرد دانش رجال در علم کلام

مباحث علم کلام بر پایه روایات است. روایات برای استدلالات عقلی نقش ارشاد را بر عهده دارد.

### کاربرد دانش رجال در تفسیر و علوم قرآنی

بخشی از مباحث تفسیری که نیاز به حدیث دارند متوقف بر علم رجال است.

## کاربرد دانش رجال در علوم مختلف

### کاربرد دانش رجال در علم فقه

یکی از مستندات علما برای فتوی دادن روایات است. روایات گاهی مستقیماً برای استنباط حکم شرعی به کار می‌روند و گاهی غیرمستقیم و با ارائه قواعد اصولی به علم فقه کمک می‌کنند.

اگر در مورد مسأله‌ای، آیه یا روایت وجود نداشت با استفاده از اصول عملیه حکم شرعی داده می‌شود. که حجیت اصول عملیه توسط روایات اثبات می‌شود.

## سوالات مهم

- علم رجال را تعریف کنید؟
- ۱ - رابطه دانش رجال با علم درایه یا مصطلح الحدیث چه می باشد؟
- ۲ - فرق دانش رجال با علم تراجم چیست؟
- ۳ - علم تراجم با علم رجال چه نسبتی از نسب اربعه دارند؟
- ۴ - به شبهه پاسخ دهید؟
- دانش رجال دانش حرامی است چون در آن غیبت و تجسس وجود دارد
- ۵ - رابطه دانش رجال با علم فقه چیست؟

## آشنایی با منابع رجالی شیعه

شناخت راویان حدیث از چه طرقی قابل تصور است و کدام طریق در عصر فعلی امکان پذیر است چرا؟

شناخت راویان را به سه گونه می توان تصور کرد:

الف) شناخت واقعی

ب) شناخت ظاهری

ج) شناخت علمی

## تاریخچه منابع رجالی شیعه

اولین کتاب: تسمیة من شهد مع علی فی حروبه  
یا

تسمیة من شهد من اصحابه فی حروب صفین و الجمل و  
النهران

مؤلف: ابن ابی رافع، کاتب امیرالمؤمنین

ولی چون کارایی یک کتاب رجالی را ندارد قابل تأیید نیست.  
بعد از او:

عبدالله بن جبلة کنانی (قرن سوم) کتاب الرجال را نوشته است.



# انواع منابع رجالی

- اصلی ترین شیوه‌ها و انواع منابع رجالی را نام ببرید؟
- شیوه‌های تألیف کتب رجالی را نام برده و یکی را توضیح دهید؟

۱ - تألیف بر اساس طبقات

۲ - تألیف بر اساس فهرست مؤلفین و تألیفاتشان

۳ - تألیف بر اساس جرح و تعدیل

۴ - تألیف بر اساس حروف معجم

## انواع منابع رجالی

### ۱ - تألیف بر اساس طبقات

در کتاب رجال برقی و رجال شیخ طوسی تألیف بر اساس طبقات راویان است. این کتاب ها ۱۳ باب دارند:

۱ باب به اصحاب پیامبر اختصاص دارد.

۱۱ باب به اصحاب ائمه اختصاص دارد.

۱ باب به کسانی که از ائمه روایت ندارند، اختصاص دارد.

## انواع منابع رجالی

۲- تألیف بر اساس فهرست مؤلفین و تألیفاتشان

این نوع منابع رجالی بر اساس تألیفات حدیثی راویان نوشته می شود.

در این کتاب ها ترتیب نام ها به صورت الفبایی ناقص است. (توضیح: انتهای ص ۱۲۴)

نام همه راویان در این نوع کتاب ها وجود ندارد فقط نام راویانی است که صاحب کتاب حدیثی باشند.

## انواع منابع رجالی

### ۳ - تألیف بر اساس جرح و تعدیل

این کتاب ها دارای دو بخش است؛ بخشی مربوط به کسانی که تعدیل شده اند و بخشی مربوط به کسانی که جرح شده اند.

کتاب رجال علامه حلی و کتاب رجال ابن داوود از این نوع است.

## انواع منابع رجالی

### ۴ - تألیف بر اساس حروف معجم

در این نوع کتاب ها اطلاعات رجالی تمام کتب پیشین جمع آوری شده است. کسی که به این کتاب مراجعه می کند از مراجعه به کتب پیشین بی نیاز است. اسامی تمام راویان به ترتیب حروف الفبا در این کتب جمع آوری شده است. مانند معجم رجال الحدیث آیه الله خویی

## تألیفات رجالی شیعه

قرن دوم: آغاز تألیفات رسمی در حوزه رجال  
از قرن دوم تا قرن پنجم: ۱۰۰ کتاب رجالی تألیف شد.  
قرن پنجم: دوره شکوفایی کتاب هایی رجالی است.

جامعیت نسبی و دقت کتاب هایی که از قرن پنجم به بعد  
نوشته شد باعث شد به عنوان منابع مرجع شناخته شوند و  
کتاب ها گذشته به علت عدم استنساخ و بازنویسی به مرور  
زمان از بین برود.

# انواع تألیفات رجالی

الف) اصول اولیه

ب) اصول ثانویه

ج) جوامع رجالی

د) کتب تحقیقی

کتاب های رجالی از نظر  
**سیر تألیفات و اعتبار**  
به ۴ گروه تقسیم می شوند



# انواع تالیفات رجالی تا قرن پنجم

## الف) اصول اولیه

- ۱ - رجال برقی
- ۲ - رجال ابن غضائری
- ۳ - اختیار معرفة الرجال: شیخ طوسی
- ۴ - الرجال: شیخ طوسی
- ۵ - الفهرست: شیخ طوسی
- ۶ - فهرست نجاشی

# انواع تأليفات رجالى قرن ٧ و ٨

## ب) اصول ثانويه

- ١ - خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال: علامه حلى
- ٢ - رجال ابن داود حلى.

# انواع تألیفات رجالی

قرن ۱۰، ۱۱ و ۱۲

## ج) جوامع رجالی

### منهج المقال، نقد الرجال، مجمع الرجال، جامع الرواة

از آنجا که اصول اولیه و ثانویه به شیوه‌ای اسامی راوی را ذکر کرده بودند که پیدا کردن نام راوی مشکل بود. جوامع رجالی تدوین شد. در این جوامع، مطالب اصول اولیه و ثانویه جمع آوری شده است. در این کتاب‌ها از شیوه معجم الفبایی استفاده شده است. همچنین به اسامی مشترک و تعارض اقوال پرداخته شده است.

بزرگ‌ترین جامع رجالی معاصر: معجم رجال الحديث آیه الله خوئی

## ویژگی های کتاب معجم الرجال الحدیث آیه الله خویی

### جهت اول: اسامی و عنوان ها

الف) تمامی اسامی و عنوان هایی که در این کتاب وجود دارد از کتاب اربعه حدیثی و از اصول اولیه رجالی گرفته شده است.

ب) اسامی دقیقاً به همان شکلی که در اسناد کتاب ها آمده، بیان شده است.

# ویژگی های کتاب معجم الرجال الحدیث آیه الله خویی

## جهت دوم: شرح حال ها

الف) مؤلف شرح را در زیر نامی که نجاشی شرح حال را گفته است، آورده و در سایر عناوین آن شخص، شرح حال را نیاورده است. تنها جای روایت او و مشخصات آن را ذکر می کند. محمد بن ابی عمیر = ابی عمیر

ب) در شرح حال ها به مطالب اصول اولیه اکتفاء کرده است مگر در مواردی که اطلاعاتی در آنها نبوده که در این صورت از منابع مهم متأخر هم استفاده کرده است.

ج) بررسی اختلاف نسخه های روایی در ذکر نام راوی و تصحیح آنها.

# تألیفات رجالی شیعه

## کتب تحقیقی

عمده مباحث کتب تحقیقی عبارتند از:

- ۱ - بررسی قواعد و ضوابط رجالی
- ۲ - توثیقات عام
- ۳ - تعریف علم رجال

## سوالات مهم فصل دوم علم رجال

- ۱ - شناخت راویان حدیث از چه طرقی قابل تصور است و کدام طریق در عصر فعلی امکان پذیر است چرا؟
- ۲ - شیوه های تدوین یا ساختار کتب رجالی را نام برده یکی را توضیح دهید؟
- ۳ - اصول اولیه را نام ببرید؟
- ۴ - اصول ثانویه را نام ببرید؟
- ۵ - مهم ترین جامع رجالی را نام برده و ویژگی های آن را بیان کنید؟



# فصل سوم

## آشنایی با شیوه تحقیق رجال سند

**سؤال:** چگونه رجال سند روایات بررسی می شوند؟

مراحل بررسی رجال سند را نام ببرید؟

**جواب:** برای بررسی رجال سند روایات دو فعالیت در ۴ مرحله باید صورت بگیرد:

۱ - شناخت سند

۲ - تمییز مشترکات

۳ - توحید مختلفات

۴ - توثیق و تضعیف

۱ - شناخت دقیق سند

۲ - اعتبار یابی راویان در آن سند

محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن ابی عمیر عن سیف بن عمیرة عن ابی حمزة عن ابی جعفر علیه السلام: قال: عالمٌ یُنتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ.

# مراحل بررسی رجال سند

## شناخت سند

شیوه اختصار در اسناد در بین قدامتداول بوده است این شیوه ها باید شناسایی شوند تا در مقام صدور حکم مورد غفلت قرار نگیرند.

الف) تعلیق

ب) تحویل

ج) شبه تعلیق

د) ضمیر

شیوه های اختصار سند

## مراحل بررسی رجال سند شناخت سند

### الف) تعلیق

تعلیق در اسناد یعنی وابسته بودن یا معلق بودن سند به سندی دیگر یا متصل نبون سند از ناحیه ابتدای سند (از طرف مؤلف کتاب) است.

نویسنده، محدث ابتدای سندی را با اتکا به اینکه در سند یا اسناد قبلی بخشی از آن آمده حذف کرده است.

با مراجعه به اسناد قبلی و آشنایی با طبقات و اساتید مؤلف می توان موارد حذف شده را شناخت.

## شناخت در سند تعليق

مثال اول:

- **سند اول:** علی بن ابراهیم، عن أحمد بن محمد، **عن محمد بن خالد**، عن محمد بن سنان...

**سند دوم:** محمد بن خالد، عن حمزة بن عبيد، عن إسماعيل بن عباد.....

در این مثال حدیث **دوم** معلق بر **اول** است و دو نفر حدیث قبل در ابتدای این سند هم افزوده می شود.

## شناخت در سند تعليق

مثال دوم:

**سند اول:** عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن...

**سند دوم:** سهل بن زياد، عن....

در مثال تعليق به ذكر نكردن «عدة من أصحابنا» در سند دوم است.

# شناخت سند

## (ب) تحویل

این شیوه اختصار در سند به واسطه جمع کردن دو یا چند سند، که بخشی از آنها مشترک است، در یک سند ایجاد می‌شود.

محمد به حسن سلام کرد.  
 علی به حسن سلام کرد.  
 محمد و علی به حسن سلام کردند.

مثال:

۱ - محمد بن الحسن و علی بن محمد ، عن سهل بن زیاد

**سند اول:** محمد بن حسن عن سهل بن زیاد

**سند دوم:** علی بن محمد عن سهل بن زیاد

در اصل  
دو سند مشابه  
است

## شناخت سند تحويل

مثال دوم:

علی بن ابراهیم، عن أبیه، و محمد بن إسماعیل عن الفضل بن شاذان  
جميعاً، عن ابن أبي عمير....

سند اول: علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبي عمير  
سند دوم: محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن ابن أبي عمير  
عطف دو راوی  
بر  
دو راوی



## شناخت سند

### (ج) شبه تعلیق

اگر نام خاصی جایگزین اسامی راویان محذوف نگردد تعلیق نام دارد. ولی اگر به جای نام راویان محذوف تعبیر «بهذا الإسناد» بیاید نشان دهنده حذف تعدادی از راویان است. که به آن شبه تعلیق می‌گویند

چون شبیه تعلیق است به آن شبه تعلیق می‌گویند.

## شبه تعليق

مثال:

- عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن أبيه، عن عبدالله بن المغيرة، و محمد بن سنان...

- و بهذا الإسناد، عن أبيه، عن أحمد بن النضر....

در حقيقت به اين صورت بوده است:

عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقي، عن أبيه، عن أحمد بن النضر

## شناخت سند

### ضمیر

اگر در سندی به جای اسم یا اسامی راویان ضمیر بیاید در این صورت به آن سند ضمیر گفته می شود.  
در علم رجال باید با استفاده از اسناد مشابه و تشابه های موجود در یک سند، مرجع ضمیر شناسایی شود.

## ضمير

مثال اول:

- محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الحكم

- عنه، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد.

مرجع ضمير در این حدیث، محمد بن یحیی است.

## ضمير

مثال دوم:

**سند اول:** أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى... و **عنه**، عن صفوان....

### **سند دوم**

مرجع ضمير، «محمد بن عبد الجبار» می باشد که نفر دوم در سند است. مرجع ضمیر با تشابه اسامی در اسناد قبل به راحتی شناخته شد.

**سند اول:** أبو علي الأشعري، عن محمد بن عبد الجبار، عن صفوان بن يحيى.....

**سند دوم:** محمد بن عبد الجبار، عن صفوان.....

# مراحل بررسی رجال سند

- ۱ - شناخت سند
- ۲ - تمییز مشترکات
- ۳ - توحید مختلفات
- ۴ - توثیق و تضعیف

# مراحل بررسی رجال سند

## تمییز مشترکات

مراد از مشترک، نامی است که برای دو یا چند نفر ذکر شده است. مثلاً نام **احمد بن محمد** بین چند نفر مشترک است که در ثقه بودن و ضعیف بودن مختلف هستند.

در نتیجه باید مصداق شخص معلوم شود.

از عوامل به وجود آمدن اشتراک، اختصار در اسناد است. باید برای شناخت و تمییز دقیق راویان مشترک از اسناد مشابه یا طبقات یا قرائن زمانی و مکانی و... استفاده کرد.



## تمییز مشترکات

مثال اول:

- علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، عن أبیه، عن عمرو بن عثمان

- علی، عن أبیه، عن ابن أبي عمیر....

با وجود سند اول، سند دوم مختصر شده و نام «علی» بدون در نظر گرفتن این قرینه، بین گروهی از راویان مشترک است.

## تمييز مشتركات

مثال دوم:

- محمد بن يحيى ، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن علي بن الفضال....
- محمد، عن أحمد، عن ابن فضال

طبقة مشايخ كليني: احمد بن محمد عاصمي

طبقة مشايخ مشايخ كليني: احمد بن محمد خالد برقي  
احمد بن محمد عيسى

طبقة مشايخ مشايخ مشايخ كليني: احمد بن محمد بن ابي نصر  
احمد بن محمد عبدالله

احمد بن محمد

# سوالات مهم

- چگونه رجالِ سندِ روایات بررسی می شوند؟
- شیوه های اختصار در سند را نام ببرید؟
- تعلیق در سند به چه معناست توضیح دهید؟
- تحویل در سند به چه معناست توضیح دهید؟
- شبه تعلیق در سند به چه معناست توضیح دهید؟
- ضمیر در سند به چه معناست توضیح دهید؟
- تعلیق با شبه تعلیق چه فرقی دارد؟
- منظور از تمیز مشترکات در علم رجال چیست؟

## توحید مختلفات

توحید مختلفات بر عکس تمییز مشترکات است:

در تمییز مشترکات یک اسم برای چندین نفر بود. که باید در علم رجال اسامی مشترک شناسایی شوند.

در توحید مختلفات یک نفر دارای چند اسم است. که باید در علم رجال اسامی مختلف هر شخص شناسایی شود.

سؤال: شناسایی اسامی مختلف یک نفر در علم رجال چه فایده ای دارد؟

ممکن است برای بعضی از اسامی توصیفی ذکر نشده باشد و مهمل باشد. با استفاده از بقیه اسامی که توصیف شدند به ماهیت شخص پی می بریم.

## توحيد مختلفات

مثال:

أبو علي اشعري: **مهمل**

نام دیگر او:

محمد بن ادريس: **ثقه**

در نتیجه ابو علی اشعري **ثقه** است.



## توثیق و تضعیف

توثیق و تضعیف، آخرین مرحله از مراحل بررسی رجال سند حدیث است که به اعتبار یابی راویان اختصاص دارد.

در شناخت راوی چهار حالت متصور می شود:

- ۱ - مجهول الهویه: اصلاً نامش در کتب رجالی نیامده است.
- ۲ - معلوم الحال: اسمش آمده و مدح یا ذم برایش ذکر شده است.
- ۳ - مجهول الحال: نامش در کتب رجالی به عنوان راوی آمده ولی هیچ مدح یا ذمی نشده است.
- ۴ - مهمل یا مسکوت: توضیحی آمده مثل نام اساتید، تألیفات، و.. اما به صورتی است که مدح یا ذم برداشت نمی شود..



الف) توصیف به مدح یا ذم شده است: **معلوم الحال**

ب) هیچ مدح یا ذمی در مورد او نیامده: **مجهول الحال**

ج) توضیحی آمده که مدح و ذم از آن برداشت نمی شود:  
**مهمل یا مسکوت**

نامش در کتب رجالی  
آمده است

راوی

نامش در کتب رجالی  
نیامده است

مجهول الهویه

## توثیق

تعریف توثیق:

ثقه شمردن و معتمد دانستن کسی یا چیزی عادل بودن و ضابط بودن راوی باعث اعتماد به سخن راوی می شود.

سؤال: ما چگونه می توانیم بر اساس منابع و مصادر رجالی به این اعتماد دست پیدا کنیم؟

پاسخ: با شناختن انواع توثیق و مبانی توثیق

## انواع توثیق

### توثیق خاص:

اگر در هنگام توثیق، نام فرد یا افراد خاصی برده شود.

زرارة بن أعین ثقة

زراره و محمد بن مسلم و برید بن معاویة و... ثقات

### توثیق عام:

اگر یک عنوان کلی که داری افراد مختلفی هستند ثقة اعلام شوند.

اساتید ابن ابی عمیر همه ثقة هستند. اساتید: یک عنوان کلی است. که شامل افراد متعددی می شوند.

## مبانی توثیق

**سؤال:** مبانی معتبر در توثیق خاص چه می باشد؟  
توثیق خاص راویان از چه کسانی پذیرفته است؟

**پاسخ:**

- ۱ - تصریح معصوم علیه السلام
- ۲ - تصریح یکی از بزرگان رجالی متقدم
- ۳ - ادعای اجماع وثاقت

## مبانی توثیق

### ۱ - تصریح معصوم علیه السلام

اگر با سندی معتبر، معصومین، شخص یا اشخاصی را ثقه اعلام کنند مبنای عمل ما قرار می گیرد.

### ۲ - تصریح یکی از بزرگان رجالی متقدم

تنها منقولات بزرگان رجالی متقدم که از روی کتب اولیه اصحاب ائمه، به اصول اولیه منتقل شده حجت می باشد. و سخنان مؤلفان دیگر که در اصول اولیه وجود ندارد حجت نیست زیرا تنها اجتهادات ایشان است.

۳ - ادعای اجماع بر وثاقت: بر وثاقت یک راوی ادعای اتفاق نظر وجود داشته باشد.

## الفاظ تضعیف

۱ - الفاظی که نفی مدح و عدالت می کند.

۲ - ضعیف، ضعیف الحدیث، ساقط و ....

۳ - متهم بالكذب و الغلو و ....

۴ - كذاب، وضّاع و ...

احادیث هیچ یک اعتبار ندارد.  
الفاظ مختلف در بازشناسی متون روایت و شناخت جعلی بودن حدیث مؤثر است.

## الفاظ توثیق

۱ - الفاظی که مترادف با ثقه است.

۲ - الفاظی که فقط عدالت را می‌رساند و بر ضبط دلالت ندارد.

۳ - الفاظ مدح

۴ - الفاظی که بر مدح و وثاقت دلالت ندارد.

## توثیق عام

- ۱ - توثیق مشایخ علی بن ابراهیم قمی
- ۲ - توثیق مشایخ بلاواسطه جعفر بن محمد بن قولویه
- ۳ - توثیق مشایخ نجاشی
- ۴ - توثیق خاندان ابو شعبه حلبی
- ۵ - توثیق خاندان روّاسی
- ۶ - توثیق مشایخ علی بن حسن طاطری در کتاب فقهی اش

اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِ مُحَمَّدٍ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَقَّهَهُ الْحَكِيمِ

فَقَّهَهُ الْحَكِيمِ

لطفا انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی خود را به آدرس زیر  
بفرستید تا در ویرایش بعدی لحاظ گردد.

با تشکر

سیده معصومه تقوی

[Taqavi@chmail.ir](mailto:Taqavi@chmail.ir)

## تعریف دانش حدیث

مجموعه دانش هایی که به راه های  
دستیابی، فهم و ارزیابی حدیث  
می پردازد.

تاریخ حدیث

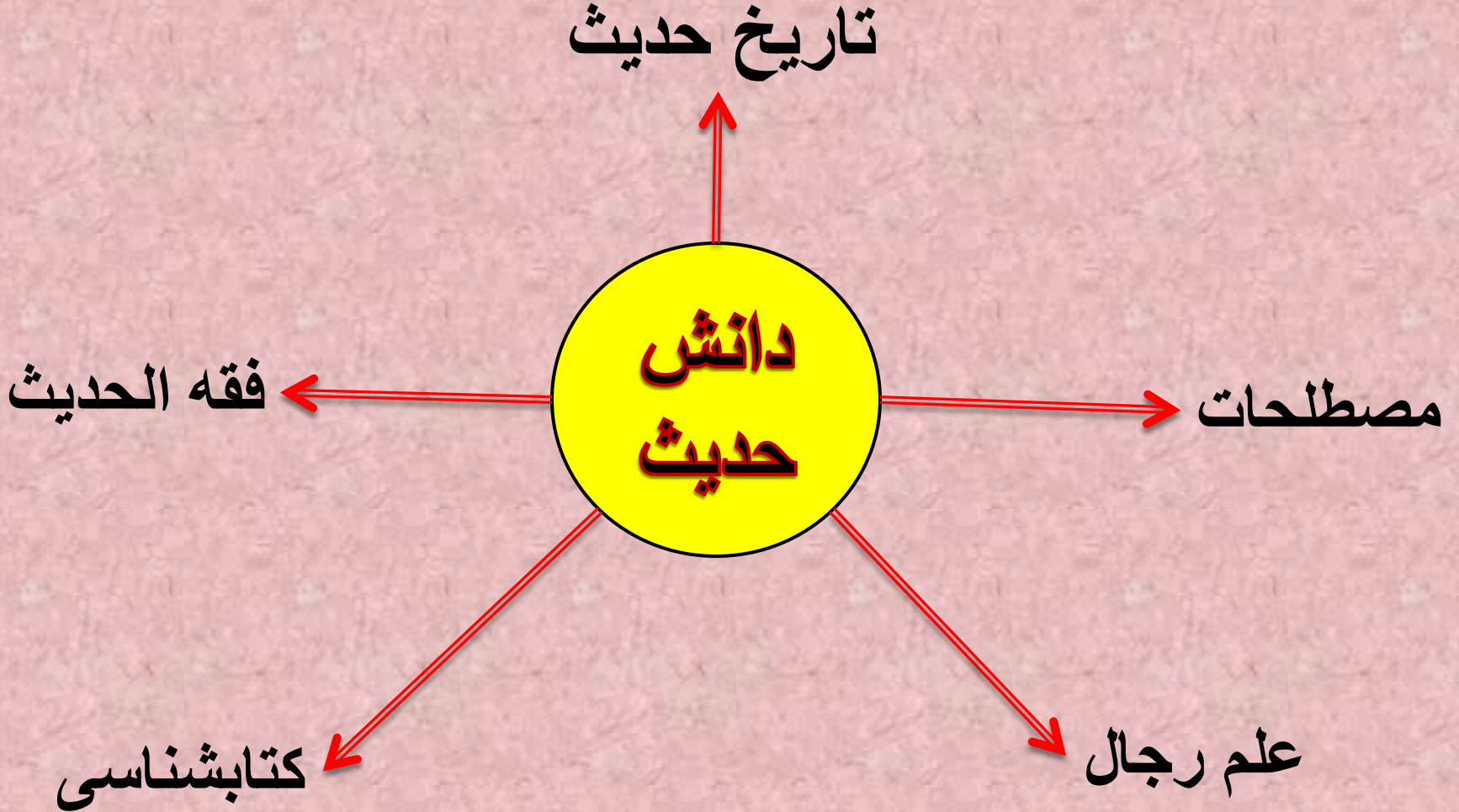
دانش  
حدیث

فقه الحدیث

مصطلحات

کتابشناسی

علم رجال



# مفهوم شناسی فقہ الحدیث

فقہ

فہم عمیق و دقیق است۔

حدیث

قول، فعل و تقریر معصوم علیہ السلام

## تعریف فقه الحدیث

دانشی است که به بررسی متن حدیث می‌پردازد  
و با ارائه مبانی و قواعد خاصی ما را به مقصود  
اصلی گوینده حدیث نزدیک می‌کند.



# ضرورت فقه الحدیث

## □ حدیث مادر همه علوم اسلامی

- اخلاق
- تاریخ
- علم فقه
- تفسیر

□ اگر حدیث فهمیده نشود مانند آن است که خوانده نشده و مورد استفاده قرار نگرفته است

# اهمیت فقه الحدیث

□ امام صادق علیه السلام:

□ حدیث تدریه خیر من ألف ترویه و لا یکون الرجل منکم فقیها  
حتی یعرف معاریض کلامنا...

□ یک حدیث را خوب بفهمی بهتر از آن است که هزار حدیث نقل کنی. و هیچ یک از شما بینای در دین نمی شود، مگر آنکه تعریض های کلام ما را بشناسد.



# ثمره و فايده فقه الحديث

تصديق و شناخت

# مراحل فهم حدیث

الف) دستیابی به متن اصلی حدیث  
ب) یافتن نسخه‌های مختلف  
ج) زدودن تصحیف و تحریف

پیش نیازهای فهم حدیث

گفتار اول: فهم مفردات: علم صرف، لغت شناسی  
الف) اعراب  
ب) اصطلاح‌ها  
ج) مجازها

گفتار دوم: فهم ترکیبات ←

سیر فهم متن حدیث

گفتار اول: قرینه‌ها

گفتار دوم: اسباب ورود حدیث

گفتار سوم: خانواده حدیث

سیر فهم مقصود حدیث

موانع فهم متن: اشتراک لفظی، تحول زبان، خلط معنای لغوی با اصطلاحی و فارسی با عربی، نادیده گرفتن حروف، تصحیف و تحریف، تقطیع نادرست

موانع فهم حدیث

موانع فهم مقصود: پیروی از آهوا و آرا، ساده انگاری، خشک ذهنی و جمود بر الفاظ، خلط جری و تطبیق با تفسیر، نادیده گرفتن آهنگ سخن

# فصل دوم

## پیش نیاز های فهم حدیث

- ۱ - دست یابی به متن اصلی حدیث
- ۲ - یافتن نسخه های مختلف
- ۳ - زدودن تصحیف و تحریف

# پیش نیازهای فهم

## ۱ - دست یابی به متن اصلی حدیث

۱ - اثبات اینکه آنچه در دست ما است حدیث است (اصل صدور حدیث) که بر عهده علم رجال است. □

۲ - دست‌یابی به متن اصلی حدیث (آیا متن حدیث همین عبارت است که الآن در دست ماست) □

مَنْ يَسْأَلُ فَوْقَ قَدْرِهِ، إِسْتَحَقَّ الْجِرْمَانَ

مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِهِ، إِسْتَحَقَّ الْحَرَمَانَ

# پیش نیازهای فهم حدیث

## ۲ - یافتن نسخه های مختلف

الف) دست نوشته های مختلف مؤلف یا کاتبان مختلف را بررسی کنیم.

ب) به کتاب های مختلفی که همان حدیث را نقل کردند، مراجعه کنیم.

# پیش نیاز فهم حدیث

## ۳ - زدودن تحریف و تصحیف

(الف) تصحیف نوشتاری یا دیداری

تَخْتَمُوا بِالْعَقِيقِ ← تصحیف شده به تَخَيَّمُوا بِالْعَقِيقِ

يُسْتَحَبُّ الْغُسْلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ← يُسْتَحَبُّ الْعَسَلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

(ب) تصحیف شنیداری

- احتجر به احتجم - مفرط به مفرط<sup>س</sup>



# سیر فهم متن حدیث فهم مفردات

## علم صرف

اَيَّاكُمْ و المَشَارَّةَ فَانَّهَا تَوْرِثُ المَعْرَةَ و تُظْهِرُ المَعْوَرَةَ

بپرهیزید از شر رساندن به یکدیگر پس همانا به ارث می‌گذارد کینه را و عیب‌های نهان را آشکار می‌کند.

المُشَارَّةُ: باب مفاعله: به یکدیگر شر رساندن .

# سیر فهم متن حدیث

## فهم مفردات

### علم صرف

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

لا ايمان لمن لا يامن جاره بوائقه

کسی که همسایه اش از ظلم و شر او در امان نباشد ایمان ندارد.

ويق : أبيض

واق : پرنده دریایی

ووق : شیر

بوائقه: وائق

بوائقه: از بوق: ظلم و شر، جمع مکسر بائقه: بوائق + ه



# سیر فهم متن حدیث

## فهم مفردات

### لغت شناسی

انواع شیوه ها برای کشف معانی واژه ها

الف) تقلیدی

ب) اجتهادی

۱ - کتب غریب الحدیث

۲ - متون دینی و ادبی کهن

۳ - کتب فروق اللغه

# سیر فہم متن حدیث

فہم ترکیبات

الف) اعراب

ب) اصطلاح ہا

ج) مجاز ہا

# سیر فهم متن حدیث

## فهم ترکیبات

### اعراب

کفی بک جهلاً أن ترکبَ ما  
نَهیت  
نُهیت  
عنه

در جهل آدمی همین بس که آنچه را که نهی کرده مرتکب شود.

نَهیت: معلوم: نهی کرده ای      نُهیت: مجهول: نهی شده ای

کفی بالمرء جهلاً أن ینکرَ علی الناسِ ما یأتی مثله

و کفی بک جهلاً أن تنهی عما ترکب

# سیر فہم متن حدیث

فہم ترکیبات

الف) اعراب

ب) اصطلاح ہا

ج) مجاز ہا

# سیر فهم متن حدیث

## فهم ترکیبات

### اصطلاح ها

من رَقَّ وجهه، رَقَّ علمه

هر کس شرم کند دانشش اندک شود.

در لغت: نازکی

رَقَّ

در اصطلاح: شرم و خجالت

تزویج مقام: ازدواج دائمی

مات حَتَفَ أنفه: مرگ طبیعی

ام الكتاب: سوره حمد

عقل عن الله: اخذ معرفت از خداوند

سبع المثانی: سوره های بلند قرآن

جراب نوره: از روی تقیه سخن گفتن

# سیر فہم متن حدیث

فہم ترکیبات

الف) اعراب

ب) اصطلاح ہا

ج) مجاز ہا



# سیر فہم متن حدیث

## فہم ترکیبیات

### مجازها

- أَسْرَعَنَّ بِي لِحَوْقًا أَطْوَلَكُنَّ يَدًا

- لَا تَرْفَعِ عَصَاكَ عَن أَهْلِكَ



# مراحل فهم حدیث

الف) دستیابی به متن اصلی حدیث  
ب) یافتن نسخه‌های مختلف  
ج) زدودن تصحیف و تحریف

پیش نیازهای فهم حدیث

گفتار اول: فهم مفردات: علم صرف، لغت شناسی  
الف) اعراب  
ب) اصطلاح‌ها  
ج) مجازها

گفتار دوم: فهم ترکیبات ←

سیر فهم متن حدیث

گفتار اول: قرینه‌ها

گفتار دوم: اسباب ورود حدیث

گفتار سوم: خانواده حدیث

سیر فهم مقصود حدیث

موانع فهم متن: اشتراک لفظی، تحول زبان، خلط معنای لغوی با اصطلاحی و فارسی با عربی، نادیده گرفتن حروف، تصحیف و تحریف، تقطیع نادرست

موانع فهم حدیث

موانع فهم مقصود: پیروی از آهوا و آرا، ساده انگاری، خشک ذهنی و جمود بر الفاظ، خلط جری و تطبیق با تفسیر، نادیده گرفتن آهنگ سخن

# سیر فہم مقصود حدیث

□ گفتار اول: قرینہ ہا

□ گفتار دوم: اسباب ورود حدیث

□ گفتار سوم: خانواده حدیث

# سیر فهم مقصود حدیث

## گفتار اول: قرینه ها

قرینه معینه

قرینه های متصل

قرینه صارفه: تضمین

انواع قرینه ها

قرینه های منفصل

# سیر فهم مقصود حدیث

## تضمین

جای دادن کلام دیگران، در کلام خود، گاهی گوینده برای اینکه راحت تر مقصود خود را به مخاطب بفهماند از جمله ای که با سخن مورد نظر رابطه خارجی و واقعی یا تصویری دارد استفاده می کند. تا از بروز کج فهمی جلوگیری کند.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا  
وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (انعام: ۱۶۰)

امام سجاد علیه السلام: «يَا سَوَاتَاهُ لِمَنْ غَلَبَتْ إِحْدَاتُهُ عَشْرَاتِهِ»

وای بر حال کسی که یکی یکی هایش بر ده ده هایش غالب آید

# سیر فهم مقصود حدیث

## گفتار اول: قرینه ها

قرینه های متصل: اسباب ورود حدیث

قرینه های منفصل: جمع آوری خانواده حدیث

انواع قرینه ها



# سیر فهم مقصود حدیث

## اسباب ورود حدیث

اسباب ورود حدیث مانند شأن نزول قرآن، یعنی سبب ورود یا زمینه پیدایش حدیث، که اعم از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حالت ها و شخصیت مخاطب و پرسش های نهان راوی حدیث است.

«أفطر الحاجمُ و المَجُومُ»

حجامت کننده و حجامت شونده هر دو افطار کنند

# فواید بازیابی خانواده حدیث

برای فهم مقصود حدیث لازم است احادیث هم‌مضمون و مرتبط با یکدیگر را جمع‌آوری و کنار هم قرار داد. یافتن احادیث هم‌مضمون و تشکیل خانواده حدیث ما را از نسبت دادن حکم نادرست به شارع باز می‌دارد تا بلافاصله عمومیت را از حدیث عام استنباط نکنیم و بدون جست و جو از مقید، اطلاق را حجت نشماریم. پس از **فواید بازیابی خانواده حدیث** آشنایی با دو مورد ذیل می‌باشد:

۱ - تخصیص حکم

۲ - تقیید حکم



# شیوه های بازیابی خانواده حدیث

۱ - مراجعه به جوامع روایی و تصنیف های موضوعی

۲ - استفاده از معجم های لفظی و موضوعی

۳ - بهره گیری از رایانه

# موانع فهم حدیث

- ۱ - اشتراک لفظی
- ۲ - تحول زبان
- ۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی
- ۴ - خلط معنای فارسی و عربی
- ۵ - نادیده گرفتن حروف
- ۶ - تصحیف و تحریف
- ۷ - تقطیع نادرست

موانع فهم متن

- ۱ - پیروی از احوال و آرا
- ۲ - ساده انگاری
- ۳ - بسته ذهنی جمود
- ۴ - نادیده گرفتن آهنگ سخن

موانع فهم مقصود

# سیر فهم حدیث

## موانع فهم متن حدیث

- ۱ - اشتراک لفظی
- ۲ - تحول زبان
- ۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی
- ۴ - خلط معنای فارسی و عربی
- ۵ - نادیده گرفتن حروف
- ۶ - تصحیف و تحریف
- ۷ - تقطیع نادرست

نمونه سؤال

- دو مورد از موانع فهم حدیث را نام برده و به اختصار توضیح دهید؟

# سیر فهم حدیث

## موانع فهم متن حدیث

### ۱ - اشتراک لفظی

اگر در متن حدیث، لفظی با چند معنا وجود داشته باشد مانع فهم متن حدیث می شود.

### راه کار:

۱ - پیدا کردن احادیث مشابه و هم‌مضمون

۲ - قرار دادن یک یک معانی متفاوت و اثره در جمله و سنجش معنای جمله

# موانع فهم متن

## اشتراک لفظی

### اختلاف اُمّتی رحمة

بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۴

تفرقه و چند دستگی

آمد و شد (رفت و آمد)

اختلاف

# موانع فهم حدیث

یکی از راویان به معنای عبدالؤمن انصاری، که فقط معنای اول را در ذهن خود داشت و از وجود معنای دیگری برای اختلاف غافل مانده بود، سرگردان می شود و چون نمی تواند رحمت بودن اختلاف به معنای تفرقه را باور کند، نزد امام صادق علیه السلام می رود و مشکل خود را بر ایشان عرضه می کند و پس از اینکه تأیید امام را نسبت به صدور حدیث می شنود، می گوید: اگر اختلاف امت رحمت باشد اجتماع آنان مایه عذاب است؟ امام علیه السلام در پاسخ او، اختلاف را به معنای دیگرش، یعنی آمد و شد، تفسیر می کند.



# اشتراک لفظی

امام صادق علیه السلام، فرموده حضرت رسول صلی الله علیه و آله را اشاره به آیه نفر (توبه / ۱۲۲) می داند؛

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ

طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

پس چرا نباید از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای سفرکنند تا دین شناس شوند و تا قوم خود را وقتی که نزد آنان بازگشتند بیم دهند مگر آنان بر حذر شوند؟

منظور حدیث این است که از شهرها به مراکز دانش بیایند و بروند تا دین را فراگیرند و بیاموزند نه اینکه در آن اختلاف کنند.



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تحول زبان

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

**مَنْ نَكَثَ بَيْعَتَهُ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ أَجْذَمٌ**

هر کس بیعتش را بشکند، خداوند را دیدار می کند در حالی که اجذم است.

بعضی از الفاظ چند معنا دارند، به این صورت که یکی از معانی آن متروک شده و در عصر ما معنایی دیگر یافته از این رو بدون اینکه به معنای دیگری بیاندیشیم آن را بر معنای امروزی حمل می کنیم. غافل از اینکه این واژه در عصر صدور حدیث معنایی دیگر داشته است.

# تحول زبان

**أَجْزَمُ:** مقطوع الید، دست بریده .

**تَعَمَّقُ:** در زمان حال به معنی: غور و دوراندیشی  
در گذشته به معنی: افراط و زیاده روی بوده است.

# تحول زبان

پیامبر اکرم در مورد امام علی علیه السلام می فرماید:

سَيَكُونُ لَهُ شِيعَةٌ يُتَعَمَّقُونَ فِي الدِّينِ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهُ كَمَا يَخْرُجُ السُّهُمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ

امام علی علیه السلام می فرمایند:

الْكُفْرُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ: عَلَى التَّعَمُّقِ وَالتَّنَازُعِ وَالتَّزْيِغِ وَالتَّشْقَاقِ، فَمَنْ تَعَمَّقَ لَمْ يَنْبُ إِلَى الْحَقِّ.

کفر بر چهار پایه استوار است: بر تعمق، تنازع، کجروی و جدایی. پس هر کس که تعمق کرد به حق باز نگشت.

# بسم الله الرحمن الرحيم

## موانع فهم متن حدیث

۱ - اشتراک لفظی

۲ - تحول زبان

۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی

۴ - خلط معنای فارسی و عربی

۵ - نادیده گرفتن حروف

۶ - تصحیف و تحریف

۷ - تقطیع نادرست

# خلط معنای لغوی و اصطلاحی

بعضی از لغات علاوه بر معنای لغوی دارای معنای اصطلاحی می‌باشند.

گاهی معنای اصطلاحی یک کلمه از معنای لغوی آن مانوس‌تر است لذا باعث می‌شود بین معنای لغوی و اصطلاحی خلط صورت بگیرد و برای ترجمه و فهم حدیثی که معنای لغوی، مورد نظر معصوم بوده، از معنای اصطلاحی استفاده شود و در نتیجه معنای حدیث نادرست فهمیده شود.

# خَلَطَ مَعْنَايَ لُغَوِيَّ وَاصْطِلَاحِيَّ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

**إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ إِلَى الطَّعَامِ فَلْيُجِبْ، فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيُصَلِّ**

چون هر یک از شما را به خوراک دعوت کردند اجابت کند و اگر روزه بود برای میزبان دعا کند.

**صلاة:** معنای لغوی: درود فرستادن و دعا کردن

معنای اصطلاحی: نماز

**وضو:** معنای لغوی: نظافت

معنای اصطلاحی: وضوی شرعی

**شیخ طوسی:** بعد خونریزی بینی وضو بگیر، منظور شستن صورت است.

# خلط معنای لغوی و اصطلاحی

## الحكمة ضالة المؤمن

**فیلسوفان:**

حکمت : فلسفه، این حدیث مؤید علم فلسفه است.

**مخالفان علم فلسفه:**

ضالة: گمراه کننده، فلسفه را گمراه کننده مومن معرفی کردند .

**نظر صحیح:**

حکمت در لغت: منع و محکم داشتن است.

منظور هر علم و دانشی است که لگام جهل انسان را محکم نگاه می دارد .

**در نتیجه :** نه مؤید فلسفه است نه مخالف آن



# بسم الله الرحمن الرحيم

## موانع فهم متن حدیث

شباهت برخی از واژه‌های عربی به فارسی موجب این تصور باطل شده است که مفاهیم آنها در فارسی و عربی شبیه به هم است. پس در ترجمه احادیث باید این مورد را مد نظر داشته باشیم.

۱ - اشتراک لفظی

۲ - تحول زبان

۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی

۴ - خلط معنای فارسی و عربی ←

۵ - نادیده گرفتن حروف

۶ - تصحیف و تحریف

۷ - تقطیع نادرست

# موانع فهم متن حدیث خلط معنای فارسی و عربی

امیر المؤمنین امام علی علیه السلام می فرمایند:

فَأَنَّ الْمَرَأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ  
زن گل خوشبو است و پیشکار نیست.

در زبان فارسی: پهلوان

در زبان عربی: پیشکار

قهرمان

# خَلط معنای فارسی و عربی

الحسود لا یسود

حسود هیچ گاه سروری نمی‌کند.

در زبان فارسی: هرگز نیاسود، هرگز سود نمی‌برد.

در زبان عربی: از سُؤوِدة و سیادت است به معنی سروری

لا یسود

# خَلَطَ مَعْنَايَ فَارِسِيَّ وَ عَرَبِيَّ

«احتمالُ الجاهلِ صدقةً»

تحميل کردن جاهل و بردباری نسبت به جاهل صدقه است.

در زبان فارسی: تخمین، حدس، گمان

در زبان عربی: تحمل و بردباری

احتمال

# بسم الله الرحمن الرحيم

## موانع فهم متن حدیث

- ۱ - اشتراک لفظی
- ۲ - تحول زبان
- ۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی
- ۴ - خلط معنای فارسی و عربی
- ۵ - نادیده گرفتن حروف
- ۶ - تصحیف و تحریف
- ۷ - تقطیع نادرست

# موانع فهم متن حدیث نادیده گرفتن حروف

## نادیده گرفتن حروف

حروف، به ویژه حروف متعددی نقش مهمی در معنای کلام ایفا می‌کنند. بی توجهی به حروف گاه معنایی متضاد با مقصود اصلی گوینده را به ما می‌فهماند.

لذا در ترجمه حدیث باید به حروف و نقش آن در جمله توجه شود.

(فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي) ← (فَمَنْ رَغِبَ فِي سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي)

# موانع فهم متن حدیث نادیده گرفتن حروف

امام علی علیه السلام می فرمایند:

**كَذِبَ الْعَادِلُونَ بِكَ إِذْ شَبَّهُوكَ بِأَصْنَامِهِمْ وَنَحَلُوكَ حِلْيَةَ الْمَخْلُوقِينَ بِأَوْهَامِهِمْ**

شریک گیرندگان برای تو دروغ گفتند که تو را به بت‌هایشان همانند کردند و جامه آفرینندگان را، به گمان بی پایه خود، بر تو پوشاندند.

**عدل ب:** شرک آوردن

**عدل عن:** منحرف شدن و کناره گرفتن، عَدَلَ عَنِ الطَّرِيقِ

عدَلْ



- ترجمه گویای آیه الله مکارم: دروغ گفتند آنان که از تو عدول کردند.
- ترجمه آقای اردبیلی: دروغ گفتند برابرکنندگان به تو
- ترجمه آقای انصاری: دروغ گفتند کسانی که از تو بیزاری جستند.
- ترجمه شرقی: دورغ گفتند آنان که تو را برابر نمودند.
- ترجمه ابن میثم: آنان که تو را با مخلوقات برابر دانستند.
- ترجمه : دروغ گفتند برگردندگان از تو

# موانع فهم متن حدیث نادیده گرفتن حروف

كان رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) يُعيدُ الكلمة ثلاثاً لتُعقلَ عنه

پیامبر خدا سخن حکمت آمیز خود را سه بار تکرار می کرد تا از او درست فرا گیرند .

**سأله :** از او پرسید

**سأله عن :** از او در باره چیزی پرسید.

# بسم الله الرحمن الرحيم

## موانع فهم متن

بعضی از احادیث با  
گذشت زمان عمداً یا  
سهواً دچار تصحیف و  
تحریف می‌شوند ما باید  
با جمع آوری احادیث  
مشابه، به متن اصلی و  
تصحیف نشده‌ی حدیث  
دسترسی پیدا کنیم.

۱ - اشتراک لفظی

۲ - تحول زبان

۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی

۴ - خلط معنای فارسی و عربی

۵ - نادیده گرفتن حروف

۶ - تصحیف و تحریف

۷ - تقطیع نادرست



# موانع فهم متن حدیث تصحیف و تحریف

قيل للصادق (عليه السلام): إنَّ النَّاسَ يَرَوْنَ عَن رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) قال:

«أَنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِغَنِيٍِّّ وَ لَا لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ»

فقال «قد قال: لَغَنِيٍِّّ وَ لَمْ يَقُلْ : لِذِي مِرَّةٍ سَوِيٍّ»

به امام صادق (عليه السلام) گفته شد: مردم از پیامبر خدا روایت می‌کنند که فرمود: همانا صدقه برای ثروتمند و کسی که سالم و قادر به انجام کار است حلال نیست.

امام صادق (عليه السلام) پاسخ دادند: پیامبر خدا فرمودند: «برای ثروتمند و دیگر نفرمود برای شخص سالم و قادر به کار.

# بسم الله الرحمن الرحيم

## موانع فهم متن حدیث

- ۱ - اشتراک لفظی
- ۲ - تحول زبان
- ۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی
- ۴ - خلط معنای فارسی و عربی
- ۵ - نادیده گرفتن حروف
- ۶ - تصحیف و تحریف
- ۷ - تقطیع نادرست

# موانع فهم حدیث تقطیع نادرست

تقطیع حدیث عبارت است از تقسیم احادیث به قطعات کوچک توسط نویسندگان حدیث به دلیل طولانی بودن و متعدد بودن موضوعات حدیث.

گاهی تقطیع به صورت  
نادرست انجام می شود و  
موجب

- ۱ - پوشیده شدن صدر روایت.
- ۲ - از بین رفتن قرینه‌هایی که به فهم حدیث کمک می‌کند. مانند سؤال راوی
- ۳ - از بین رفتن سبب ورود حدیث



# موانع فهم حديث تقطيع نادرست

پیامبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) می فرمایند:

إِنَّمَا الشَّوْمُ فِي ثَلَاثَةٍ فِي الْمَرَأَةِ وَالدَّابَّةِ وَالدَّارِ

صدر روایت حذف شدہ است:

كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ.....



# مبانی فهم حدیث

**گفتار اول: فهم مفردات:** علم صرف، لغت شناسی  
الف) اعراب  
**گفتار دوم: فهم ترکیبات** ←  
ب) اصطلاح ها  
ج) مجاز ها

سیر فهم متن حدیث

**گفتار اول: قرینه ها**  
**گفتار دوم: اسباب ورود حدیث**  
**گفتار سوم: خانواده حدیث**

سیر فهم مقصود حدیث

موانع فهم متن

موانع فهم مقصود

موانع فهم حدیث

# موانع فهم متن حدیث

- ۱ - اشتراک لفظی
- ۲ - تحول زبان
- ۳ - خلط معنای لغوی و اصطلاحی
- ۴ - خلط معنای فارسی و عربی
- ۵ - نادیده گرفتن حروف
- ۶ - تصحیف و تحریف
- ۷ - تقطیع نادرست

# موانع فهم مقصود حدیث

- ۱ - پیروی از اہوا و آرا
- ۲ - سادہ انگاری
- ۳ - بستہ ذہنی (جمود)
- ۴ - خلط جری و تطبیق با تفسیر
- ۵ - نادیدہ گرفتن آہنگ سخن

# موانع فهم مقصود حدیث

## پیروی از اہوا و آرا

امام صادق علیہ السلام می فرمایند:

**إِذَا عَرَفْتَ فَاَعْمَلْ مَا شِئْتَ**

هر وقت به شناخت رسیدی هر کاری می خواهی بکن

# موانع فهم مقصود حدیث

## پیروی از اهوای و آرا

گاهی پژوهشگر قبل از بررسی آیات و روایات، نظری را انتخاب می‌کنند و سپس به دنبال موجه جلوه دادن آن و منسوب کردن آن به اسلام به سراغ آیات و روایات می‌روند. تا اندیشه نادرست خود را در قالب احادیث بیان کنند. این کار مانع فهم مقصود حدیث می‌شود.



# موانع فهم مقصود حدیث

## ساده انگاری

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

انَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ  
مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ

حدیث ما سخت و پیچیده است و جز فرشته مقرب یا پیامبر  
فرستاده شده یا بنده‌ای که خدا دلش را به ایمان آزموده، آن را  
در نمی‌یابد.

# موانع فهم مقصود حدیث

## بسته ذهنی (جمود)

### بسته ذهنی

اگر شخصی احادیثی که قابل سرایت هستند را محدود به زمان و مکان خاصی کند و مانع از تطبیق و جاری نمودن آنها بر مصادیق امروزی شود دچار بسته ذهنی است.

### جمود

بسند کردن به معنای اولیه حدیث و فقط به ظاهر حدیث اکتفا کردن .



# موانع فهم مقصود حدیث خلط جری و تطبیق با تفسیر

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

« ظَهْرُهُ تَنْزِيهُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ ... يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ »

قرآن مثل خورشید است که در هر زمانی طلوع جدیدی دارد؛ خورشیدی که امروز طلوع می‌کند خورشید دیروزی نیست؛ هر لحظه و هر روز نور و حرارت جدیدی به بشر ارائه می‌دهد.

دستور العمل‌های قرآن در هر زمان جاری است و با مسائل جدید قابل تطبیق است.

# موانع فهم مقصود حدیث

## خلط جری و تطبیق با تفسیر

بعضی از روایات مصداق خارجی آیات قرآن را مشخص کردند. به عنوان مثال مصداق خارجی نور و ظلمت در آیه ۲۵۷ سوره بقره اهل بیت علیهم السلام و دشمنان آنان است.

ذکر مصداق خارجی توسط روایات با تفسیر آیه فرق می‌کند.

بعضی روایات راسخان در علم را اهل بیت دانستند. در حالی که ایشان مصداق اتم و اکمل هستند و در زمان غیبت، علما از مصادیق راسخان در علم محسوب می‌شوند.

# موانع فهم مقصود حدیث

## نادیده گرفتن آهنگ سخن

پرسش‌های آهنگین که در گفتار وجود دارد در نوشتن قابل انتقال نیست. لذا ممکن است جملات پرسشی به عنوان جملات خبری خوانده و فهمیده شود.

عَمَّارٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الرَّجُلِ يُصِيبُ خُطَّافاً (پرستو) فِي الصَّحْرَاءِ  
أَوْ يَصِيدُهُ أَوْ يَأْكُلُهُ قَالَ هُوَ مِمَّا يُوَكَّلُ!

اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِ مُحَمَّدٍ

## فقه الحديث

### تعريف فقه الحديث

دانشی است که به بررسی متن حدیث می پردازد و با ارائه مبانی و قواعد خاصی ما را به مقصود اصلی گوینده حدیث نزدیک می کند.

فقه الحدیث در مقایسه با دانش های دیگر حدیث، والاترین جایگاه را دارد زیرا مقصود اصلی از علوم حدیث دست یابی به مراد و مقصود معصومان (علیهم السلام) است و فقه الحدیث در پی این رسالت مهم است.

### ثمره و فایده فقه الحدیث

**تصدیق و شناخت:** مهم ترین فایده فهم احادیث، تعالی درجه ایمان است. انسان با درک درست، توان تصدیق و تأیید را می یابد و معرفت و ایمان خود را افزایش می دهد. شناخت همان فهم عمیق روایات است، مؤمن با فهم روایات به بالاترین درجات ایمان پیر می کشد

### ضرورت فقه الحدیث

حدیث مادر همه علوم اسلامی است به طوری که نقش آن در پیدایش و گسترش علوم اسلامی انکارناپذیر است. اگر از حدیث در تفسیر قرآن، علم فقه، اخلاق و مباحث تاریخی استفاده نکنیم چه تصویری از این علوم خواهیم داشت؟

لازمه استفاده درست از حدیث فهم دقیق آن است. گاه فهم نادرست حدیث اثری بدتر از ندانستن آن دارد. پیدایش کژراهه ها و فرقه های گوناگون منتسب به دین، ریشه در سوء فهم و برداشت های نادرست از متون دینی و به ویژه حدیث است. و ائمه به این ضرورت همواره اشاره داشته اند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «حدیث تدریه خیر من الف حدیث ترویه» همچنین می فرماید: «علیکم بالدرایات لالبروایات»

### مراحل فهم حدیث

#### ۱ - پیش نیازهای فهم حدیث

الف) دست یابی به متن اصلی حدیث

۱ - اثبات اینکه آنچه در دست ما است حدیث است (اصل صدور حدیث) که بر عهده علم رجال است.

۲ - دست یابی به متن اصلی حدیث (آیا متن حدیث همین عبارت است که الآن در دست ماست)

(ب) یافتن نسخه‌های مختلف

(ج) زدودن تصحیف و تحریف

اشتباه در قرائت و کتابت احادیث از سوی راویان و نویسندگان و نیز تصحیف و تحریف و همچنین خطاهای دیداری شنیداری، سبب گردیده که بعضاً متن اصلی حدیث، درست به ما نرسد. لذا جهت دست یابی به متن اصلی احادیث باید به یافتن نسخه‌های مختلف اقدام نمود و با کنار هم نهادن آنها به متن اصلی دست یافت. در ادامه به مواردی از خطاهای نوشتاری و شنیداری اشاره می‌شود.

خطاهای نوشتاری یا دیداری

«و لِيَقْلَ عَيْبَ النَّاسِ عَلَيَّ لَسَانِكُ» (باید عیب دیگران را کمتر به زبان آوری).

مورد اول

«و لِيَقْلَ عَتَبَ النَّاسِ عَلَيَّ لَسَانِكُ» (باید سرزتش مردم را کم کنی).

«تَخْتَمُوا بِالْعَقِيقِ» (انگشتر عقیق به دست کنید).

مورد دوم

«تَخَيِّمُوا بِالْعَتِيقِ» (در وادی عتیق خیمه بزنید).

خطاهای شنیداری

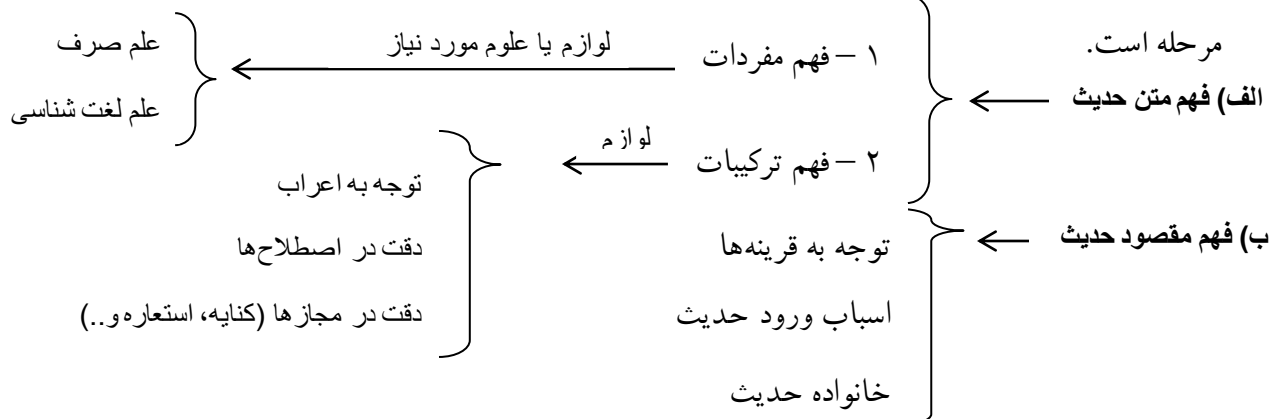
«مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ زَلَّ» (کسی که اکتفا به عقل خویش کند دچار لغزش می‌شود).

«مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ ضَلَّ» (کسی که اکتفا به عقل خویش کند گمراه می‌شود).

«مَنْ اسْتَعْنَى بِعَقْلِهِ ذَلَّ» (کسی که اکتفا به عقل خویش کند خوار می‌گردد).

۲ - سیر فهم حدیث

بعد از پیش نیازهای فهم حدیث مرحله دوم از مراحل فهم حدیث، سیر فهم حدیث است که خود مشتمل بر چند



## الف) فهم متن حدیث

فهم متن حدیث نیازمند فهم مفردات و در مرحله بعد فهم ترکیبات آن است یعنی علاوه بر شناسایی تک تک واژه ها، باید مفهوم ترکیب و چینش آن‌ها را در کنار هم را فهمید.

### ۱- فهم مفردات

برای فهم مفردات به علوم زیر نیازمندیم:

**الف) علم صرف:** در زبان عربی برای تولید واژه‌های مختلف (به منظور رساندن و افهام معانی جدید) بیشتر حرکات کلمه اصلی و مصدر را تغییر و یا یکی دو حرف به آن می‌افزاید و از طرفی کتب لغت عربی بر اساس حروف اصلی و ماده کلمه گرفته شده است؛ لذا آشنایی با علم صرف برای فهم واژه‌های ضروری است چرا که اشتباه در تشخیص ریشه و ماده یک کلمه، گاه ما را در پیدا کرده معنا ما را ناکام می‌گذارد و گاه ما را به فهمی نادرست می‌کشاند مانند این دو روایت منقول از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقِهِ» (ایمان ندارد کسی که همسایه‌اش از ظلم و ستمش ایمن نیست).

شاهد مثال کلمه «بوائقه» است اگر این کلمه را مرکب از (ب + وائق + ه) بدانیم در کتب لغت به دنبال «وائق» می‌رویم و آن را در «وَيْقُ: ابيض»، «وَأَق: پرنده دریایی»، «وَوَق: شیر» جست و جو می‌کنیم در حالی که هیچ یک از آن‌ها با توجه به حدیث، معنای درستی نمی‌دهند. اما اگر بدانیم «بوائقه» ترکیبی از «بوائق» و «ه» است. و «بوائق» جمع مکسر «بائقه» براحتی به دنبال مصدر «بوق» یا «بیق» می‌گردیم و می‌یابیم که تنها مصدر «بوق» به معنای «ظلم و شر» است. که متناسب با معنای دیگر کلمات حدیث است.

**ب) لغت شناسی:** الفاظ در طول زمان دچار تطور معنایی شده‌اند و معنای کلمه در استعمال کنونی با استعمال عصر صدور ممکن است متفاوت باشد. واژه‌های موجود در احادیث که حدود ۱۴ قرن پیش از زبان مبارک معصومان (علیهم السلام) صادر شده است و محتمل است معنای این کلمات در آن روزگار با معنای ارائه شده توسط لغت شناسان معاصر متفاوت باشد لذا آن دسته از کتب لغت در این عرصه به کار می‌آید که یا در عصر صدور احادیث نوشته شده باشد و یا مؤلفان آن‌ها به سیر تطور معنایی کلمات اشاره داشته‌اند. برای فهم و کشف معانی واژه‌های به کار رفته در احادیث دو شیوه تقلیدی و اجتهادی به کار می‌رود. در لغت شناسی اجتهادی به این منابع می‌توان مراجعه کرد:

**الف) کتب غریب الحدیث:** که به معنانشناسی واژه‌های غریب پرداخته‌اند واژه‌های نامفهومی که گاه در جای حساس و اصلی حدیث به کار رفته و همه سخنان را گنگ می‌کند.



ب) متون دینی و ادبی کهن: متونی که معاصر دوره صدور حدیث بوده‌اند ابن عباس می‌گوید:

«من درباره لفظ «فاطر» در آیه «فاطر السموات و الارض» و نیز تفاوت آن با «خالق» تلاش زیاد کردم تا این که به نزاع دو نفر بر سر تصاحب چاهی متوجه شدم که یکی از آن‌ها به دیگری می‌گوید: «أنا فطرت اول يوم» و من فهمیدم که «فطرت» به معنای خلقت بدیعانه و بدون زمینه قبلی است.

از این رو متونی که معاصر دوره صدور حدیث بوده‌اند واژه‌هایی در معنای یکسان با حدیث آورده‌اند.

۳ - کتب فروق اللغه: کتبی که برای تبیین ظرافت‌های موجود در الفاظ مترادف و مشابه تألیف شده‌اند. مثل

«الفروق» از ابو هلال عسکری (م ۳۹۵ق)

جلس: نشستن کوتاه مدت، کسی که خوابیده و می‌خواهیم به او بگوییم بنشین.  
نمونه  
قعد: نشستن بلند مدت، کسی که ایستاده و می‌خواهیم بگوییم بنشین.

## ۲ - فهم ترکیبات

### الف) اعراب

در سیر فهم حدیث و پس از فهم تک تک واژه‌ها باید به فهم ترکیبی آن واژه‌ها پردازیم و با کنار هم نهادن واژه‌ها و آگاهی از علم نحو و نقش کلمه در جمله به مجموع معنا پی برد. در زبان عربی اعراب کلمات نقش مهم در فهم معنای ترکیبی یک عبارت دارد اما ممکن است حدیث موجود بدون اعراب باشد و یا این احتمال را هم باید بدهیم ممکن است در صورت داشتن اعراب، در اعراب گذاری اشتباهی رخ داده باشد. بنابراین هر محققى که خواهان استفاده از احادیث است باید با قواعد نحو آشنایی داشته باشد. این آشنایی سبب می‌شود تا هر اعرابی را با قوانین نحو و دستور زبان عربی ناسازگار است کنار بگذاریم.

شاهد مثال برای اهمیت اعراب:

مثال اول: امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: «كفى بك جهلاً أن تركب ما نُهيتُ (نهیّت) عنه»

فعل «نهیّت» را ممکن است به دو صورت معلوم و یا مجهول بخوانیم که در این صورت معنا مختلف می‌شود:

معلوم: در جهل تو همین بس که آن چه را نهی کردی مرتکب شوی. (درست)

مجهول: در جهل تو همین بس که آنچه را نهی شده‌ای مرتکب شوی.

احادیث دیگر مؤید معنای معلوم است. مانند: «كفى بك جهلاً أن تنهى عمّا تركب»

## مثال دوم: «کل شیء هو لک حلالٌ حتّی تعلم أنّه حرام بعینه»

این حدیث را دو نوع ترکیب کرده‌اند: عده‌ای «کل شیء» را مبتدا و بقیه جمله خبر گرفته‌اند و لذا حدیث را چنین معنا کرده‌اند: «هر چیزی برای تو حلال است تا زمانی که بدانی خصوص آن چیز حرام است.

برخی دیگر «کل شیء هو لک» را مبتدا و بقیه جمله را خبر گرفته‌اند. که طبق این ترکیب معنا چنین می‌شود: هر چیزی که (آن چیز) از آن توست؛ حلال است تا زمانی که بدانی خصوص آن چیز حرام است.

### ب) اصطلاح‌ها (اصطلاحات مرکب)

در هر زبان ترکیب‌هایی از چند واژه وجود دارند که معنای آن حاصل مجموع معنای آن چند کلمه نیست و گاه بدون تبعیت از علم لغت و نحو معنای دیگری را که گاه بسیار دیرپاب است، افاده می‌کند و متأسفانه کتاب‌های لغت به معنای همه آن‌ها اشاره نکرده‌اند. علت استفاده از این اصطلاحات افاده معنای گسترده در قالب واژه‌های اندک است. تنها راه شناخت معنای آن‌ها، جست و جوی عمیق و آشنایی با زبان علمی و تخصصی است. برای مثال:

- مات حتف انفه: مرگ طبیعی - عَقْلٌ عَنِ اللَّهِ: اخذ معرفت از خداوند

- تزوج مُقام: ازدواج دائمی - جرابُ النُّورَةِ: از روی تقیه سخن گفتن

- سبع المثنائی: سوره‌های بلند

- من رق وجهه رقه علمه: هر کس شرم و حیا کند دانشش اندک شود.

یکی از منابع مهم برای شناخت اصطلاحات موجود در احادیث، کتاب شریف نهج البلاغه است: «یا اهل الکوفه تَرَبَّتْ أیدیکم»: تهیدست بمانید.

«أُخْرِجَ عَنَّا أَبَعَدَ اللَّهُ نَوَاك»: روی خیر نبینی.

### ج) مجازها

به کار بردن مجاز (استعاره، کنایه) در کلام افزون بر زیبایی، معنای گسترده‌تری از ظاهر

لفظی خود را افاده می‌کنند. که عدم توجه به آن ما را از فهم حدیث دور می‌کند.

گفته شده پیامبر با همسران خود سرگرم گفتگو بودند و به آنان می‌فرماید: «اسرعکنّ بی

لحوقا، اطولکنّ یداً» همسران پیامبر دست‌هایشان را کنار هم می‌نهند. دست سوده از همه بلندتر

بود اما زینب بنت جحش زودتر به پیامبر ملحق می‌شود. زینب فرد بخشنده‌ای بود پس منظور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از بلندی دست، سخاوت بوده است.

## ب - فهم مقصود

بعد از فهم متن حدیث که شامل فهم مفردات فهم ترکیبات بود، نوبت به فهم مقصود حدیث می‌رسد برای فهم مقصود حدیث مراحل زیر لازم است:

### ۱ - توجه به قرینه‌ها

گوینده سخن می‌تواند با افزودن قرینه‌های متصل و یا منفصل، معنای ابتدایی سخن خود را دگرگون یا گستره آن را محدود کند.

احتمال وجود قرینه‌ها موجب می‌شود که به فهم اولیه خود از حدیث اعتماد نکنیم و تنها پس از بررسی از قرینه‌ها، که انواع آن‌ها متعدد است به فهم خود از حدیث اعتبار بخشیم.

### انواع قرینه

**قرینه‌های متصل:** قرینه‌هایی هستند که در کنار سخن نشسته و با آن همراه هستند. این قرینه‌ها خود یا معینه هستند یا صارفه.

۱ - قرینه معینه: قرینه‌ای است که در فهم واژه‌های چند معنایی مؤثر است به عنوان مثال اگر پدری به فرزندش بگوید: «صبح یک لیتر شیر بخر» و در عصر همان روز بگوید: «برای دیدن شیر به باغ وحش می‌رویم» کلمات هم‌شین، مقصود پدر را از کلمه شیر به خوبی روشن می‌سازد اما اگر تنها بگوید: «شیر بخر» احتمالات مختلف به ذهن می‌رسد.

۲ - قرینه صارفه: قرینه‌ای است که معنای اصلی کلمه را کنار می‌نهد و مقصود اصلی گوینده را نمایان می‌سازد مثلاً عبارت «شیر بیشه‌های نبرد» یا «شیر عرصه پیمار» افزودن الفاظ «بیشه‌های نبرد» و «عرصه پیکار» به ما می‌فهماند که منظور از شیر، انسان شجاع است نه شیر درنده.

### ۲ - اسباب ورود حدیث

از دیگر قرینه‌های متصل (قرینه‌های متصل غیر لفظی) است که در اینجا با عنوان اسباب ورود حدیث آمده است. اسباب ورود حدیث مانند شأن نزول قرآن، قرینه‌هایی هستند که ما را در فهم درست حدیث و درک مقصود اصلی گوینده یاری می‌دهند سبب ورود یعنی زمینه پیدایش حدیث، که اعم از شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... است.

به عنوان نمونه، فهم حدیث «أَفْطَرَ الْحَاجِمُ وَالْمَجْمُومُ» (حجامت کننده و حجامت شونده هر دو افطار کنند، تنها با توجه به اسباب بیان حدیث ممکن است. توضیح اینکه حدیث که از پیامبر (صلی الله علیه و آله

و سلم) نقل شده به صراحت به این نکته اشاره دارد که حجامت از اسباب شکستن روزه است و چون این نکته با مسلمات فقه شیعه و اهل سنت سازگار نیست. توجیه اساسی این حدیث از طریق توجه به سبب صدور آن به دست می‌آید. مراجعه به سبب ورود حدیث نشان می‌دهد که خطاب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به دو نفر بود که در حال حجامت یکی توسط دیگری بر پیامبر دورغ بستند و به خاطر دورغ بر ایشان، روزه‌شان باطل شد نه به خاطر حجامت.

### ۳ - قرینه‌های منفصل (جمع آوری خانواده حدیث)

نوع دیگر قرینه، قرینه منفصل است که در اینجا با عنوان خانواده حدیث آمده است. قرینه‌های منفصل بیشتر از نوع کلامی‌اند و مهم‌ترین آن‌ها احادیث دیگری است که با حدیث اصلی که در صدد فهم آن هستیم، ارتباط دارند مانند تخصیص، تقیید، ناسخ‌ها و...

از این رو برای فهم مقصود حدیث لازم است احادیث هم‌مضمون و مرتبط با یکدیگر را جمع آوری و کنار هم قرار داد. یافتن احادیث هم‌مضمون و تشکیل خانواده حدیث ما را از نسبت دادن حکم نادرست به شارع باز می‌دارد تا بلافاصله عمومیت را از حدیث عام استنباط نکنیم و بدون جست و جواز مقید، اطلاق را حجت نشماریم. لذا از فواید بازیابی خانواده حدیث موارد زیر می‌باشد:

### الف) آشنایی با تخصیص حکم ۲ - آشنایی با تقیید حکم

به عنوان مثال احادیث مختلفی، اسراف را امری ناپسند دانسته‌اند. مانند «الاسراف یُفنی الجزیل» (اسراف مال زیاد را نابود می‌کند) و یا حدیث «اقبح البذل السرف» (بدترین ریخت و پاش اسراف است). جمع آوری احادیث هم‌مضمون این نکته را به ما گوشزد می‌کند که این حکم عام است و در مواردی تخصیص خورده است. مانند: «الاسراف مذمومٌ فی کل شیء إلا فی افعال البر»

### شبهه‌های بازیابی خانواده حدیث

۱ - مراجعه به جوامع روایی و تصنیف‌های موضوعی

۲ - استفاده از معجم‌های لفظی و موضوعی

۳ - بهره‌گیری از رایانه

### موانع فهم حدیث

گاهی شرایط و عوامل مکانی برای فهم حدیث موجود است اما با این حال موانعی در کار است که موجب می‌شود پژوهش‌های حدیثی به بار نشیند که از آن‌ها به موانع فهم حدیث یاد می‌کنند. این موانع در دو دسته کلی

قرار می‌گیرند: ۱ - موانع فهم متن ۲ - موانع فهم مقصود

## ۱ - موانع فهم متن

### الف) اشتراک لفظی

وجود واژه‌های چند معنایی در متن حدیث در مواردی موانع فهم متن حدیث می‌شود به عنوان مثال در حدیث پیامبر که فرمودند: «اختلاف امتی رحمة» لفظ «اختلاف» دو معنا دارد:

۱ - تفرقه و چند دستگی  
۲ - آمد و شد

که با دقت در سایر احادیث و آیه نقر به دست می‌آید منظور «آمد و شد» است.

### ب) تحول زبان

گاهی واژه‌ها چند معنا دارد اما برخی معانی به مرور زمان متروک شده و در زمان فعلی کارایی ندارند لذا باید توجه داشت که هر واژه را با توجه به معنایی که در عصر نزول حدیث رایج بوده معنا نمود.

مثال: از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که «من نکث بیعتی لقی الله و هو أجذم» (هر کس بیعتش را بشکند؛ خداوند را دیدار می‌کند در حالی که اجذم است).

ممکن است ما «اجذم» را با «جذام» هم خانواده بدانیم و در نتیجه حکم کنیم که شکننده بیعت در قیامت همچون جذامیان محشور می‌شود. اما با مراجعه به کتب لغت و منابع عصر نزول به دست می‌آید که اجذم یعنی «مقطع‌الید» و این معنا برای عرب عصر نزول محسوس بوده است زیرا بیعت با دست صورت می‌گرفته و سزای بیعت شکنی قطع دست خیانتکار است.

### ج) خلط معنای لغوی و اصطلاحی

معنای اصطلاحی، یک حالت وقوع یافته از تحول معنایی واژه‌ها است که فقط نزد گروه خاصی و نه همه اجتماع، پذیرفته است. این معنای جدید گاهی تفاوت چشمگیری با معنای اصلی و عرفی دارد و گاه با آن ارتباط وثیق دارد. کاربرد مکرر معنای اصطلاحی موجب می‌شود که گاه به هنگام شنیدن واژه، از به خاطر آوردن معنای لغوی و اصلی بازمانده و در نتیجه احادیثی را که آن واژه در آن‌ها به معنای لغوی خود و نه اصطلاحی به کار رفته است به گونه‌ای نادرست فهمیده شود. مثلاً واژه «حکمت» در حدیث «الحکمة ضالة المؤمن» که برخی فلاسفه، حکمت را با فلسفه یکی دانسته‌اند و حدیث را چنین معنا کرده‌اند: «فلسفه گم‌شده مؤمن است»

و گروهی که با فلسفه خصومت داشته‌اند، «ضالة» را به معنای «مضلة» یعنی «گمراه کننده مؤمن» و حدیث را چنین معنا کرده‌اند «فلسفه گمراه کننده مؤمن است.» حال آنکه معنای لغوی «حکمت» یعنی «منع و محکم

داشتن» به کار رفته و امامان هر گونه علمی را که لگام جهل انسان را محکم نگه دارد، حکمت نامیده‌اند. پس حدیث به معنای این است: «علم و دانش گمشده مؤمن است».

#### د) خلط معنای فارسی و عربی

برخی واژه‌های عربی، در زبان فارسی‌زبانان مسلمان وارد شده است. به طوری که آن واژه‌های عربی از معادل‌های فارسی خود پرکاربردتر و روشن‌تر هستند. مثل واژه شکر، محبت، عقل، علم و... .

این امر سبب شده که خواننده یا شنونده حدیث تصور کند مفهوم واژه عربی همان مفهوم واژه فارسی است. و در نتیجه در فهم حدیث دچار مشکل گردیده است. مثل حدیث «فإن المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة» که چنین معنا کرده‌اند: «زن گلی خوشبو است نه قهرمان و پهلوان» حال آنکه «قهرمانة» در زبان عربی بدین معنا نیست بلکه به معنای «پیشکار» است.

یا حدیث «الحسود لا یسود» را چنین معنا کرده‌اند: «حسود هرگز نیاسود» یا از «سود» فارسی دانسته و معنا کرده‌اد «حسود هرگز سود نمی‌برد» حال آنکه «لایسود» از «سؤودة» و یا «سیادت» به معنای «سروری» است. و حدیث به معنای این است که «حسود هیچ‌گاه سروری نمی‌یابد».

#### ه) نادیده گرفتن حروف

حروف به ویژه حروف جر، نقش بزرگی را ایفا می‌کنند، و تأثیر عمده‌ای در معنای کلام دارند به طوری که بی‌توجهی به آن‌ها گاه معنایی متضاد با مقصود اصلی گوینده را به ما می‌فهماند.

**مثال:** «فمن رغب عن سنتی فلیس منی» که اگر «عن» جای خود را به «فی» بدهد معنا کاملاً معکوس است:

«رغب عن» (روی گرداند)                      «رغب فی» (روی آورد)

#### و) تصحیف و تحریف

بعضی از احادیث با گذشت زمان عمداً یا سهواً دچار تصحیف و تحریف می‌شوند ما باید با جمع آوری احادیث مشابه، به متن اصلی و تصحیف نشده‌ی حدیث دسترسی پیدا کنیم.

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «أن الله تبارک و تعالی ينزل كل ليلة إلى السماء الدنيا»

قال علي بن موسى الرضا (عليه السلام): «لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّقِينَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ. وَ اللَّهُ مَا قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) كَذَلِكَ. إِنَّمَا قَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُنَزِّلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ كُلِّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْأَخِيرِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيُنَادِي أَهْلَ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيهِ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ؟»

### ز) تقطیع نادرست

قطعه قطعه کردن برخی احادیث و بیرون کشیدن یک جمله از آن و جداسازی قرینه‌ها به فهم نادرست حدیث می‌انجامد. اگرچه تقطیع با شرایط خاص جایز است ولی در هنگام تقطیع باید قرینه‌ها را در نظر گرفت. مثال: از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده: «إِنَّمَا الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةٍ فِي الْمَرْأَةِ وَ الدَّابَّةِ وَ الدَّارِ» از صدر این روایت عبارت «كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ...» حذف شده است که در این صورت نسبت دادن شومی به زن، اسب و خانه توسط پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله و سلم) نادرست است.

### ۲- موانع فهم مقصود

گاهی همه شرایط فهم متن وجود دارد ولی عواملی وجود دارد که مانع فهم حدیث است این عوامل عبارتند از:

#### الف) پیروی از اهو و آرا

گاهی افراد به دنبال حقیقت نیستند بلکه در پی عرضه مستقیم سخن خود در نقاب حدیث هستند. این افراد ابتدا رأی و عقیده‌ای را برگزیده و اکنون به دنبال موجه کردن آن هستند. و لذا احادیث را بر اساس عقیده خود و منطبق بر آن تفسیر می‌کنند. به عنوان مثال غالیان با تفسیر به رأی، حدیث «إِذَا عَرَفْتَ فَاعْمَلْ مَا شِئْتَ» را چنین تفسیر کردند که چون به معرفت خدا و حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) پی بردی دیگر هر کاری برای مجاز است و می‌توانی به ارتکاب گناه روی آوری.

حال آن که امامان ما با این عقیده به شدت مخالفت کرده و مقصود از واژه «عمل» را «کار نیک و خیر» دانسته‌اند و حدیث را در این راستا تفسیری کرده‌اند: «هر گاه معرفت پیدا کردی به هر کار خیر خواستی پرداز که از تو پذیرفته می‌شود کوچک یا بزرگ.»

#### ب) ساده انگاری

اگر چه پیشوایان ما تلاش داشته‌اند به زبان عرف مردم صحبت کنند و به گونه‌ای سخن بگویند که مخاطبان را اقناع کنند. اما از این جهت که به منبع علم بی‌کران الهی متصل بوده و از موضعی برتر و بسیار بالاتر از اندیشمندان بشری، جهان را درک و احساس می‌کردند و لذا ناگزیر بودند این درک تازه را که با درک ما



یکسان نیست در قالب‌های لفظی معمول و رایج بریزند تا مخاطبان آن را بفهمند و ظرفیت و تحمل پذیرش آن را داشته باشند، با این حال در برخی موارد ژرفای معنا، آن چنان بوده که واژه‌ها و ساختار زبان تاب تحمل و انتقال آن را نداشته است و ناچار به استفاده از کنایه و استعاره بوده‌اند. با توجه به آنچه بیان شد نباید با سطحی‌نگری به تفسیر آن‌ها پرداخت و معنایی غیر مقبول برای عقول امروز ارائه داد. احادیثی مثل جبر و اختیار، معراج، عرش، کرسی، لوح، قلم، محو و اثبات همه از این قبیل‌اند که فهم آن‌ها نیازمند ریاضت‌ها و کاوش‌های عمیق و ظریف ادبی است.

### ج) خشک ذهنی و جمود بر الفاظ

جمود یعنی بسنده کردن بر معنای بدوی و ظاهری حدیث و خود را در حصار تنگ ظاهر نهادن. اگر چه حجیت ظواهر احادیث و مفهوم عرض واژه‌ها، مطلب حقیقی است و در علم اصول از آن بحث شده اما در کنار این ظواهر، باید به شرایط زمانی، مکانی و قرائن عقلی و اجتماعی توجه شود.

بسنده نمودن به معنای ظاهری، سبب می‌شود که شخص احادیثی که قابل تعمیم و جریان است محدود نماید و مانع سرایت و تعمیم آن‌ها بشود. همین جمود بر الفاظ باعث شده که وهابیان اموری چون توسل، و بر مهر سجده کردن را شرک به شمار آورند. و اخباری‌گران منقرض شده شیعه، به نوشتن جمله «اسماعیل شهد آن لایله إلا الله» بر کفن هر مرده‌ای هر چند که نامش اسماعیل نباشد، وادارد زیرا که امام صادق (علیه السلام) بر کفن فرزندش اسماعیل چنین نوشت.

### د) خلط جری و تطبیق با تفسیر

روایاتی ذیل برخی آیات ذکر شده که برخی با استناد به آن‌ها به تفسیر آیه پرداخته‌اند اما باید توجه داشت که در بسیاری موارد روایات در صدد بیان تأویل آیه و مصداق‌های آن می‌باشند. نه صرفاً از باب تفسیر. به عنوان مثال می‌توان راسخان در علم را به آن چه روایات گفته‌اند یعنی اهل بیت (علیهم السلام) منحصر نکرد بلکه اهل بیت را فرد اکمل و اتم دانست. و عالمان تابع اهل بیت (علیهم السلام) را نیز از مصداق‌های آیه دانست.

### ه) نادیده گرفتن آهنگ سخن

ما در سخنان روزمره خود از آهنگ‌های متفاوت کلامی سود می‌بریم. در زمان بیان پرسش، سخن خود را متفاوت از مواقع دیگر بیان می‌داریم. اما این آهنگ‌ها در نوشتن قابل انتقال نیست و جز از طریق علائم سؤال و دیگر علائم ویراستاری ممکن نیست ولی در گذشته (زمان صدور حدیث) این علائم نبوده است لذا گاه یک جمله استفهامی امام به عنوان یک جمله خبری خوانده و فهمیده شده و موجب پدید آمدن مشکلاتی شده است. س

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جوامع حدیثی شیعه

لطفاً انتقادات و پیشنهادهای اصلاحی خود را به آدرس زیر بفرستید  
تا در ویرایش بعدی لحاظ گردد.

با تشکر

سیده معصومه تقوی

Taqavi@chmail.ir

# جوامع حدیثی

جوامع حدیثی شیعہ

جوامع حدیثی اہل سنت

انواع جوامع  
حدیثی

# جوامع حدیثی اہل تسنن

- ۱ - موطاً مالک
- ۲ - مسند احمد بن حنبل
- ۳ - صحیح بخاری
- ۴ - صحیح مسلم
- ۵ - سنن ابوداؤد
- ۶ - سنن ترمذی
- ۷ - سنن نسائی

# جوامع حدیثی شیعه

## تعریف جوامع

جوامع، کتاب هایی هستند که احادیث در آنها به ترتیب باب های فقه گردآوری شده باشد

### باب های فقه

نماز، روزه، حج، جهاد، ارث، نذر و.....

۱ - جوامع حدیثی متقدم  
(کتب اربعه حدیثی)

دسته بندی جوامع حدیثی شیعه

۲ - جوامع حدیثی متأخر



# جوامع حدیثی متقدم شیعه

## کتب اربعه شیعه

کافی

ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی

کتاب من لا یحضره  
الفقیه

ابو جعفر محمد بن علی بن  
بابویه قمی، شیخ صدوق

تهذیب الاحکام

ابو جعفر محمد بن حسن طوسی

استبصار

ابو جعفر محمد بن حسن طوسی

محمّدون ثلاث اول

# جوامع حدیثی متأخر شیعه

وافی

محمد بن مرتضیٰ، ملا محسن  
فیض کاشانی

وسائل الشیعه

محمد بن حسن، شیخ حر عاملی

بحار الانوار

محمد بن باقر مجلسی

محمدون ثلاث دوم

# جوامع متقدم حدیث شیعه

اطلاعات مهم در مورد جوامع حدیثی

- ۱ - نام کتاب
- ۲ - نام مؤلف
- ۳ - قرن تألیف
- ۴ - موضوع کتاب
- ۵ - نحوه ذکر سلسله سند
- ۶ - ویژگی کتاب

# کتاب کافی

نام کتاب: کافی

نام مؤلف: کلینی

قرن تألیف: ۳ و ۴

موضوع کتاب: احادیث اعتقادی، فقهی، اخلاقی

نحوه ذکر سلسله سند: به صورت کامل

# ساختار کتاب کافی

کتاب کافی ۸ جلد است و حاوی ۱۶۰۰۰ حدیث است.

ایمان و کفر  
دعا  
فضل قرآن  
عشرت

عقل و جهل  
فضل علم  
کتاب توحید  
کتاب حجة

احادیث اعتقادی ، صفات خدا  
توحید و ...

۲ جلد: اصول کافی

احادیث فقهی

۵ جلد: فروع کافی

داستان ، مواعظ، تاریخ و ..

۱ جلد: روضه کافی

# ویژگی های کتاب کافی

۱- جامعیت کتاب، مشتمل بر روایات اعتقادی، اخلاقی و فقهی است.

۲- در زمان غیبت صغری نوشته شده و به عصر حضور ائمه نزدیک است.

۳- در طول مدت ۲۰ سال نوشته شده است.

۴- روایات آن نسبت به دیگر جوامع بیشتر است.

۵- عناوین فصل های آن کوتاه دقیق و منظم است.

# کتاب من لا يحضره الفقيه

نام مؤلف: شیخ صدوق

قرن تألیف: ۴

موضوع کتاب: فقه

نحوه ذکر سلسله سند: ناقص، البته اسناد بعضی از احادیث در پایان کتاب با نام مشیخه آمده است.



## ویژگی های کتاب من لا یحضره الفقیه

۱ - دارای ۴ جلد است.

۲ - مجموعه روایات فقهی را از اصول مشهور انتخاب کرده است البته روایاتی که به نظر او صحیح بودند.

۳ - روایات متعارض و مختلف را نقل نکرده است.

۴ - در بعضی موارد احادیث را نقل به معنا کرده است و نص حدیث را نقل نکرده است.

۵ - اگر به روایت اطمینان داشته : **قال الصادق علیه السلام** نوشته است.

اگر به روایت اطمینان نداشته: **روی عن الصادق علیه السلام** نوشته است.

# کتاب تهذیب الاحکام

نام مؤلف: شیخ طوسی (شیخ الطائفه)

قرن تألیف: ۵

موضوع کتاب: روایات فقهی اعم از متعارض و غیر متعارض

نحوه ذکر سلسله سند: در بعضی موارد کامل و در بعضی موارد ناقص است.  
در قسمت مشیخه سند بعضی از روایات ناقص را بیان کرده است.

# ویژگی کتاب تهذیب الاحکام

- ۱ - در این کتاب روایات فقهی اعم از متعارض و غیر متعارض گردآوری شده است.
- ۲ - علاوه بر طرح (ذکر) روایات متعارض، به رفع تعارض میان آنها پرداخته است.
- ۳ - احادیث این کتاب بر اساس ابواب فقهی و مطابق با کتاب المقنعه شیخ مفید گردآوری شده است.
- ۴ - این کتاب بیشترین روایات فقهی را در بین کتب اربعه حدیثی دارا است.

۱۳،۹۸۸

تهذیب الاحکام

۱۱،۰۲۱

فروع کافی

# الاستبصار في ما اختلف من الاخبار

نام مؤلف: شيخ طوسی

قرن تألیف: ۵

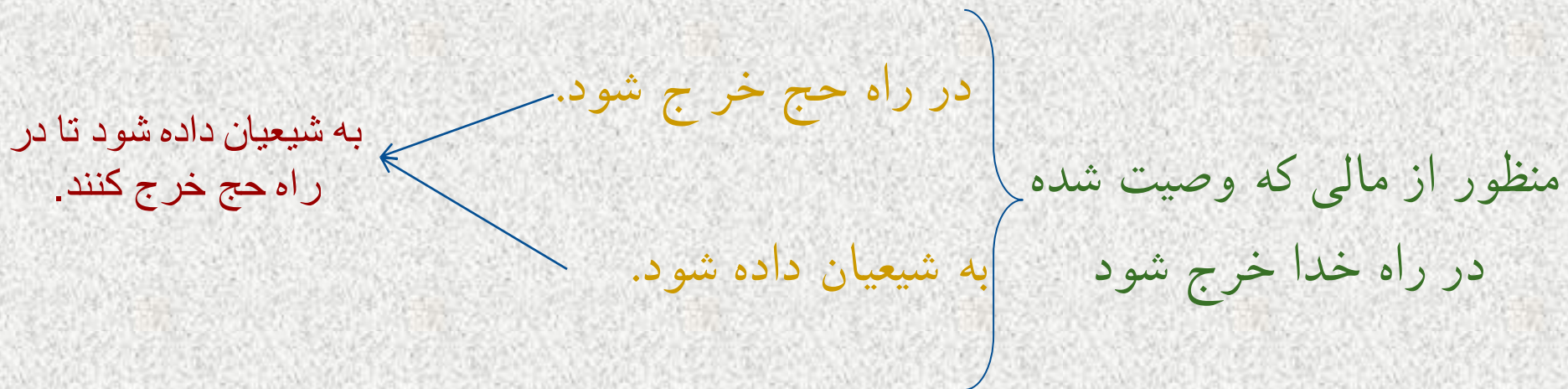
موضوع کتاب: روایات به ظاهر متعارض

نحوه ذکر سلسله سند: ناقص، البته اسناد بعضی از احادیث در پایان کتاب با نام مشیخه آمده است.

# ویژگی های کتاب استبصار

- ۱ - این کتاب خلاصه کتاب تهذیب است.
- ۲ - به ترتیب ابواب فقهی تنظیم شده است ولی شامل همه ابواب فقهی نیست.
- ۳ - تنها ابوابی را که در آن ها روایات به ظاهر متعارض وجود دارد را ذکر کرده است.

نحوه جمع بین دو روایت: ص ۲۳۰



تهذيبين

تهذيب الاحكام و استنبصار



# جوامع متقدم حدیثی

نام کتاب	نام مؤلف	قرن تألیف	موضوع کتاب	نحوه ذکر سلسله سند	ویژگی کتاب
کافی	کلینی	۳ و ۴	اعتقادی اخلاقی فقهی	کامل	۱ - در زمان غیبت صغری ۲ - در طول ۲۰ سال نوشته شده
من الا یحضر	شیخ صدوق	۴	فقهی	ناقص بعضی در مشیخه کامل شده	۱ - طبق فتوای خودایشان است ۲ - اسانید روایات را حذف کردند
تهذیب	شیخ طوسی	۵	فقهی اعم از متعارض و غیر متعارض	ناقص بعضی در مشیخه کامل شده	۱ - مطابق با مقنعه شیخ مفید ۲ - بیشترین روایات فقهی نسبت به دیگر کتب اربعه
استبصار	شیخ طوسی	۵	فقهی و فقط متعارض	ناقص بعضی در مشیخه کامل شده	۱ - خلاصه تهذیب ۲ - روایات به ظاهر متعارض را طرح و رفع کردند



# جوامع حدیثی متأخر شیعه

وافی

محمد بن مرتضی، ملا محسن  
فیض کاشانی

وسائل الشیعه

محمد بن حسن، شیخ حر عاملی

بحار الانوار

محمد بن باقر مجلسی

محمدون ثلاث دوم

# کتاب وافى

نام مؤلف: ملا محسن فیض کاشانی

قرن تألیف: ۱۱

موضوع کتاب: مجموع احادیث کتب اربعه

نحوه ذکر سلسله سند: همانند کتابی که روایت را از آن نقل کرده.

# ویژگی های کتاب وافی

- ۱- مشتمل بر مجموع روایات کتب اربعه با حذف روایات تکراری به همراه شرح و توضیح روایات.
- ۲- کنار هم قرار دادن روایات مرتبط با یک موضوع.
- ۳- روایات متعارض را جمع و تأویل کرده است.
- ۴- ذکر آیات متناسب با روایات در آغاز هر بخش.
- ۵- عناوین را طبق کتاب کافی انتخاب کرده و اول روایات این کتاب را ذکر می کند.
- ۶- مشخص کردن اختلافات عمده سندی یا متنی بین کتب اربعه.
- ۷- ۲۵،۷۰۳ حدیث  
۱۴ جزء
- ۳ مقدمه  
۲۶ جلد
- ۸- در طول ۹ سال نوشته شده است.

# کتاب وسائل الشیعه

نام مؤلف: شیخ حر عاملی

قرن تألیف: ۱۱

موضوع کتاب: احادیث فقهی

نحوه ذکر سلسله سند: اسناد مختلف هر حدیث را ذکر کرده است.

# ساختار کتاب وسائل الشیعه

نام کتاب

تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه

تفصیل ابزارهای شیعه برای به دست آوردن احکام و مسائل شریعت  
احادیث

تعداد روایات

۳۵،۸۶۸

- ۱ - ابواب مقدمات عبادات
  - ۲ - ۵۰ کتاب فقهی از کتاب طهارت تا دیات
  - ۳ - ۱۲ بخش با عنوان فایده
- دارای ۳ بخش است  
۲۰ و ۳۰ جلد

# ویژگی های کتاب وسائل الشیعه

۱ - جامع ترین کتاب نسبت به احادیث فقهی اعم از متعارض و غیر متعارض.

۲ - عنوان دهی احادیث مطابق با فتوای خود،

مانند: استحباب تخطم بالعقیق

کراهة صلاة فی بیت فیه خمر

عدم جواز اخذ الاجرة علی الاذان

باب تأکد استحباب التسییح ثلاثاً فی الركوع

۳ - تقدیم احادیث قوی تر و مطابق عنوان باب.

۴ - پرهیز از تکرار حدیث

۵ - تقطیع حدیث

۶ - تعیین مصدر روایات در آغاز سند.



# کتاب بحار الانوار

نام مؤلف: علامه مجلسی

قرن تألیف: ۱۱ و ۱۲

موضوع کتاب: تمام مباحث علوم اسلامی

نحوه ذکر سلسله سند: اسناد مختلف هر حدیث را ذکر کرده است.



## ساختار کتاب بحار الانوار

- مشتمل بر یک مقدمه ۲۵ کتاب و ده ها هزار روایت است.
- شیوه چینش مطالب آن متأثر از کتاب کافی است.
- البته بعضی از ابواب و موضوعات را به صورت مستقل مطرح می کند.
- مشهورترین چاپ آن ۱۱۰ جلد است که همراه با پاورقی علامه طباطبایی بر ۷ جلد آن است.

# ویژگی های کتاب بحار الانوار

## نام کتاب

**بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**

دریاهای نور، در برگیرنده گوهرهای احادیث پیشوایان پاک

- ۱ - ذکر آیات همراه با تفسیر آن در ابتدای هر باب.
- ۲ - مشتمل بر تمام مسائل دینی اعم از تفسیر، فقه، تاریخ، کلام و...
- ۳ - ذکر رساله‌های مختلف (ر.ک: پاورقی، ص ۲۵۰)
- ۴ - استفاده از مصادر کمیاب و نسخه‌های تصحیح شده.
- ۵ - توضیح و تفسیر احادیث.

# جوامع متقدم حدیثی

نام کتاب	نام مؤلف	قرن تألیف	موضوع کتاب	نحوه ذکر سلسله سند	ویژگی کتاب
کافی	کلینی	۳ و ۴	اعتقادی اخلاقی فقهی	کامل	۱ - در زمان غیبت صغری ۲ - در طول ۲۰ سال نوشته شده
من الا یحضر	شیخ صدوق	۴	فقهی	ناقص بعضی در مشیخه کامل شده	۱ - طبق فتوای خودایشان است ۲ - اسانید روایات را حذف کردند
تهذیب	شیخ طوسی	۵	فقهی اعم از متعارض و غیر متعارض	ناقص بعضی در مشیخه کامل شده	۱ - مطابق با مقنعه شیخ مفید ۲ - بیشترین روایات فقهی نسبت به دیگر کتب اربعه
استبصار	شیخ طوسی	۵	فقهی و فقط متعارض	ناقص بعضی در مشیخه کامل شده	۱ - خلاصه تهذیب ۲ - روایات به ظاهر متعارض را طرح و رفع کردند

# جوامع حدیثی متأخر

نام کتاب	نام مؤلف	قرن تألیف	موضوع کتاب	نحوه ذکر سلسله سند	ویژگی کتاب
وافی	ملا محسن فیض کاشانی	۱۱	مجموع کتب اربعه	مانند کتب اربعه	- ذکر آیات متناسب با روایات در آغاز هر بخش. - همراه با شرح و توضیح روایات
وسائل الشیعه	شیخ حر عاملی	۱۱	روایات فقهی	اسناد مختلف هر حدیث را ذکر کرده است	- عناوین مطابق با فتوایشان است. - پرهیز از تکرار
بحار الانوار	محمد باقر مجلسی	۱۲	مجموعه علوم اسلامی	اسناد مختلف هر حدیث ذکر شده است.	- احادیث تقطیع شدند - ذکر آیات همراه تفسیر در ابتدای هر باب - توضیح و تفسیر احادیث

اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِ مُحَمَّدٍ